



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# حکایت‌های نگاه

نگاهی درون و بیرون دینی به پلورالیسم

داود رحیمی‌نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقانیت یا نجات: نگاهی درون و برون دینی به پلورالیسم

نویسنده:

داوود رحیمی نیا

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۴	حقانیت یا نجات: نگاهی درون و برون دینی به پلورالیسم
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۳۰	مقدمه
۳۳	پیش گفتار
۳۶	بخش اول کلیات
۳۶	اشاره
۳۷	فصل اول: تعریف و پیشینه ی تاریخی پلورالیسم
۳۷	اشاره
۳۷	تعریف پلورالیسم
۳۸	پیشینه ی پلورالیسم
۳۸	اشاره
۳۸	پلورالیسم در مسیحیت
۴۲	پلورالیسم در اسلام
۴۴	پلورالیسم در ایران
۴۷	فصل دوم: پیش زمینه های گرایش به پلورالیسم دینی
۴۷	اشاره
۴۷	۱ _ تعصب های ناروای مسیحیان
۴۹	۲ _ لیبرالیسم سیاسی و دینی
۵۰	۳ _ حس گرایی
۵۲	۴ _ دین را آفریده ی بشر دانستن
۵۴	۵ _ افول معنویت

۵۵	۶ _ معلل دانستن سرسپردگی به دین ویژه
۵۶	۷ _ ناتوانی در مقایسه ی ادیان
۵۶	۸ _ توجیه مطالب کتاب مقدس مسیحیان
۵۷	۹ _ گرایش به نسبی انگاری
۶۰	فصل سوم: گونه های پلورالیسم دینی
۶۰	اشاره
۶۰	۱ _ پلورالیسم شکا کانه و پلورالیسم صوفیانه
۶۲	۲ _ پلورالیسم در دین و پلورالیسم در فهم دین
۶۴	۳ _ پلورالیسم دینی حقانیت
۶۶	۴ _ پلورالیسم دینی وظیفه شناختی
۶۷	۵ _ پلورالیسم دینی رفتاری
۶۷	۶ _ پلورالیسم دینی نجات
۷۰	بخش دوم راه های تبیین گونه گونی ادیان
۷۰	اشاره
۷۱	فصل اول: تفاوت ها و پیوندهای ادیان
۷۴	فصل دوم: رویکردهای گوناگون به گونه گونی ادیان
۷۴	اشاره
۷۴	۱ _ انحصار گرایی دینی
۷۸	۲ _ شمول گرایی دینی
۸۲	۳ _ کثرت گرایی دینی
۸۵	بخش سوم پلورالیسم دینی از نگاه برون دینی و درون دینی
۸۵	اشاره
۸۶	فصل اول: نقد برون دینی پلورالیسم
۸۶	اشاره
۸۷	۱ _ پلورالیسم خویش برانداز
۸۷	اشاره

۸۷	الف _ حق پنداری خویش
۸۷	ب _ حق پنداری انحصارگرایی و شمول گرایی
۸۷	ج _ حق پنداری اسلام
۸۹	۲ _ بطلان ذاتی پلورالیسم دینی
۹۴	۳ _ پذیرش پلورالیسم؛ پذیرش شکاکیت، نسبیت گرایی و اجتماع نقیضین
۹۵	۴ _ تضاد پلورالیسم دینی در مرحله ی اجرا
۹۵	۵ _ هدایت ناخالص در پلورالیسم
۹۶	۶ _ صراط های مستقیم یا آیین های الهی و غیرالهی برحق
۹۷	۷ _ غفلت معرفت شناسانه در پلورالیسم دینی
۹۸	۸ _ درهم آمیختگی مباحث معرفت شناختی بامباحث اخلاقی در پلورالیسم دینی
۹۹	۹ _ قاعده ی لطف
۱۰۰	۱۰ _ پذیرش دین کامل، برتر و خالص تر
۱۰۲	۱۱ _ تقدم عقلانی و منطقی دین متأخر
۱۰۳	۱۲ _ پلورالیسم یا چراغ سبز به پیامبران کاذب و کذاب
۱۰۴	۱۳ _ ارزش مندی جنبه ی عملی دین
۱۰۵	۱۴ _ افتراق زبان ناظر به خداوند با زبان ناظر به تجربه ی دینی
۱۰۶	۱۵ _ تسامح ناپذیری کثرت گرایی
۱۰۸	۱۶ _ پسا تجددگرایی پلورالیسم دینی
۱۰۸	۱۷ _ چند انتقاد دیگر بر پلورالیسم دینی جان هیک
۱۱۰	فصل دوم: نقد درون دینی پلورالیسم
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	پلورالیسم دینی حَقانیت
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۱ _ اسلام عام و اسلام خاص
۱۱۱	اشاره
۱۱۳	اسلام عام

- ۱۱۳ ----- ویژگی ها
- ۱۱۶ ----- اسلام خاص
- ۱۱۶ ----- الف \_ ویژگی ها
- ۱۱۸ ----- ب: کتاب دین اسلام
- ۱۲۰ ----- ج: پیامبر دین اسلام
- ۱۲۱ ----- ۲ \_ اسلام، ناسخ بدون نسخ
- ۱۲۶ ----- ۳ \_ جهان شمولی اسلام و قرآن
- ۱۲۶ ----- الف \_ محمد صلی الله علیه و آله وسلم ؛ پیامبر همگان
- ۱۲۷ ----- ب \_ قرآن؛ کتاب آسمانی همگان
- ۱۲۷ ----- اشاره
- ۱۲۷ ----- ۱ \_ قرآن؛ بیانی برای همه مردم
- ۱۲۷ ----- ۲ \_ قرآن؛ ذکر جهانیان
- ۱۲۷ ----- ۳ \_ قرآن؛ موعظه گر و شفادهنده ی مردم
- ۱۲۸ ----- ۴ \_ قرآن؛ پیامی برای همه
- ۱۲۸ ----- ۵ \_ قرآن؛ دلیلی روشن برای همه
- ۱۲۸ ----- ۴ \_ فراهوان همگانی به اسلام خاص
- ۱۲۸ ----- الف \_ فراهوان همگانی قرآن به اسلام
- ۱۳۱ ----- ب \_ گرفتن میثاق از پیامبران در پیروی از اسلام
- ۱۳۱ ----- ج \_ فراهوان همگان به اسلام در سیره ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم
- ۱۳۳ ----- ۵ \_ تحریف ادیان
- ۱۳۳ ----- اشاره
- ۱۳۴ ----- الف \_ بی سوادی اهل کتاب و فراموشی کتاب خدا
- ۱۳۴ ----- ب \_ دروغ بستن یهود به خداوند
- ۱۳۵ ----- ج \_ افترا بستن اهل کتاب به خداوند
- ۱۳۶ ----- د \_ اهل کتاب و کتمان حق
- ۱۳۷ ----- و \_ یهودیان و تحریف



- ز \_ مسیحیان و تحریف ..... ۱۳۷
- ح \_ تحریف اهل کتاب و بیان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ..... ۱۳۷
- ۶ \_ مصون ماندن قرآن از تحریف ..... ۱۴۰
- ۷ \_ جاده ی مستقیم الهی ..... ۱۴۱
- ۸ \_ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر ..... ۱۴۳
- ۹ \_ پلورالیسم؛ راهی به سوی دین بشری ..... ۱۴۸
- ۱۰ \_ پلورالیسم و الهیات عقلانی \_ وحیانی ..... ۱۴۹
- اشاره ..... ۱۴۹
- ۱ \_ خدای واحد ..... ۱۴۹
- ۲ \_ آفرینش واحد ..... ۱۵۰
- ۳ \_ یگانه نگری رسولان الهی ..... ۱۵۰
- ۴ \_ ائمت واحد ..... ۱۵۰
- ۵ \_ هم آهنگی کتاب های آسمانی ..... ۱۵۲
- ۶ \_ پیامبران الهی؛ بنیان گذاران توحید کلمه ..... ۱۵۲
- پلورالیسم دینی رفتاری ..... ۱۵۲
- اشاره ..... ۱۵۲
- ۱ \_ حق انتخاب دین و دین داری در اسلام ..... ۱۵۳
- اشاره ..... ۱۵۳
- الف \_ هر کسی دینی دارد ..... ۱۵۳
- ب \_ گونه گونی مناسک ..... ۱۵۴
- ج \_ انتخاب دین داری ..... ۱۵۴
- د \_ اختیار در پذیرش اسلام ..... ۱۵۴
- ۲ \_ در اسلام، ابلاغ است نه اجبار ..... ۱۵۶
- ۳ \_ مهلت دادن خداوند به مخالفان ..... ۱۵۶
- ۴ \_ سفارش اسلام به گفت و گوی ادیان ..... ۱۵۷
- ۵ \_ رفتار مسالمت آمیز مسلمانان با پیروان ادیان دیگر ..... ۱۵۸

- ۱۵۸ ..... اشاره
- ۱۵۸ ..... یک \_ برخورد عفوآمیز با پیروان ادیان دیگر
- ۱۵۹ ..... دو \_ صلح با صلح جویان
- ۱۵۹ ..... ۶ \_ فراخواندن به اتحاد و رفتار بر اساس کتاب خود
- ۱۵۹ ..... اشاره
- ۱۵۹ ..... الف \_ دعوت به همبستگی و اتحاد
- ۱۶۰ ..... ب \_ حل اختلاف اهل کتاب
- ۱۶۱ ..... ج \_ عمل به تورات و انجیل
- ۱۶۱ ..... ۷ \_ مدارا و نیکوکاری با کافران
- ۱۶۲ ..... پلورالیسم دینی نجات
- ۱۶۲ ..... اشاره
- ۱۶۴ ..... ۱ \_ معذوران از دیدگاه عقل
- ۱۶۴ ..... اشاره
- ۱۶۶ ..... گونه های استضعاف
- ۱۶۶ ..... یک \_ کودکان و سالخوردگان
- ۱۶۶ ..... دو \_ فشار و اجبار
- ۱۶۷ ..... سه \_ استضعاف سیاسی و حکومتی
- ۱۶۷ ..... چهار \_ استضعاف فکری
- ۱۶۷ ..... راه کار برون رفت از استضعاف
- ۱۶۷ ..... یک \_ مهاجرت
- ۱۶۸ ..... دو \_ پیکار در راه خدا
- ۱۶۸ ..... خداوند و مستضعفان
- ۱۶۸ ..... یک \_ نصرت الهی برای مستضعفان
- ۱۶۸ ..... دو \_ وراثت زمین از آن مستضعفان
- ۱۷۰ ..... ۳ \_ معذوران از دیدگاه روایات
- ۱۷۰ ..... اشاره

- ۱۷۱ ..... مستضعف در روایات
- ۱۷۱ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... نتیجه
- ۱۷۳ ..... کردار خوب و بد مسلمان و نامسلمان
- ۱۷۴ ..... ۴ \_ معذوران از دیدگاه اندیشمندان اسلامی
- ۱۷۴ ..... اشاره
- ۱۷۴ ..... الف \_ ابوعلی سینا
- ۱۷۷ ..... ب \_ صدرالمتألهین
- ۱۷۸ ..... ج \_ علامه طباطبایی
- ۱۷۹ ..... قاصران و مقصران کیانند؟
- ۱۷۹ ..... اشاره
- ۱۸۰ ..... الف) قاصران
- ۱۸۱ ..... ب) مقصران
- ۱۸۳ ..... هدایت، حَقانیت، نجات و سعادت
- ۱۸۴ ..... بیشتر انسان ها اهل نجات و رستگاری اند
- ۱۸۵ ..... خاتمیت و جامعیت اسلام
- ۱۸۵ ..... اشاره
- ۱۸۵ ..... برهان عقلانی \_ و حیانی در خاتمیت و جامعیت اسلام
- ۱۸۶ ..... برهان نقلی در خاتمیت و جامعیت اسلام
- ۱۸۷ ..... خاتمیت در قرآن
- ۱۸۷ ..... اشاره
- ۱۸۸ ..... یک \_ اسلام؛ دین حق
- ۱۸۸ ..... دو \_ اسلام؛ دین قَیم
- ۱۸۸ ..... سه \_ اسلام؛ دین حنیف، خالص و هم آهنگ با فطرت انسان ها
- ۱۸۸ ..... چهار \_ اسلام؛ دین کامل و تمام
- ۱۹۰ ..... پنج \_ اسلام؛ بهترین دین و تنها صراط مستقیم

شش _ اسلام؛ یگانه دین مقبول الهی و اُمت اسلامی؛ بهترین اُمت ها	۱۹۱
هفت _ اسلام؛ مجموعه ی شریعت های آسمانی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم؛ خاتم پیامبران	۱۹۱
آسانی دین اسلام	۱۹۲
عوامل تجدید نبوت ها و ختم نبوت	۱۹۵
خاتمیت؛ خودکفایی بشر از پیامبر نه دین	۱۹۶
خاتمیت؛ راه گشای اختلاف ها	۱۹۷
نتیجه	۱۹۸
حُسن ختام	۲۰۰
اشاره	۲۰۰
موضع گیری ما در برابر ادیان	۲۰۰
وحدت ادیان الهی در قرآن	۲۰۰
اسلام؛ مصدّق، میتین و ادامه دهنده ی ادیان پیشین	۲۰۳
اشاره	۲۰۳
۱ _ اسلام؛ مصدّق ادیان پیشین	۲۰۳
۲ _ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم؛ تبیین گر کتاب های پیشین	۲۰۵
۳ _ آشنایی اهل کتاب با اسلام	۲۰۵
جایگاه تورات و انجیل در قرآن	۲۰۶
رسانه و رهیافت های پلورالیسم	۲۰۷
اشاره	۲۰۷
۱ _ توجه رسانه به جایگاه بحث پلورالیسم دینی	۲۰۷
۲ _ نقش رسانه در انتقال صحیح مباحث پلورالیستیک	۲۰۸
اشاره	۲۰۸
الف _ آرایه بحث پلورالیستیک	۲۰۸
ب _ هدف مندی رسانه	۲۱۰
ج _ برخورد درست رسانه با ادیان پیشین	۲۱۰
۳ _ بررسی کارشناسانه ی پلورالیسم دینی و کاربردی کردن آن	۲۱۱

۲۱۱	۴ _ پیش گیری از گسترش اباحی گری
۲۱۲	۵ _ داشتن رویکرد پویا
۲۱۴	۶ _ توجه به غرض های سیاسی
۲۱۵	توصیه های لازم برای برنامه ریزان و برنامه سازان
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	الف _ جدا کردن گونه ها و ساحت های بحث
۲۱۶	ب _ توجه به نگره ی عقلانی یا وحیانی بحث
۲۱۶	ج _ توجه به دین پژوهان خردگرا و دین گرا
۲۱۶	معرفی مراکز و نهادهای مربوط به موضوع
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	پژوهش کده ی فلسفه و کلام اسلامی
۲۱۸	پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲۱۸	مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه
۲۲۰	مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
۲۲۱	مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله
۲۲۱	معرفی کارشناس
۲۲۳	پرسش های کارشناسی
۲۲۹	کتاب نامه
۲۲۹	الف) کتاب ها
۲۳۵	ب) مقالات:
۲۳۷	درباره مرکز

## حقانیت یا نجات: نگاهی درون و برون دینی به پلورالیسم

### مشخصات کتاب

سرشناسه: رجیبی نیا، داود، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: حقانیت یا نجات: نگاهی درون و برون دینی به پلورالیسم / داود رحیمی نیا.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.

شابک: ۹۰۰۰ ریال ۹۶۴۷۸۰۸۱۴۳

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Truth or salvation insider and outsider look at rehgiions pluralism

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۲ - ۱۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: کثرت گرایی مذهبی -- اسلام.

موضوع: کثرت گرایی مذهبی -- تاریخ.

موضوع: کثرت گرایی مذهبی.

موضوع: کثرت گرایی مذهبی -- مسیحیت.

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره: BP۲۲۷/ح۳۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۳۰۶۶۸

ص: ۱

اشاره



## فهرست مطالب

مقدمه ۱۷

پیش گفتار ۲۰

بخش اول ۲۳

کلیات ۲۳

فصل اول: تعریف و پیشینه ی تاریخی پلورالیسم ۲۴

تعریف پلورالیسم ۲۴

پیشینه ی پلورالیسم ۲۵

پلورالیسم در مسیحیت ۲۵

پلورالیسم در اسلام ۲۸

پلورالیسم در ایران ۳۰

فصل دوم: پیش زمینه های گرایش به پلورالیسم دینی ۳۳

۱ \_ تعصب های ناروای مسیحیان ۳۳

۲ \_ لیبرالیسم سیاسی و دینی ۳۴

۳ \_ حس گرایبی ۳۵

۴ \_ دین را آفریده ی بشر دانستن ۳۷

۵ \_ افول معنویت ۳۹

۶ \_ معلل دانستن سرسپردگی به دین ویژه ۴۰



۷ \_ ناتوانی در مقایسه ی ادیان ۴۱

۸ \_ توجیه مطالب کتاب مقدس مسیحیان ۴۱

۹ \_ گرایش به نسبی انگاری ۴۲

فصل سوم: گونه های پلورالیسم دینی ۴۵

۱ \_ پلورالیسم شکا کانه و پلورالیسم صوفیانه ۴۵

۲ \_ پلورالیسم در دین و پلورالیسم در فهم دین ۴۶

پلورالیسم طولی و عرضی ۴۷

۳ \_ پلورالیسم دینی حقانیت ۴۸

۴ \_ پلورالیسم دینی وظیفه شناختی ۵۰

۵ \_ پلورالیسم دینی رفتاری ۵۱

۶ \_ پلورالیسم دینی نجات ۵۱

بخش دوم ۵۴

راه های تبیین گونه گونی ادیان ۵۴

فصل اول: تفاوت ها و پیوندهای ادیان ۵۵

۱ \_ تفاوت در منشأ ۵۵

۲ \_ تفاوت در معارف ۵۵

۳ \_ تفاوت در شعایر ۵۵

۴ \_ تفاوت در فرجام انسانی ۵۵

پیوندهای ادیان ۵۶

فصل دوم: رویکردهای گوناگون به گونه گونی ادیان ۵۸

۱\_ انحصار گرایی دینی ۵۸

۲\_ شمول گرایی دینی ۶۲

۳\_ کثرت گرایی دینی ۶۶

بخش سوم ۶۹

پلورالیسم دینی از نگاه برون دینی و درون دینی ۶۹

فصل اول: نقد برون دینی پلورالیسم ۷۰

۱\_ پلورالیسم خویش برانداز ۷۰

الف \_ حق پنداری خویش ۷۰

ب \_ حق پنداری انحصارگرایی و شمول گرایی ۷۰

ج \_ حق پنداری اسلام ۷۰

۲\_ بطلان ذاتی پلورالیسم دینی ۷۱

۳\_ پذیرش پلورالیسم؛ پذیرش شکاکیت، نسیت گرایی و اجتماع نقیضین ۷۶

۴\_ صراط های مستقیم یا آیین های الهی و غیر الهی برحق ۷۸

۷\_ غفلت معرفت شناسانه در پلورالیسم دینی ۷۹

۸\_ درهم آمیختگی مباحث معرفت شناختی بامباحث اخلاقی در پلورالیسم دینی ۸۰

۹\_ قاعده ی لطف ۸۱

۱۰\_ پذیرش دین کامل، برتر و خالص تر ۸۲

۱۱\_ تقدم عقلانی و منطقی دین متأخر ۸۴

۱۲ \_ پلورالیسم یا چراغ سبز به پیامبران کاذب و کذاب ۸۵

۱۳ \_ ارزش مندی جنبه ی عملی دین ۸۶

۱۴ \_ افتراق زبان ناظر به خداوند با زبان ناظر به تجربه ی دینی ۸۷

۱۵ \_ تسامح ناپذیری کثرت گرایی ۸۸

۱۶ \_ پسا تجدد گرایی پلورالیسم دینی ۹۰

۱۷ \_ چند انتقاد دیگر بر پلورالیسم دینی جان هیک ۹۰

فصل دوم: نقد درون دینی پلورالیسم ۹۲

پلورالیسم دینی حقانیت ۹۲

۱ \_ اسلام عام و اسلام خاص ۹۲

اسلام عام و اسلام خاص در قرآن ۹۴

اسلام عام ۹۴

ویژگی ها ۹۴

۱ \_ تسلیم در برابر خدای واحد ۹۴

۲ \_ نفی شرک ۹۴

۳ \_ توجه به سوی خدا ۹۴

۴ \_ کمال تقوا ۹۴

۵ \_ یگانگی خدا ۹۵

۶ \_ ایمان به همه کتاب های آسمانی ۹۵

۷ \_ ایمان به همه ی پیامبران الهی ۹۵

۸\_ بهترین دین ۹۵

۹\_ دین برپا و استوار ۹۵

۱۰\_ اسلام؛ دین پیامبران ۹۵

نوح مسلمان ۹۶

ابراهیم و اسماعیل مسلمان ۹۶

موسای مسلمان ۹۶

یوسف مسلمان ۹۶

عیسای مسلمان ۹۷

۱۱\_ بهترین گفتار ۹۷

۱۲\_ فراخوان همگانی به اسلام ۹۷

۱۳\_ فقط مسلمان، گوش شنوا دارد ۹۷

۱۴\_ پذیرش اسلام؛ اراده ی الهی است. ۹۷

اسلام خاص ۹۷

الف\_ ویژگی ها ۹۸

۱\_ دین اسلام؛ صراط مستقیم ۹۸

۲\_ اسلام؛ حق مبین ۹۸

۳\_ دین اسلام؛ وسیله ی رستگاری ۹۸

ب: کتاب دین اسلام ۹۸

۱\_ قرآن، کتاب حق ۹۹

۲\_ قرآن، پیراسته از تناقض ۹۹

ج: پیامبر دین اسلام ۹۹

۱\_ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؛ آخرین پیامبر ۹۹

۲\_ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؛ پیامبر همه ی انسان ها. ۹۹

۳\_ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؛ پیرو راه ابراهیم علیه السلام ۹۹

۴\_ آمدن نام و نشانی محمد صلی الله علیه و آله وسلم در عهدین ۱۰۰

۲\_ اسلام، ناسخ بدون نسخ ۱۰۰

ناسخ بودن اسلام در آیات و روایات ۱۰۲

۳\_ جهان شمولی اسلام و قرآن ۱۰۵

الف \_ محمد صلی الله علیه و آله وسلم؛ پیامبر همگان ۱۰۵

ب \_ قرآن؛ کتاب آسمانی همگان ۱۰۶

۱\_ قرآن؛ بیانی برای همه مردم ۱۰۶

۲\_ قرآن؛ ذکر جهانیان ۱۰۶

۳\_ قرآن؛ موعظه گر و شفادهنده ی مردم ۱۰۶

۴\_ قرآن؛ پیامی برای همه ۱۰۷

۵\_ قرآن؛ دلیلی روشن برای همه ۱۰۷

۴\_ فراخوان همگانی به اسلام خاص ۱۰۷

الف \_ فراخوان همگانی قرآن به اسلام ۱۰۷

ب \_ گرفتن میثاق از پیامبران در پیروی از اسلام ۱۱۰

ج \_ فراخوان همگان به اسلام در سیره ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ۱۱۰

۵ \_ تحریف ادیان ۱۱۱

الف \_ بی سوادى اهل کتاب و فراموشى کتاب خدا ۱۱۲

ب \_ دروغ بستن يهود به خداوند ۱۱۲

ج \_ افترا بستن اهل کتاب به خداوند ۱۱۳

د \_ اهل کتاب و کتمان حق ۱۱۴

ه \_ درهم آمیختن حق و باطل ۱۱۴

و \_ يهوديان و تحریف ۱۱۵

ز \_ مسیحیان و تحریف ۱۱۵

ح \_ تحریف اهل کتاب و بیان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ۱۱۵

نتیجه ۱۱۶

۶ \_ مصون ماندن قرآن از تحریف ۱۱۷

۷ \_ جاده ی مستقیم الهی ۱۱۸

۸ \_ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر ۱۲۰

۹ \_ پلورالیسم؛ راهی به سوی دین بشری ۱۲۵

۱۰ \_ پلورالیسم و الهیات عقلانی \_ و حیانی ۱۲۶

ویژگی الهیاتِ و حیانی \_ قرآنی ۱۲۷

۱ \_ خدای واحد ۱۲۷

۲\_ آفرینش واحد ۱۲۷

۳\_ یگانه نگری رسولان الهی ۱۲۷

۴\_ امت واحد ۱۲۸

۵\_ هم آهنگی کتاب های آسمانی ۱۲۸

۶\_ پیامبران الهی؛ بنیان گذاران توحید کلمه ۱۲۸

پلورالیسم دینی رفتاری ۱۲۸

۱\_ حق انتخاب دین و دین داری در اسلام ۱۲۹

الف\_ هر کسی دینی دارد ۱۳۰

ب\_ گونه گونی مناسک ۱۳۰

ج\_ انتخاب دین داری ۱۳۰

د\_ اختیار در پذیرش اسلام ۱۳۱

۲\_ در اسلام، ابلاغ است نه اجبار ۱۳۲

۳\_ مهلت دادن خداوند به مخالفان ۱۳۲

۴\_ سفارش اسلام به گفت و گوی ادیان ۱۳۳

۵\_ رفتار مسالمت آمیز مسلمانان با پیروان ادیان دیگر ۱۳۴

یک\_ برخورد عفوآمیز با پیروان ادیان دیگر ۱۳۵

دو\_ صلح با صلح جویان ۱۳۵

۶\_ فراخواندن به اتحاد و رفتار بر اساس کتاب خود ۱۳۵

الف\_ دعوت به همبستگی و اتحاد ۱۳۶

ب \_ حل اختلاف اهل کتاب ۱۳۷

ج \_ عمل به تورات و انجیل ۱۳۷

۷ \_ مدارا و نیکوکاری با کافران ۱۳۸

پلورالیسم دینی نجات ۱۳۸

۱ \_ معذوران از دیدگاه عقل ۱۴۰

۲ \_ معذوران از دیدگاه قرآن ۱۴۲

گونه های استضعاف ۱۴۲

یک \_ کودکان و سالخوردگان ۱۴۲

دو \_ فشار و اجبار ۱۴۳

سه \_ استضعاف سیاسی و حکومتی ۱۴۳

چهار \_ استضعاف فکری ۱۴۳

راه کار برون رفت از استضعاف ۱۴۴

یک \_ مهاجرت ۱۴۴

دو \_ پیکار در راه خدا ۱۴۴

خداوند و مستضعفان ۱۴۴

یک \_ نصرت الهی برای مستضعفان ۱۴۴

دو \_ وراثت زمین از آن مستضعفان ۱۴۵

۳ \_ معذوران از دیدگاه روایات ۱۴۶

مستضعف در روایات ۱۴۷



ص: ۱۲

نتیجه ۱۴۹

کردار خوب و بد مسلمان و نامسلمان ۱۴۹

۴ \_ معذوران از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ۱۵۱

الف \_ ابوعلی سینا ۱۵۱

ب \_ صدرالمألهین ۱۵۴

ج \_ علامه طباطبایی ۱۵۴

قاصران و مقصران کیانند؟ ۱۵۶

الف) قاصران ۱۵۶

ب) مقصران ۱۵۷

هدایت، حقانیت، نجات و سعادت ۱۵۹

بیشتر انسان ها اهل نجات و رستگاری اند ۱۶۰

خاتمیت و جامعیت اسلام ۱۶۱

برهان عقلانی \_ و حیانی در خاتمیت و جامعیت اسلام ۱۶۲

برهان نقلی در خاتمیت و جامعیت اسلام ۱۶۳

خاتمیت در قرآن ۱۶۴

یک \_ اسلام؛ دین حق ۱۶۴

دو \_ اسلام؛ دین قییم ۱۶۴

سه \_ اسلام؛ دین حنیف، خالص و هم آهنگ با فطرت انسان ها ۱۶۴

چهار \_ اسلام؛ دین کامل و تمام ۱۶۵

پنج \_ اسلام؛ بهترین دین و تنها صراط مستقیم ۱۶۵

شش \_ اسلام؛ یگانه دین مقبول الهی و اُمت اسلامی؛ بهترین اُمت ها ۱۶۶

هفت \_ اسلام؛ مجموعه ی شریعت های آسمانی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم؛ خاتم پیامبران ۱۶۷

آسانی دین اسلام ۱۶۷

عوامل تجدید نبوت ها و ختم نبوت ۱۷۰

خاتمیت؛ خودکفایی بشر از پیامبر نه دین ۱۷۱

خاتمیت؛ راه گشای اختلاف ها ۱۷۳

نتیجه ۱۷۴

حُسن ختام ۱۷۶

موضع گیری ما در برابر ادیان ۱۷۶

وحدت ادیان الهی در قرآن ۱۷۶

اسلام؛ مصدّق، مبین و ادامه دهنده ی ادیان پیشین ۱۷۸

۱ \_ اسلام؛ مصدّق ادیان پیشین ۱۷۸

۲ \_ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم؛ تبیین گر کتاب های پیشین ۱۷۸

۳ \_ آشنایی اهل کتاب با اسلام ۱۷۸

جایگاه تورات و انجیل در قرآن ۱۷۹

رسانه و رهیافت های پلورالیسم ۱۸۱

۱ \_ توجه رسانه به جایگاه بحث پلورالیسم دینی ۱۸۱

۲ \_ نقش رسانه در انتقال صحیح مباحث پلورالیستیک ۱۸۲

الف \_ ارایه بحث پلورالیستیک ۱۸۲

ب \_ هدف مندی رسانه ۱۸۳

ج \_ برخورد درست رسانه با ادیان پیشین ۱۸۴

۳ \_ بررسی کارشناسانه ی پلورالیسم دینی و کاربردی کردن آن ۱۸۴

۴ \_ پیش گیری از گسترش اباحی گری ۱۸۵

۵ \_ داشتن رویکرد پویا ۱۸۶

۶ \_ توجه به غرض های سیاسی ۱۸۷

توصیه های لازم برای برنامه ریزان و برنامه سازان ۱۸۸

الف \_ جدا کردن گونه ها و ساحت های بحث ۱۸۹

ب \_ توجه به نگره ی عقلانی یا وحیانی بحث ۱۸۹

ج \_ توجه به دین پژوهان خردگرا و دین گرا ۱۹۰

معرفی مراکز و نهادهای مربوط به موضوع ۱۹۰

پژوهش کده ی فلسفه و کلام اسلامی ۱۹۰

پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۹۰

مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ۱۹۱

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۹۲

مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ۱۹۲

معرفی کارشناس ۱۹۳

ص: ۱۵

پرسش های کارشناسی ۱۹۴

کتاب نامه ۱۹۸

الف) کتاب ها ۱۹۸۱

ب) مقالات: ۲۰۵

با سپاس از همکارانی که در آفرینش این پژوهش نقش داشته اند:

ویراستار: محمدصادق دهقان

نمونه خوان: محمدرضا پورفلاحتی و علی روحانی بیدگلی

حروف نگار: مجید مشایخی و محمد نادری

صفحه آرا: مجید مشایخی

طراح جلد: سیدمهدی حسینی

هم آهنگی چاپ: علی اکبر مینایی

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مهر ۱۳۸۱

گوناگونی در عرصه های گونه گونِ فکری و فرهنگی، پدیده ای پذیرفتنی است. انسان ها در گوشه و کنار جهان با باورهای متنوع و متکثری زیست می کنند و اندیشمندان همه ی ادیان در پی دست یافتن به راهی برای کاهش اختلاف های برآمده از این گوناگونی ها هستند. در این میان، برخی از دانشمندان، «پلورالیسم دینی» را به عنوان تنها راه کار پیشنهاد داده اند. این نظریه برای کاستن از دامنه ی اختلاف های پیروان ادیان گوناگون، بر طبل حَقانیت نسبی ادیان می کوبد تا در پرتو حَقانیت ادیان، حق، هدایت و نجات را برای پیروان شان به ارمغان آورد.

پژوهش گر محترم جناب آقای داود رجبی نیا در تلاش است با نگاهی گذرا و دیدی درون و برون دینی به جنبه های گوناگون این نظریه، رهیافت های گویا و مثبت آن را روشن و نقاط ناگویای آن را برای جامعه ی دینی و نسل جوان دین پژوه آشکار سازد. نویسنده کوشیده است در گونه ی پلورالیسم دینی حَقانیت ثابت کند که اسلام عام، هم اکنون ناظر به اسلام خاص و هم آهنگ با آن بوده و شریعت اسلام تنها صراط مستقیم و تنها وسیله ی نجات است. خاتمیت در اسلام با پشتوانه ی ادله ی عقلی و نقلی

مطرح می شود. ادیان پیشین تنها در ظرف زمانی خود، حقانیت و نجات را به ارمغان آورده اند، ولی اکنون پیروی از آن ها به فرض آگاهی از اسلام، خطا و انحراف است؛ زیرا اسلام، حقانیت موجود در ادیان را تکمیل و متمیم کرده است.

از نظر اسلام، پلورالیسم دینی طولی، رویه ای درست و پلورالیسم دینی عرضی، نادرست است. آموزه های اسلامی هم چون گفت و گوی منطقی، مدارا و هم زیستی مسالمت آمیز از گزاره هایی است که در تایید پلورالیسم دینی رفتاری می توان از آن بهره گرفت.

اسلام نجات را می پذیرد، ولی نه آن گونه که تکثرگراها در پلورالیسم دینی نجات، به آن باور دارند. چون حساب قاصران و مستضعفان فکری \_ فرهنگی و مخالفان غیر معاند از حساب مقصّیران و معاندان لجوج جداست، این که چه کسی اهل نجات است، با توجه به موازین عدل و حکمت و رحمت الهی، به تصمیم خداوند بستگی دارد.

به هر حال، پلورالیسم دینی در جهان امروز، به عنوان رویکردی در گوناگونی ادیان، هوادارانی دارد. از این رو، کنکاش در جنبه های مثبت و منفی موضوع و توجه به ویژگی های درون و برون دینی با روزآمدی و بلندنظری که در برنامه سازان وجود دارد، راه را برای طرح بیشتر و بهتر این موضوع و اصل شفاف نگری و روشن نگری در مباحث دین پژوهی می گشاید. مشخص کردن حد و مرز گونه ها و رویکردها و عرصه های معقول و مشروع پلورالیسم دینی در برنامه ریزی و برنامه سازی، از پراکنندگی بحث، پیش گیری و نتیجه گیری را آسان می کند. امید آن که این نوشتار

پاسخ گوی نیازها باشد و در نظر خوانندگان گرامی، سودمند افتد.

«انشاءالله»

«أنه وليّ التوفيق»

«مدیریت پژوهشی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما»



## پیش‌گفتار

## پیش‌گفتار

هرچند ادیان، ویژگی‌های مشترک فراوانی دارند، ولی ممکن است اختلاف نظرها و گونه‌گونی باورها، نظم روابط انسانی – دینی مردم را در هم ریزد و گاه تا حد رویارویی‌های خونین کشیده شود. در این میان، پلورالیسم دینی ادعا می‌کند که می‌تواند از دامنه‌ی اختلاف‌ها و درگیری‌های پیروان ادیان بکاهد و با دگرگون ساختن ساختار زندگی اجتماعی و رفتارهای فردی، انسان را به سوی زندگی مسالمت‌آمیز رهنمون سازد. گفتنی است از دیدگاه‌های رقیب این نظریه، مانند انحصارگرایی و شمول‌گرایی دینی نیز بدرفتاری با پیروان ادیان دیگر بدست نمی‌آید، ولی پلورالیسم بر این گمان است که با بهره‌مندی ادیان از حَقانیت، راه نجات برای همه‌ی پیروان سنت‌های دینی جهان، کوتاه و حتمی می‌شود. (۱)

پلورالیسم دینی را می‌توان پی‌آمد پروتستانتیسم لیبرال دانست. از این رو، گزاره‌های نخستین آن بیان‌گر اصول دین مسیحیت است. مباحث و پرسش‌هایی که نویسنده را وادار کرد تا این پژوهش را بنگارد، بدین قرار بود: پلورالیسم دینی چیست و گونه‌های آن در حَقانیت، طولی و عرضی، رفتاری و نجات‌چه تمایز و تفاوتی دارند؟ آیا حَقانیت به معنای هدایت و نجات است؟ آیا پلورالیسم دینی حَقانیت پیش‌درآمد پلورالیسم دینی

---

۱- چنان‌که جان هیک – کسی که پلورالیسم دینی تقریباً به نام او رقم خورده است – داشتن دید واقع‌بینانه برای رستگاری اخروی را به درپیش گرفتن روشی پلورالیستی وابسته می‌داند.

رفتاری و رستگاری است؟ چگونه چستی پلورالیسم دینی در یک رهیافت معرفتی به گوناگونی ادیان پاسخی عقلانی و وحیانی می دهد؟ آیا با اثبات حقانیت برای همه ی ادیان، مشکل حل می شود؟ چرا در میان دانشمندان مسیحی نیز افرادی هم چون الوین پلانتینگا به رویارویی با این نظریه برخاسته اند؟ آیا عقل نمی تواند در این عرصه قدم گذارد و از میان ادیان، دینی را بیابد که ناخالصی کمتری دارد؟ کدام یک از قرائت های گوناگون و معروف از پلورالیسم دینی با اسلام سازگارتر است؟ آیا پلورالیسم در اسلام وجود دارد؟ آیا سفارش های اسلام برای زندگی مسالمت آمیز مسلمانان با پیروان ادیان دیگر را می توان مصداق پلورالیسم دینی رفتاری دانست؟ و...

پیش فرض ها و اعتقادات دینی ما نشان می دهد که برای پرسش های یاد شده، پاسخ هایی در خور وجود دارد؛ باورهایی مانند این که:

خداوند، برای انسان ها، دین نجات بخش فرستاده است. خداوند، رشد معنوی و رستگاری انسان را در گرو پیروی از شریعت می داند. او پیامبران بر حق را با دلیل و برهان برای هدایت بشر فرستاده است. عقل و دین در مسایل قدیم و جدید فلسفه ی دین و کلام، صاحب رأی و مبنا هستند. مباحث عقلانی \_ وحیانی را می توان در پرتو اندیشه و به دور از تعصب تبیین کرد.

هرچند نگاه مثبت و منفی به پلورالیسم بیشتر در خاستگاه آن یعنی غرب شکل گرفته است، ولی چندی است روشن فکران، فلاسفه ی دین و متکلمان کشور ما نیز به طور جدی به این بحث پرداخته اند.

نگارنده با این که از کتاب ها و مقاله های نگاشته شده در این زمینه،

بهره‌ی فراوان برده، ولی همواره کوشیده است توجه خود را به جنبه‌های ناکاویده‌ی پلورالیسم دینی متمرکز سازد و در حد توان به تکمیل و تنقیح آن جنبه‌ها و پاسخ‌های ناکامل پردازد.

این پژوهش در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست، به مباحث مقدماتی مانند تعریف، پیشینه‌ی تاریخی، پیش زمینه‌های گرایش به پلورالیسم دینی و گونه‌های آن می‌پردازد و در بخش دوم، تفاوت‌ها و پیوندهای ادیان و رویکردهای گوناگون به گونه‌گونی ادیان را بررسی می‌کند. بخش پایانی نیز با نگاهی برون‌دینی و درون‌دینی به نقد و ارزیابی پلورالیسم دینی و تبیین موضوع‌هایی هم‌چون: دیدگاه اسلام درباره‌ی ادیان موجود، وحدت ادیان الهی، جایگاه تورات و انجیل در قرآن، رسالت قرآن در برابر ادیان پیشین و رهروان کنونی آنان می‌پردازد.

اینک این پژوهش را با اعتراف به همه‌ی کاستی‌های آن به پیش‌گاه اندیش‌ورزان تقدیم می‌داریم و دیدگان مان را به رهنمودهای سودمندشان می‌گشاییم. امید است دیگر جنبه‌های ناشناخته‌ی این موضوع در پژوهش‌های دیگر پژوهش‌گران مورد توجه قرار گیرد.

## بخش اول کلیات

### اشاره

بخش اول کلیات

زیر فصل ها

فصل اول: تعریف و پیشینه ی تاریخی پلورالیسم

فصل دوم: پیش زمینه های گرایش به پلورالیسم دینی

فصل سوم: گونه های پلورالیسم دینی

## فصل اول: تعریف و پیشینه ی تاریخی پلورالیسم

### اشاره

فصل اول: تعریف و پیشینه ی تاریخی پلورالیسم

زیر فصل ها

تعریف پلورالیسم

پیشینه ی پلورالیسم

### تعریف پلورالیسم

تعریف پلورالیسم

«پلورالیسم»<sup>(۱)</sup> در لغت به معنای تکثر گرایی<sup>(۲)</sup> است. پلورالیسم در عرصه های گوناگونی اعم از دین، فلسفه، اخلاق، سیاست و... به کار می رود.

در جهانی که سرشار از گونه گونه گونی است، باورهای دینی انسان ها نیز از این فرآیند برکنار نمانده است. آدمیان در سرزمین های گوناگون به ادیان گوناگون الهی و غیر الهی مانند: اسلام، مسیحیت، یهود، زرتشتی، بودایی، هندو، ویشنو و... معتقد و مؤمن اند. با وجود ویژگی های مشترک میان آن ها، آن چه مایه ی اختلاف پیروان این ادیان می شود، این است که آنان، دین خود را بر حق، تعالی آفرین و رهایی بخش می دانند و ادیان دیگر را باطل و مایه ی گمراهی و هلاکت می پندارند.

در زمینه ی حقانیت و نجات بخشی ادیان، دیدگاه های گوناگونی به چشم می خورد. گروهی، دین خود را حق و نجات بخش و دیگر ادیان را باطل می دانند. باور چنین گروهی را «انحصار گرایی دینی»<sup>(۳)</sup> نامند. در مقابل، گروهی از جنبه ی حق و باطل تنها یک دین را حق می دانند، ولی از جنبه های نجات و رستگاری، دیدگاهی گسترده تر دارند. آنان پیروان صادق و صالح ادیان دیگر را نیز اهل نجات می دانند؛ زیرا پیروی آنان آگاهانه و

۱- Pluralism.

۲- در برگردان پلورالیسم گفته اند: آیین کثرت، کثرت گرایی، مسلک کثرت. نک: فرهنگ انگلیسی \_ فارسی، محمدرضا جعفری، تهران، نشر نو، چ ۶، ۱۳۷۸، ص ۹۰۱.

۳- Religious Exclusivism.

رسمی نیست، ولی در حقیقت، پیروان دین حق هستند. باور این گروه را «شمول گرایی دینی» (۱) می نامند.

افزون بر این دو دیدگاه، باور سومی مطرح است که همه ی ادیان را بر حق و نجات بخش می داند. عقیده ی هواداران این نظریه را «پلورالیسم دینی» (۲) گویند. «کثرت گرایی دینی» جستاری است از نظریه ای معرفت شناسانه و دین شناسانه که به حقیقت همه ی ادیان نقب می زند. حقیقت را به طور نسبی برای همه ی ادیان اثبات می کند و آموزه های آن ها را مایه رستگاری پیروان شان برمی شمارد.

در این پژوهش، برآنیم تا پیشینه، زمینه ها، سویه ها و رویکردهای پلورالیسم دینی را بررسی کنیم و به نقد برون دینی و درون دینی آن، پردازیم. (۳)

## پیشینه ی پلورالیسم

### اشاره

پیشینه ی پلورالیسم

زیر فصل ها

پلورالیسم در مسیحیت

پلورالیسم در اسلام

پلورالیسم در ایران

### پلورالیسم در مسیحیت

پلورالیسم در مسیحیت

دین از دیرین ترین مقوله های فکری و فرهنگی بشر است و گفت و گو درباره ی نسبت ادیان با یکدیگر نیز پیوسته برپا بوده است.

با این حال، بحث پلورالیسم برای نخستین بار هنگامی در جهان مسیحیت به میان آمد که فرقه های گوناگون مسیحیان با مهاجرانی روبه رو شدند که پس از جنگ جهانی دوم و در نیمه ی دوم قرن بیستم به اروپا آمده بودند و به پذیرش مسیحیت، گردن نمی نهادند. این موضوع، متکلمان

۱- Religious Inclusivism

۲- Religious Pluralism

۳- برای آشنایی بیشتر با پلورالیسم دینی به کتاب هایی که در کتاب نامه آمده است، مراجعه شود.

مسیحی را به چالش کشاند؛ زیرا آنان قرن ها بود که شعار «بیرون از کلیسا هیچ نجاتی وجود ندارد» را سر می دادند و بر این باور بود که غیر مسیحیان، اهل جهنم اند. در حالی که در میان پیروان ادیان دیگر انسان های صالحی را می دیدند. از این رو، به این آموزه ی کلیسا بدگمان شدند و تلاش هایی را برای کنار گذاشتن این شعار آغاز کردند.<sup>(۱)</sup>

نیکولاس سوسایی در قرن پانزدهم میلادی در رساله ای به نام صلح میان گونه های گوناگون ایمان، گفت گویی خیالی میان نمایندگان ادیان بزرگ را تصویر می کند و چنین می آورد:

در میان کسانی که مطابق با اصول عقل می زیند، تنها یک دین و شریعت وجود دارد که زیربنای شعائر دینی متفاوت را تشکیل می دهد. پس در بهشت عقل، هم آهنگی میان ادیان برقرار است.<sup>(۲)</sup>

گفتنی است در آن زمان، بیشتر مسیحیان، باورهایی انحصار گرایانه داشتند و چنین نظریه ای را هیچ گاه نمی پذیرفتند. با این وجود، کارل رانر؛ متکلم کاتولیک، در دوران جنگ جهانی دوم، این نظریه را مطرح کرد که مسیحیان می توانند بپذیرند کسی به طور رسمی مسیحی نباشد، ولی خداوند به دلیل شیوه ی زندگی و اخلاقش، او را در شمار مسیحیان بیاورد. به نظر رانر، کسانی که زندگی و اخلاق خوبی داشته باشند، در حقیقت مسیحی اند، هر چند در ظاهر مسیحی نباشند. او، چنین کسانی را مسیحیان بی نام نامید.<sup>(۳)</sup> با ارایه ی این نظریه ی شمول گرایانه، راه برای پیدایش پلورالیسم باز شد.

۱- پلورالیسم دینی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه های علمیه، ص ۹۱.

۲- صراط های مستقیم، ص ۲۱۳، مقاله ی «نردبان های آسمان».

۳- عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۱۷.



باید دانست جان هیک (۱) و ویلفرد کنت ول اسمیت در دهه های اخیر هم زمان با هم، دیدگاه پلورالیستی را اختیار کردند، ولی جان هیک در راه گسترش این باور بسیار کوشید. به همین دلیل، او را بنیان گذار دیدگاه پلورالیستی در جهان مسیحیت می دانند.

اندیشمند برجسته، استاد شهید مطهری، به رسوخ چنین اندیشه ای در میان برخی اندیشمندان مسیحی مانند: جرج جرداق و جبران خلیل جبران اشاره می کند. این دسته از مسیحیان، به پیامبر اسلام و حضرت علی علیه السلام علاقه ی ویژه ای داشتند و با پذیرش رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ایشان را در ردیف حضرت مسیح علیه السلام می شمردند، ولی هم چنان به کیش خویش، پای بند بودند. شهید مطهری در این باره می نویسد:

این افراد عقیده دارند که انسان به دین خاصی ملزم نیست و هر دینی داشته باشد، کافی است. بنابراین در عین مسیحی بودن خود را دوست دار و مقرب نزد علی علیه السلام می دانند و حتی معتقدند که آن حضرت نیز همین ایده ی آنان را داشته است. جرج جرداق می گوید: علی بن ابی طالب ابا دارد از این که

۱- جان هاروود هیک در سال ۱۹۲۲ م در اسکار بوروی یورکشایر به دنیا آمد و در سال ۱۹۴۰ م به کلیسای پروتستان در بریتانیا پیوست؛ زیرا می خواست به سلک کشیشی فرقه ی پرستیوری درآید. او نخست در دانشگاه هال تحصیل کرد و در دوران جنگ جهانی دوم بخشی از خدمت سربازی اش را در واحد فوریت های پزشکی گذراند. آن گاه برای ادامه ی تحصیل در رشته ی فلسفه به دانشگاه ادینبورگ رفت. سپس با راهنمایی اچ. اچ. پرایس، دکترای فلسفه ی خویش را از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد. بعدها به سلک روحانیت درآمد و سه سال به عنوان کشیش کلیسا خدمت کرد. پیش از آن که به استادی دانشکده ی الهیات در کمبریج منصوب شود، به ترتیب در دانشگاه کرنل و پس از آن در مدرسه ی علوم دینی پرینستون در ایالات متحده امریکا به تدریس پرداخت. افزون بر آن، در سال ۱۹۶۷ م به استادی دانشگاه بیرمنگام انتخاب گردید. هم زمان با آن، در کالیفرنیا نیز تدریس می کرد و در سال ۱۹۸۲ م به مقام استادی تمام وقت مدرسه ی پرینستون دست یافت. فلسفه ی دین، جان هیک، برگردان: بهزاد سالکی، صص ۱ و ۲.

بر مردم لازم کند که حتما دین خاصی را بپذیرند. (۱)

### پلورالیسم در اسلام

#### پلورالیسم در اسلام

به باور برخی اندیشمندان، پیشینه ی پلورالیسم در جهان اسلام به آغاز پیدایش دین اسلام بر می گردد. در آن زمان، پیامبر اسلام، همه ی انسان ها حتی اهل کتاب را به اسلام فرا می خواند. با این حال، اهل کتاب که بر اساس آموزه های تورات و انجیل، منتظر ظهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بودند و می دانستند او پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم است، در برابر فرمان های الهی او به مقابله برخاستند. نمونه های این رویارویی، بستن پیمان های نظامی برخی قبیله های اهل کتاب با کافران قریش برای جنگ با مسلمانان یا مباحله ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با نصارا است. با کنکاش در این حوادث به سختی می توان پلورالیسم را از دل آن ها بیرون کشید، ولی پلورالیسم در جنبه ی اجتماعی، قابل استنباط است؛ زیرا مسلمانان به دستور قرآن وظیفه داشتند در کنار اهل کتاب که بر حفظ دین خود پافشاری می کردند، با مسالمت زندگی کنند. این روش، گونه ای پلورالیسم رفتاری است که بعدها از آن بیشتر سخن خواهیم گفت.

گاهی پنداشته اند پلورالیسم از محافل علمی شرق برخاسته است، ولی با نگاهی به گفته های کسانی که طرح این موضوع به آنان نسبت داده شده، درمی یابیم که سخنان شان نه تنها با نظریه های پلورالیستی هم آهنگ نیست، بلکه بر ضد آن است.

---

۱- مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰، چ ۲، ج ۱، ص ۲۷۷.

برای نمونه مطالبی را از یوحنا دمشقی نقل می کنند، ولی چون رساله ی او در دست نیست، این گفته ها را گمانی بیش نمی توان دانست. هم چنین گفته شده است که اخوان الصفا<sup>(۱)</sup> به پلورالیسم گرایش داشته اند. با این حال، اگر باورهایی را که بر پلورالیسم دلالت می کند، کنار سخنان آنان قرار دهیم، می بینیم که آنان به پیروی از آیین برتر باور دارند و این مطلب بیشتر به انحصارگرایی نزدیک است تا پلورالیسم دینی.

هم چنین برخی می گویند غزالی از کسانی است که همه ی فرقه های اسلامی را اهل نجات می داند؛ زیرا دو گونه قرائت را درباره ی حدیث «هفتاد و سه ملت» درست دانسته است. او درباره ی حدیث «ستفراق امتی الی ثلاث و سبعین فرقه» می گوید که دو عبارت وارد شده و هر دو درست است؛ «الناجیه منها واحده» و «الهالکه منها واحده».<sup>(۲)</sup>

باید دانست ظاهر این سخن، گونه ای پلورالیسم را می رساند، ولی از مقایسه ی دیگر سخنانش در می یابیم که او، فرقه های منحرف را در پرتو شفاعت یا عذاب موقت و پس از پالایش، اهل بهشت می داند.

بنابراین، سخن یاد شده به پلورالیسم دینی، ربطی ندارد و این نظر رایج اندیشمندان اسلامی است که تنها کافر را در آتش، جاودان می دانند و دیگران را پس از پاک شدن، مقیم بهشت و نجات یافته از جهنم به شمار می آورند. این مسأله آن گاه آشکار می شود که بدانیم غزالی در کتاب المنقذ

۱- رساله ی اخوان الصفا، ج ۳، ص ۵۰۱.

۲- عبارت نخست، نشان دهنده ی انحصار حق در یک فرقه است، در حالی که بر اساس عبارت دوم، همه بر حق اند و تنها یک فرقه گمراه خواهند شد. نک: فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه، صص ۱۰۶ \_ ۱۰۷.

من الضلال می نویسد:

اختلاف مردم روی زمین در دین یا اختلاف امت اسلامی در مذهب در عین فزونی بسان دریای ژرفی است که بیشترین مردم در آن غرق شده و جز اندکی نجات نیافته اند و هر گروهی می پندارد که نجات از آن اوست و هر حزبی به آن چه دارد، خوشحال است. (۱)

بنابراین، پلورالیسم اندیشه ای کاملاً غربی است که وارد حوزه ی اندیشه ی شرقیان شده است؛ زیرا در طول چهارده قرن حیات کلام و فلسفه ی اسلامی، از آن بحثی به میان نیامده است. هرچند ممکن است بخش ها و صورت هایی از سخنان و نظریه های اندیشمندان مسلمان با بخشی از قرائت های پلورالیسم، هم آهنگ باشد، ولی این نشانه ی پلورالیست بودن آنان نیست. (۲)

### پلورالیسم در ایران

پلورالیسم در ایران

در نیمه ی دوم قرن بیستم برخی روشنفکران گاه گاهی مبانی پلورالیسم را با عنوان های گوناگون در ایران بیان کردند. برای نمونه، کیوان قزوینی در نوشته های خود، بحث تعدد ادیان را پیش کشید و دانشمندانی هم چون آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خراسانی نیز به نقد آن پرداخت. وی در رساله ی خود درباره ی جریان فکری که از مغرب زمین سرچشمه گرفته و در جهان اسلام گسترش یافته است، چنین می نویسد:

بیشتر دسته بندی ها به آن سبب است که معنی «نبوت» تحریف می شود و عده ای علی رغم اعتراف به «نبوت»، اشکالات و توهّماتی ناسازگار با

۱- المنقذ من الضلال، ج ۱، صص ۱۷ - ۱۸.

۲- مدخل مسایل جدید در علم کلام، جعفر سبحانی، ج ۲، صص ۲۹۰ - ۲۹۴.

تصدیق نبوت در ذهن و دل دارند که کمتر بدان تصریح می کنند. به عبارت دیگر، مکاتب بشری حتی از «پیامبری» هم تفسیر مادی دارند. اسلام را مذهب بی رنگ می دانند. نه شیعه و نه سنی، نه شیخی و نه صوفی و نه فقط جهان شیعه بلکه عامه (اهل سنت) نیز دچار این محذور شده اند، به گونه ای که فرید وجدی در دایره المعارف ذیل ماده ی «خلف» و... در باب نبوت و عصمت می گوید که ما معتقد نیستیم که به پیغمبر نمی توان اشکال کرد... منظور کیوان قزوینی هم از نوشته هایش همین است... وی می گوید که از زرتشت \_ پس از این که کارش بالا گرفت \_ پرسیدند: چه دستور می دهی (شریعت تو چیست)؟! و او گفت: دستور من این است که هر دینی دارید (با هر عقاید و شریعت و اخلاق؟! ) بر همان دین بمانید و خدا را به همان روش پرستش کنید؛ زیرا خدا پرستیده می شود به هر طریقی گرچه ستاره پرستی (و بت پرستی و...) باشد. بر پیروان قرآن و دوستداران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام لازم است که معارف قرآن را توضیح دهند و امتیاز «وحی» را از گفته ها و خیالات بشری خودسرانه آشکار کنند. (۱)

دکتر میمنندی نژاد نیز از کسانی بود که بحث پلورالیسم دینی را در ایران گسترش داد و قرآن را بر رستگاری پیروان مذاهب آسمانی گواه گرفت.

آنان که ایمان آورده اند (مسلمانان) و یهودیان و نصاری و صائبان، هر یک به خدا و روز رستاخیز ایمان بیاورد و کردار شایسته انجام دهد، برای آنان نزد پروردگار خود پاداش است و هیچ گونه ترس و اندوهی بر آنان نیست. (۲)

البته استدلال به این آیه ابتکار او نیست؛ زیرا بسیاری از مفسران به

۱- بیان الفرقان فی نبوه القرآن، حاج شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، صص ۲ و ۳، برگرفته از: کتاب نقد، ش ۴، صص ۹ \_ ۱۰.

۲- بقره، ۶۲.

صراحت یا تلویحی به این برداشت اشاره کرده و آن را ناصواب دانسته اند.<sup>(۱)</sup> در آیه ی ۶۹ سوره ی مائده و آیه ی ۱۷ سوره ی حج نیز به این موضوع پرداخته شده است.

در آغاز دهه ی چهل «کانون یکتاپرستی جهان» در تهران گشایش یافت و در سال ۱۳۴۱، کتابچه ای به نام «تأسیس کانون یکتاپرستی جهانی» منتشر کرد که در آن همه ی ادیان آسمانی و کسانی را که با چنین عقایدی آشنایی ندارند، رستگار خواند.

در سال های اخیر نیز بحث پلورالیسم، با نگارش کتاب «صراط های مستقیم» و ترجمه ی کتاب «فلسفه ی دین» جان هیک، جان تازه ای گرفته و به نگارش کتاب ها و برگردان کتاب ها، مقاله ها و پایان نامه های بی شماری در تأیید یا رد آن انجامیده است.

---

۱- الاسلام فی مواجهه التحديات المعاصره، ابوالاعلی مؤدودی، صص. ۱۹ \_ ۲۰۶؛ مفاهیم القرآن، جعفر سبحانی، ج ۳، صص ۲۰۰ \_ ۲۱۴.

## فصل دوم: پیش زمینه های گرایش به پلورالیسم دینی

### اشاره

فصل دوم: پیش زمینه های گرایش به پلورالیسم دینی

زیر فصل ها

۱ \_ تعصب های ناروای مسیحیان

۲ \_ لیبرالیسم سیاسی و دینی

۳ \_ حس گرایبی

۴ \_ دین را آفریده ی بشر دانستن

۵ \_ افول معنویت

۶ \_ معلل دانستن سرسپردگی به دین ویژه

۷ \_ ناتوانی در مقایسه ی ادیان

۸ \_ توجیه مطالب کتاب مقدس مسیحیان

۹ \_ گرایش به نسبی انگاری

### ۱ \_ تعصب های ناروای مسیحیان

۱ \_ تعصب های ناروای مسیحیان

انحصارگرایی در باور عموم مسیحیان ریشه داشت و بر اساس آن، غیرمسیحیان و حتی پیامبران پیشین را اهل نجات نمی دانستند. آنان برای پیشه کردن این روش به گناه ذاتی بشر استدلال می کردند که بر هیچ دلیل معقولی استوار نبود، بلکه عقل بر خلاف آن حکم می کرد. آنان بر این باور بودند که بشر به دلیل گناه ذاتی اش، سزاوار دوزخ است و تنها کسانی از دوزخ نجات می یابند که مسیح، خود را برای آنان فدا کرده باشد و چنین کسانی نیز تنها مسیحیان هستند.

رفتار مسیحیان غرب با پیروان دیگر ادیان به دلیل داشتن چنین عقیده ای و برخورداری از برخی ویژگی های دیگر، بسیار سخت و خشن بود که جنگ های دینی در اروپا نیز چهره ای وحشتناک تر از این عقیده را نمودار ساخت. پی آمد چنین

افراطی، تفریط‌گری گروهی دیگر بود که به پلورالیسم گرایش یافتند. آنان برای رهایی از تعصب‌های بی‌جا و چنین جنگ‌های خانمان‌سوزی، بر عکس نظریه‌ی پیشینیان، شعار نجات‌بخشی و حقانیت‌همه‌ی ادیان را سردادند.



## ۲\_ لیبرالیسم سیاسی و دینی

### ۲\_ لیبرالیسم سیاسی و دینی

لیبرالیسم سیاسی، گونه‌ای ایدئولوژی سیاسی است که بر پایه‌ی تساهل و تسامح و آزادی‌های فردی استوار است. جداسازی حوزه‌های عمومی (۱) از حوزه‌های امور شخصی، (۲) یکی از ویژگی‌های لیبرالیسم سیاسی است و سکولاریسم یا اعتقاد به جدایی دین از سیاست (۳) را باید برجسته‌ترین پی‌آمد آن به‌شمار آورد. بر این اساس، دولت حق ندارد وارد حریم شخصی افراد شود، ولی وظیفه دارد از آن پاسداری کند. در این دیدگاه، آزادی عقیده به ویژه آزادی عقیده‌ی دینی از مهم‌ترین حقوق فردی همه‌ی انسان‌ها است. این باور بعدها به نظریه‌ی آزادی بیان تبدیل شد.

باید گفت لیبرالیسم سیاسی در پروتستانتیسم ریشه دارد. با پیدایش رنسانس، لیبرالیسم سیاسی در اروپا پدید آمد و در قرن ۱۸ م به سرعت گسترش یافت. پس از چندی، لیبرالیسم سیاسی و دینی پدید آمد. لیبرالیسم دینی، واکنشی به لیبرالیسم سیاسی و در حقیقت، معلول آن به‌شمار می‌آید. به دیگر سخن، ابتدا لیبرالیسم سیاسی پدید آمد و پس از آن، لیبرالیسم دینی برای توجیه کلامی یا دفاع فلسفی و تئوریزه کردن لیبرالیسم سیاسی پدیدار گشت. صاحب نظران، شلایر ماخر (۱۷۶۸ \_ ۱۸۳۴ م) متکلم آلمانی را بنیان‌گذار اصلی لیبرالیسم دینی می‌دانند. به عبارت دقیق‌تر «پروتستانتیسم (آیین پروتستان) منشأ لیبرالیسم سیاسی و لیبرالیسم سیاسی منشأ لیبرالیسم

۱- Public.

۲- Secularism.

۳- Private.

دینی و لیبرالیسم دینی، منشأ پلورالیسم دینی است» (۱).

### ۳\_ حس گرایی

#### ۳\_ حس گرایی

جان هیك از داستان معروف «مردان کور و فیل» در مثنوی مولوی، (۲) بهره برداری پلورالیستی می کند و اعلام می دارد برداشت های حسی همه ی کوران درست بوده است، ولی هر یک تنها به یک جنبه از کل واقعیت اشاره کرده و مقصود خود را در قالب تمثیل های بسیار ناقص بیان داشته اند. هیك بر این باور است که ما نمی توانیم بگوییم کدام دیدگاه درست است؛ زیرا هیچ دیدگاه نهایی وجود ندارد که ما بتوانیم از آن دیدگاه، مردان کور و فیل را در نظر آوریم. پس در حقیقت، همه ی ما انسان ها، کورانی هستیم که در بند مفاهیم شخصی و فرهنگی خود گرفتار آمده ایم. (۳)

برخلاف نظر هیك باید گفت سخن هیچ یک از ناینیان، درست نبود؛ زیرا آن چه لمس و حس می کردند، پا، خرطوم و گوش های فیل بود، نه ستون یا مار یا بادبزنی. هم چنین نمی توان گفت هر یک از آنان از زاویه ای ویژه، آن را حس کرده اند، پس فیل را ستون، مار یا بادبزنی می پنداشتند. بدان دلیل گفته های آنان با فیل تطبیق نمی کرد که هویت برداشت های حسی آنان، مار، ستون یا بادبزنی بود. پس گفته هایشان کاملاً خطا بود، نه این که اندازه ای درست باشد. نتیجه هم این است که آنان به کمک حس لامسه نمی توانستند

۱- مبانی معرفت دینی، محمدحسین حسین زاده، صص ۹۵ \_ ۹۶.

۲- مولوی در تشریح داستان می گوید: شبان گاهان فیلی از هند به دیاری رسید. مردم برای دیدن آن جمع شدند، ولی هوا تاریک بود و نمی توانستند آن را با چشم ببینند. از این رو، آن را حس می کردند. یکی از مردم که پای فیل را لمس کرده بود، گفت: فیل شبیه به ستون است و دیگری که گوش های آن را لمس کرده بود، گفت که شبیه بادبزنی است و... ن.ک: مثنوی، دفتر ۳، ص ۳۲.

۳- عقل و اعتقاد دینی؛ پترسون و دیگران، برگردان: نراقی و سلطانی، ص ۴۰۷.

حقیقت را درک کنند. پس برای درک آن حقیقت به بینایی و روشنایی روز نیاز داشتند.

تفسیر درست این داستان آن است که انسان برای درک هستی، به چیزی فراتر از ابزارهای متعارف معرفت نیاز دارد. همان گونه که حس لامسه نمی تواند کار حس بینایی را انجام دهد، برداشت های حسی نیز نمی تواند جای استدلال های عقلی را بگیرد. به دیگر سخن، هر چیزی را باید با ابزار ویژه ی آن درک کرد؛ یعنی هرگز نمی توان زیبایی و زشتی یا خوش بویی و بدبویی را با حس لامسه و دست درک کرد. شناخت فیل نیز به بینایی و فضای روشن برای دیدن، نیاز دارد و اگر یکی از این دو شرط نباشد، شناخت و معرفت فیل صورت نمی گیرد. به همین ترتیب، درک معارف الهی و شناخت خدا و به طور کلی امور ماوراء طبیعی به ابزار ویژه ای، بستگی دارد.

از این سخن می توان چنین نتیجه گرفت که تمثیل فیل و مردان کور (یا فیل در تاریکی و مردان بینا) ردّ حس گرایی است نه اثبات پلورالیسم! چنان که مولوی نیز در ادامه ی داستان می گوید اگر هر کدام شمعی داشتند و با خود نوری می بردند، فیل را می شناختند.

در کف هر کس اگر شمعی بُدی

اختلاف از گفتشان بیرون شدی

بنابراین برای شناخت واقعیت و حقانیت ادیان باید از شمع و نور خرد بهره برد تا حق از بین باطل ها باز شناخته شود.

#### ۴\_ دین را آفریده ی بشر دانستن

#### ۴\_ دین را آفریده ی بشر دانستن

ویلفرد کنت ول اسمیت در کتاب «معنا و غایت دین» با مفهوم آشنای «دین واحد» به مخالفت می پردازد که دعاوی متعارض در باب حقایق تا اندازه ای از آن سرچشمه می گیرد. وی تأکید می کند که آن چه را ما دین می نامیم \_ ذاتی مستقل که از نظر تاریخی می توان به اصل آن دست یافت و از نظر جغرافیایی نیز حوزه های نفوذ آن را تعیین کرد \_ پدیده ای انسانی است. مسیحیت، دین هندو، دین یهود، آیین بودا، اسلام و... آفریده های بشری هستند که تاریخ آن ها، بخشی از تاریخ گسترده تر فرهنگ بشری است. این گونه ای انحراف جدید است که کسی گمان کند مسیحیت بر حق است یا اسلام. به طور کلی این اندیشه، میراث عصر روشنگری و دوره ای است که غرب ادیان را هم چون نظام های عقلی و انگاره های عقیدتی فرض کرد، به گونه ای که برای نخستین بار برچسب «مسیحیت» و «آیین بودایی» به ادیان زده شد و آن ها را درست و نادرست نامیدند. نام هایی که امروزه «ادیان» گوناگون را با آن ها می شناسیم (به جز اسلام) در قرن هجدهم پدید آمده اند و پیش از آن که غرب آن ها را بر اقوام و ملت های جهان تحمیل کند، کسی خود را به یک یا مجموعه ای از نظام های عقیدتی رقیب متعلق نمی دانست. گونه گونی ادیان بازتاب گونه گونی انواع انسانی است. پس نمی توان از درستی و نادرستی یک دین سخن گفت، چه رسد به این که از درستی و نادرستی یک تمدن گفت و گو کنیم.

اسمیت بازتاب گونه گونی انواع انسان ها و اندیشه ها را دلیل سخن خود می داند و می گوید مسیحیت از فضای فرهنگی فلسفه ی یونانی برخاسته

است، چنان که ذهنیت کاتولیک بازتاب روحیه‌ی مدیترانه‌ای لاتین و ذهنیت پروتستان بازتاب مشرب نژاد آلمانی شمالی به شمار می‌آید. وی پیدایش دین را بازتاب زمان توسعه نیافته گی ارتباطات می‌داند و بر این باور است که اکنون باید در آن تجدید نظر کرد؛ زیرا جهان به یک واحد ارتباطی تبدیل شده است. با این حال، این پرسش هم چنان باقی است که چگونه این اندیشه، دعاوی متعارض در باب حقانیت ادیان را چاره خواهد کرد؟

جان هیک با عنوان «به سوی یک راه حل ممکن» از این فرصت بهره می‌جوید و با این سخن که انسان موجودی طبعاً دینی است (۱) نظریه‌ی پلورالی خود را در عرصه‌ی دین ارایه می‌کند. او بر این باور است که ادیان گوناگون، جریان‌های متفاوت تجربه‌ی دینی هستند که هر یک در دوره‌ی متفاوتی از تاریخ بشر آغاز شده‌اند و هر یک، خود آگاهی عقلی خود را در درون فضای فرهنگی متفاوتی باز یافته است. در پرتو این فرضیه، که گفته می‌شود همه‌ی ادیان بزرگ از نگاه ریشه‌های تجربی خود با یک واقعیت الهی غایی در تماس هستند، ولی تجربه‌های آن‌ها از آن واقعیت، متفاوت و متنوع بوده است، پس اکنون که در «جهان واحد»، سنت‌های دینی به گونه‌ای آگاهانه با احترام متقابل و به وسیله‌ی بحث و مناظره بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، ممکن است آن‌ها در دگرگونی آینده، به رابطه‌ی نزدیکی با یکدیگر برسند.

---

۱- همیشه این گونه بوده است. برای نمونه، فرهنگ‌های اقوام ابتدایی به مانا (mana) اعتقاد داشتند و در زمان حاضر بسیاری از انسان‌ها بر پیروی خویش از ادیان موجود تکیه می‌کنند.

جان هیک از اعلامیه ی شورای دوم واتیکان کلیسای کاتولیک رومی (۱۹۶۵ \_ ۱۹۶۳) که بر افراد مشمول دایره ی رستگاران افزوده بود، استقبال کرد. وی این اعلامیه را بیان گر حرکتی راستین در پاسخ گویی به یک مشکل واقعی به شمار آورد، ولی با کافی ندانستن آن پیشنهاد داد که اندیشمندان مسیحی باید حتی بیش از آن چه تاکنون انجام داده اند، به طور جدی به این مشکل بیاندیشند. البته خود او برای بازسازی نظریه های دینی مسیحی با ادیان دیگر، طرحی ارائه نداده است. (۱)

## ۵\_ افول معنویت

### ۵\_ افول معنویت

افول معنویت در غرب، زمینه ی دیگری برای گرایش به پلورالیسم به شمار می رود. مسیحیان که با گسترش الحاد در غرب روبه رو بودند، برای رویارویی با آن ناچار شدند در حقانیت ادیان دیگر تجدید نظر کنند تا بتوانند با نیروی بیشتری در برابر خطرهای بزرگ تر بایستند.

اسقف اعظم کلیسای ارتدکس جهان، در پیامی به «کنفرانس بین المللی اسلام و ارتدکس» می گوید:

ما امروزه در دنیایی زندگی می کنیم که بی اعتنائی نسبت به خداوند، جای کفر را گرفته است که این، خود، خطرناک ترین آفت جامعه ی بشری است. (۲)

بنابراین، چندان شگفت نیست که مسیحیان برای رویارویی با این خطر بزرگ تر، به ناچار از انحصار گرایی، دست بردارند و برای حفظ اصل دین،

۱- مبانی معرفت دینی، محمدحسین زاده، صص ۹۵ \_ ۹۶.

۲- کند و کاوی در سویه های پلورالیسم، قدردان قراملکی، ص ۱۳.

پلورالیسم را بپذیرند. با این وجود، گرایش به پلورالیسم در سرزمین های اسلامی نه برای حفظ اصل دین، بلکه برعکس، برای تضعیف آن به میان آمد و منادیان آن بیشتر از آن که دغدغه ی دین داشته باشند، دغدغه ی غرب و مدرنیسم داشتند.

## ۶\_ معلل دانستن سرسپردگی به دین ویژه

۶\_ معلل دانستن سرسپردگی به دین ویژه

جان هیک در مقاله ی پلورالیسم دینی و دعاوی مطلق با ذکر معلل خواندن دین داری پیروان ادیان می نویسد:

اگر واقع بینانه بنگریم، سرسپردگی دینی هر فردی معمولاً- از باب «قومیت و محلی بودن دینی» اوست نه حاصل قضاوت تطبیقی و آگاهانه میان همه ی ادیان عالم و سپس انتخاب یکی از آنها.<sup>(۱)</sup>

وی با نقد مدلل بودن باورهای دینی آنان، به طور ضمنی به پلورالیسم فرا می خواند. با این حال فهم و درکی را که سنت های دینی جهان از دیرباز برای خود فراهم آورده اند، بزرگ ترین مخالف پلورالیسم دینی معرفی می کند.

دکتر سروش نیز در کتاب صراط های مستقیم به معلل بودن تدین مردم به یک دین ویژه اشاره می کند.<sup>(۲)</sup> با این حال، باید دانست که معلل بودن سرسپردگی مردم به یک دین، مدلل بودن باورهای آن دین ویژه را نفی نمی کند. افزون بر آن، یافتن حقانیت دین حق به داوری تطبیقی میان همه ی ادیان جهان بستگی ندارد و در اصل، این کار عملاً ناممکن است. روش

۱- مباحث پلورالیسم دینی، جان هیک، برگردان: عبدالرحیم گواهی، ص ۹۰.

۲- صراط های مستقیم، ص ۴۵: «بیشتر دین داران، دین داری شان علت دارد نه دلیل».

برتری یک دین بر ادیان دیگر، روشی است که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

## ۷\_ ناتوانی در مقایسه ی ادیان

۷\_ ناتوانی در مقایسه ی ادیان

جان هیک در مقاله ای به نام درباره ی رتبه بندی ادیان می نویسد:

در حالی که ما می توانیم تا حدودی پدیده های دینی را ارزش یابی و درجه بندی کنیم، ولی نمی توانیم ادیان بزرگ جهان را به عنوان یک کل واحد و در کلیت و جامعیت هر یک به گونه ای واقعی مورد ارزیابی و رتبه بندی قرار دهیم؛ زیرا هر کدام از این سنت های بلندمدت از نظر درونی آن چنان متنوع و گسترده و حاوی انواع مختلفی از خیر و شر است که ما نمی توانیم در یک قضاوت بشری، وزن و اعتبار همه ی آن ها را بسنجیم و شایستگی های شان را به عنوان نظام های نجات و رستگاری مقایسه کنیم. (۱)

همان گونه که پیش تر گفتیم، می توان اصول ویژه ای را برای برتری دادن یک دین بر ادیان دیگر مطرح کرد و این کار هیچ گاه به مقایسه ی همه ی ادیان نمی انجامد.

## ۸\_ توجیه مطالب کتاب مقدس مسیحیان

۸\_ توجیه مطالب کتاب مقدس مسیحیان

دو دسته مطلب در کتاب مقدس مسیحیان وجود دارد که مسیحیان را وادار می کرد از انحصارگرایی دست بردارند. نخست، بشارت هایی است که آمدن شریعت و پیامبر تازه را نوید می داد و دیگری، مطالب تحریف شده و نامعقول در آن است.

بشارت به آمدن شریعت و پیامبر جدید با انحصارگرایی مسیحیت سازگار نیست؛ زیرا اگر از این بشارت ها نیز چشم پوشیم، اصل نبوت



حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم بر بسیاری از اندیشمندان مسیحی آشکار بود. حتی برخی با صراحت، آن را پذیرفته اند، هرچند هم چنان بر مسیحیت خویش پایدار مانده اند.<sup>(۱)</sup> همین موضوع، زمینه را برای ظهور «شمول گرایی» و «پلورالیسم» در مسیحیت آماده کرد.

افزون بر آن، وجود برخی مطالب تحریف شده و نامعقول در کتاب مقدس، مسیحیان را وا داشت برخی مبناهایی را بپذیرند که به پلورالیسم می انجامید. به همین دلیل کوشیدند گوهر دین را تجربه ی دینی یا امری معرفی کنند که در ادیان دیگر نیز وجود دارد و آن مطالب نامعقول را در پرتو این مبانی، کم رنگ جلوه دهند یا به گونه ای توجیه کنند. هم چنین با کنار نهادن یا بازبینی در برخی اندیشه های نادرست مانند آموزه ی «نجات بخشی مسیحیت»، راه برای شمول گرایی و پلورالیسم گشوده شد. برای نمونه، کارل رانر که نظریه ی «شمول گرایی» را ارایه داد، بر این باور بود که عیسی مسیح علیه السلام فدیة شد تا همه ی درست کاران نجات یابند و گناهان شان بخشیده شود، هرچند عیسی را ندیده و نشناخته باشند. جان هیک نیز «نجات بخشی» را امری نمادین دانست و چنان تفسیر کرد که با پلورالیسم سازگار افتد.

## ۹\_ گرایش به نسبی انگاری

### ۹\_ گرایش به نسبی انگاری

معرفت شناسی جدید غرب، گرایش ویژه ای به نسبی انگاری دارد و رئالیسم

---

۱- مانند: جرج جرداق، نویسنده کتاب «الامام علی علیه السلام» و جبران خلیل جبران، نویسنده ی معروف مسیحی لبنانی.

معرفت شناختی را بر نمی‌تابد. متکلمان جدید مغرب زمین نیز از گشودن این گره، ناتوان مانده و آن را با همه‌ی پی آمده‌های هلاکت بارش پذیرفته‌اند. گروهی از آنان بر این عقیده‌اند که بنیان‌گذاران ادیان (پیامبران) پیام خدا را از دید فرهنگ و پیش‌زمینه‌های ادراکی خود، درک و بر پایه‌ی همان بینش، برای مردم تفسیر کرده‌اند. به گفته‌ی آنان، دین الهی واحد است، ولی برداشت پیامبران از آن، متفاوت و از منظری است که به آن نگریسته‌اند. این دسته از فیلسوفان دین، اصطلاح تجربه‌ی دینی را برای تفسیر وحی به کار می‌برند، ولی نوع تقریرشان به تجربه‌ی حسی می‌ماند و در تحلیل تجربه‌ی حسی از آرای فیلسوفان علم، بهره‌می‌گیرند.

جان هیک در مقاله‌ای به نام در دفاع از پلورالیسم دینی، یافتن دیدی واقع‌بینانه برای رسیدن به رستگاری اخروی را به داشتن بینشی پلورالیستی وابسته می‌داند که در آن، سنت‌های دینی جهان به عنوان راه کارهای درک و تجربه‌ی حقیقت‌غایی واحد شناخته می‌شوند و ساختارهای پاسخ‌گویی به آن نیز بر اساس همان راه کارها شکل می‌گیرد.

گونه‌گونی راه کارهای درک و تجربه‌ی دین به شیوه‌های گوناگون اندیشه، ادراک و احساس در گونه‌های بی‌شمار فرهنگ‌های انسانی بستگی دارد که در گوشه و کنار زمین پراکنده‌اند. بدین ترتیب، پیدایش مذاهب گوناگون را باید پاسخی به همان حقیقت مجرد‌غایی و متعالی دانست. در حالی که آگاهی‌های گروهی، بخش متنوعی از آن حقیقت‌اند که بر پایه‌ی دیدگاه‌های متفاوت بشری شکل گرفته و با هم متغایرنند. بنابراین، جان

هیک، میان خداوند، آن گونه که هست و خداوند، آن گونه که انسان ها درباره ی آن می اندیشند و آن را تجربه می کنند، تمایز می نهد و می گوید:

خداوند در بستر جریان های گوناگون حیات بشری در قالب ها و شکل های گوناگون، شناخته می شود. همین تمایز اساسی، راه را برای فهم و درکی در مقابل درکی طبیعت گرایانه یا آته ایستی (الحادی) از حقایق با تکثر دینی باز می کند. (۱)

---

۱- مباحث پلورالیسم دینی، جان هیک، ص ۱۷۹.

## فصل سوم: گونه های پلورالیسم دینی

### اشاره

فصل سوم: گونه های پلورالیسم دینی

زیر فصل ها

- ۱ \_ پلورالیسم شکا کانه و پلورالیسم صوفیانه
- ۲ \_ پلورالیسم در دین و پلورالیسم در فهم دین
- ۳ \_ پلورالیسم دینی حقانیت
- ۴ \_ پلورالیسم دینی وظیفه شناختی
- ۵ \_ پلورالیسم دینی رفتاری
- ۶ \_ پلورالیسم دینی نجات

### ۱ \_ پلورالیسم شکا کانه و پلورالیسم صوفیانه

۱ \_ پلورالیسم شکا کانه و پلورالیسم صوفیانه

اگر ریشه ی پلورالیسم به شکاکیت معرفت شناختی در شناخت حقایق دینی برگردد، پلورالیسم از نوع شکا کانه است. (۱) در مقابل، اگر پلورالیسم از باورهای صوفیانه سرچشمه گرفته باشد، پلورالیسم صوفیانه خواهد بود. (۲)

وحدت متعالیه ی ادیان از نظریه های معروف در این زمینه است. برخی با وجود این که شریعت خویش را اسلام معرفی می کنند، وحدت متعالیه ادیان را می پذیرند و همه ی ادیان را هم عرض می دانند. اینان بر این باورند که:

اگر قایل به وحدت متعالیه ی ادیان باشیم، این دین یا آن دین فرق نمی کند... اصول دین یعنی اصول همه ی ادیان الهی. به عبارتی، توحید، نبوت و معاد اصول همه ی ادیان است که این حقیقت در زبان ها و زمان ها و اقوام مختلف، صور بیان مختلف به خود می گیرد و متناسب با شرایط هر قوم و ملتی است... این است که می بینیم در میان عرفای بزرگ ادیان مختلف، با وجود فواصل زمانی و مکانی متفاوت، وحدت کلام وجود

۱- برای مثال، دلایل جان هیک و برخی دلایل دکتر سروش برای پلورالیسم از معرفت شناسی شکا کانه گرفته شده است.

سخن ما در این پژوهش بیشتر درباره ی این گونه پلورالیسم است.

۲- پلورالیسم نسبت داده شده به مولوی، غزالی و برخی عارفان ایران یا پلورالیسم مورد ادعای دکتر بینا مطلق را می توان در این راستا ارزیابی کرد.

دارد... در حقیقت، کثرتی که ما اکنون با آن مواجهیم، راه های مختلفی است تعبیه شده از سوی خداوند به سوی او. هر یک از این راه ها چون از طرف خداوند آمده است، به خداوند می رسد و این است معنای پلورالیسم... مثال فیل برای پلورالیسم مناسب نیست و مثال انگور، عنب و اوزوم مناسب تر است. (۱)

این دسته بندی به اعتبار ریشه ی باور به پلورالیسم صورت گرفته است.

## ۲\_ پلورالیسم در دین و پلورالیسم در فهم دین

### ۲\_ پلورالیسم در دین و پلورالیسم در فهم دین

پلورالیسم در دین به معنای برابر انگاشتن همه ی ادیان از نظر حقانیت یا نجات بخشی است. برخی، پلورالیسم در دین را چنین تبیین می کنند:

۱- مجله ی هفت آسمان، گفت و گو با دکتر بینا مطلق، سال اول، ش ۱. در پاسخ به این سخن باید گفت: ۱\_ اگر همه ی ادیان را هم عرض قرار دهیم و برای آن ها اصالت و حقانیت قایل شویم، به تناقض می انجامد؛ زیرا اختلاف برخی آموزه های آن ها تا حد تباین است. ۲\_ از سوی دیگر، ادیان نزول تدریجی داشته اند؛ یعنی خداوند با توجه به زمان، مکان و استعداد انسان ها، شریعت ها را فرستاده است که پژوهش های تاریخی ادیان نیز این نکته را پذیرفته اند. اگر قرار بود ادیان در احکام و آموزه ها همانند هم باشند، دیگر به نزول شریعت جدید نیازی نبود. برای نمونه، اگر حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نیز همانند بسیاری از پیامبران، ادیان پیش از خود را تبلیغ می کردند، دیگر به دین جدیدی نیاز نبود. ۳\_ چگونه می توان ادیان را با احکام و روش های اعتقادی متناقضی که دارند در عرض همدیگر به انسان ها معرفی کرد؟ عقل همواره به دنبال دین کامل و خالص تر است. آمدن ادیان گوناگون پس از یکدیگر در زمان های گوناگون نشان دهنده ی تکمیل تدریجی ادیان است؛ زیرا خداوند کار بیهوده انجام نمی دهد. پس ترتیب و توالی ادیان آسمانی بر اساس حکمت الهی و به مصلحت انسان بوده است. ۴\_ یگانگی اصول مکتب پیامبران دلیل ناکامل بودن آن ها در بستر تاریخ نیست، همان گونه که دلیلی بر حقانیت همیشگی همه ی آموزه های آنان \_ هر چند متعارض \_ نخواهد بود. ۵\_ حکم قاصران و مقصران، مخالفان و معاندان با هم فرق می کند. ۶\_ پرسش این جاست که چرا پیامبران مسأله ی مهمی هم چون پلورالیسم را یادآوری نکردند و حتی سفارش هایشان برخلاف ادعاهای پلورالیست ها است؟ ۷\_ به تصریح قرآن آل عمران، ۸۱ \_ ۸۳ خداوند پیش از ظهور اسلام از پیامبران و پیروان شان پیمان گرفته بود که پس از اعلام موجودیت دین اسلام به رهبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم به او بگروند. از این رو، خداوند پس از ظهور اسلام، همه ی انسان ها به ویژه پیروان کتاب های آسمانی را به اسلام فراخواند (نساء، ۴۷ و بقره، ۲۰۸) نک: بخش سوم همین پژوهش.

کثرت گرایی دینی، نظریه ای معرفت شناسانه و دین شناسانه در باب حق بودن ادیان و محق بودن دین داران است و می خواهد کثرتی را که در عالم دین ورزی پدید آمده و علی الظاهر نازدودنی و نارفتنی است، حادثه ای طبیعی جلوه دهد که از حق بودن کثیری از ادیان و محق بودن کثیری از دین داران پرده برمی دارد... پلورالیسم، تکثر و تنوع را به رسمیت شناختن و به تباین فرو ناکاستنی و قیاس ناپذیری فرهنگ ها و دین ها و زبان ها و تجربه های آدمیان، فتوا دادن است. (۱)

پلورالیسم در فهم دین به معنای پذیرش تفسیرهای متباین از متون دینی است که معمولاً به نام نظریه ی قرائت های گوناگون از دین یاد می شود. نظریه ی قبض و بسط تئوریک شریعت دکتر سروش از مهم ترین نظریه هایی است که در همراهی با این نوع پلورالیسم در ایران ارایه شده است. (۲) این دسته بندی به اعتبار متعلق پلورالیسم است.

#### پلورالیسم طولی و عرضی

باید دانست پلورالیسم در دین به اعتبار کثرتی که ادیان از آن برخوردارند، به دو گونه ی «عرضی» و «طولی» تقسیم می شود. گفتنی است این نوع تقسیم بندی تنها در ادیان آسمانی و الهی راه دارد و ادیان غیر الهی از گردونه ی آن خارج می شوند.

پلورالیسم طولی با نگاهی به پیوستگی زمانی ادیان الهی می گوید در طول تاریخ بشر، ادیانی پدیدار گشته و به دین اسلام پایان یافته است. این گونه پلورالیسم در بعد نظری به دلیل پذیرش حقانیت همگانی برای ادیان و

۱- صراط های مستقیم، دیباچه.

۲- در این نوشتار از این نوع پلورالیسم سخن نمی گوئیم.

در بعد عملی به دلیل زیست مسالمت آمیز پیروان این ادیان و رستگاری آن‌ها چندان مورد بحث و مناقشه قرار نمی‌گیرد. در مقابل، پلورالیسم عرضی چون ادیان آسمانی یهود، مسیحیت و اسلام را در عرض هم قرار می‌دهد و پیروی از هر یک از آن‌ها را جایز و مایه‌ی رستگاری در زمان حاضر می‌پندارد، مورد مناقشه‌ی جدی است.

عقیده‌ی انحصارگرایانه‌ای که مسیحیان از آن دفاع می‌کنند، پلورالیسم طولی را بر نمی‌تابد. در مقابل، اسلام، پلورالیسم طولی را می‌پذیرد. قرآن کریم نیز با اشاره‌ی صریح به این مسأله می‌فرماید:

آنان که ایمان آورده‌اند و یهودیان و نصاری و صائبان، هر یک به خدا و روز رستاخیز ایمان بیاورد و کردار شایسته انجام دهد، نزد پروردگارشان، پاداش دارند و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آنان نیست. (۱)

گفتنی است پلورالیسم در دین به اعتبار یکسان‌انگاری ادیان به گونه‌های دیگری تقسیم می‌شود. این گونه‌های جدید حتی اگر در عرض هم باشند، با یکدیگر قابل جمع هستند و یک پلورالیست می‌تواند هم‌زمان چندگونه از آن‌ها را بپذیرد، چنان که جان هیک چنین کرده است. (۲)

### ۳\_ پلورالیسم دینی حقانیت

#### ۳\_ پلورالیسم دینی حقانیت

پلورالیسم دینی حقانیت (پلورالیسم دینی حقیقت‌شناختی) (۳) بر این باور است که حقیقت دینی هر دینی از حقیقت دینی دین یا ادیان دیگر کمتر نیست، بلکه حقایق دینی ادیان با هم برابرند.

۱- بقره، ۶۲؛ مائده، ۶۹.

۲- اسلام و کثرت‌گرایی دینی، لگن‌هاوزن، برگردان: جواندل، صص ۳۴\_ ۴۴.

۳- Alethic religious Pluralism.



جان هیگ، نسبت حقیقت دینی را بر اساس آن چه فرضیه ی نوع \_ کانتی (۱) می خواند، تبیین می کند. بر اساس این فرضیه، ادعاهای دینی درباره ی حقیقت و واکنش های شناختی نسبت به این واقعیت متعالی و فی نفسه، بیان شدنی نیست. البته واکنش های شناختی به دلیل تفاوت در شیوه های تجربه ی حق (۲) در آن ها، از همدیگر متمایز هستند. این نوع پلورالیسم کاملاً روشن و آشکار نشده است؛ زیرا هیگ بسیاری از پی آمدهای مترتب بر آن را نمی پذیرد.

نظریه ی پراگماتیسم که امروزه به صورت یک مکتب درآمده است، در آغاز به عنوان معیاری برای درک حقیقت، مطرح شده بود. پراگماتیسم در امریکا پدید آمد و ویلیام جیمز و شیلر آلمانی الاصل از نظریه پردازان معروف آن به شمار می روند. شیلر در امریکا، مکتب امانیستی پروتاگوراس (۳) را بنا نهاد. به طور کلی، پراگماتیست ها، حقیقت را امری نسبی می دانند؛ زیرا حقیقت بر اساس زمان، مکان و سودمندی و... تعریف می شود. پس می تواند برای هرکس، هر مکتب و دینی، چیزی حقیقت دارد. بر اساس این سخن که به معنای پایه گذاری پلورالیسم است، حقیقت، مطلق نیست. وقتی این نظر در فلسفه ی دین و معیار تکثر ادیان وارد شود، به پلورالیسم در حقیقت و شناخت آن می انجامد.

۱- فرضیه ی نوع کانتی؛ فرضیه ای که از سنخ فرضیه ی کانت باشد (Kantian-type hypothesis).

۲- Real.

۳- انسان، معیار همه چیز است.

#### ۴\_ پلورالیسم دینی وظیفه شناختی

##### ۴\_ پلورالیسم دینی وظیفه شناختی (۱)

اصل و اساس این پلورالیسم، آن است که انسان پیرو اراده و دستور خداوند باشد، حال لازم نیست که حتما مسلمان یا مسیحی باشد. انسان تنها وظیفه دارد به آن چه حق تعالی دستور داده است، عمل کند.

لکن هاوزن؛ نویسنده ی کتاب اسلام و کثرت گرایی دینی می گوید:

جان هیک دربارہ ی این نوع کثرت گرایی سخنی به میان نیاورده است، در حالی که این نوع کثرت گرایی، محوری برای درک صحیح وظیفه و مسؤولیت انسان در مقابل کثرت سنت های دینی جهان است. اسلام، «کثرت گرایی دینی وظیفه شناختی زمانی» (۲) را تصدیق می کند؛ یعنی خداوند به بشر دستور داده است در زمان های مختلف از ادیان مختلف پیروی کند. البته خداوند با بعثت آخرین فرستاده ی خویش، به همه ی انسان ها دستور داده است که از دین او پیروی کنند. (۳)

بنابراین، نپذیرفتن دین حضرت موسی علیه السلام در این عصر بدان دلیل نیست که آموزه های او نادرست است یا با آموزه های حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم سازگاری ندارد، بلکه بدان دلیل است که خداوند، آموزه های اسلام را به این دوره اختصاص داده است. آموزه های پیامبران پیشین نه تنها نادرست نبود، بلکه برای هدایت مردم عصر خود به سوی نجات کافی بوده است.

این جنبه از پلورالیسم با پلورالیسم طولی مورد پذیرش اسلام شباهت بسیار دارد؛ زیرا در پلورالیسم طولی بر این باوریم که ادیان آسمانی که در

۱- Deontic Religious Pluralism.

۲- Diachronic deontic religious Pluralism.

۳- اسلام و کثرت گرایی دینی، صص ۳۷ و ۹۷.

طول تاریخ بشر پدید آمده اند، به شریعت اسلام ختم شده اند. چنین پلورالیسمی بر حقانیت همه ی ادیان در ظرف زمانی خود و اهل نجات بودن همه ی پیروان واقعی آن ها دلالت دارد. اسلام نیز بر آن مهر تأیید زده است. البته پلورالیسم دینی وظیفه شناختی و پلورالیسم دینی طولی را در راستای بحث پلورالیسم حقانیت نیز می توان به شمار آورد.

## ۵\_ پلورالیسم دینی رفتاری

### ۵\_ پلورالیسم دینی رفتاری

پلورالیسم رفتاری، به بخش عملی نظریه ی پلورالیسم دینی و عملکرد پیروان ادیان گوناگون بر می گردد؛ بنابراین دیدگاه، دین داران و پیروان سنت های گوناگون جهان می توانند با مسالمت در کنار هم زندگی کنند.

این پلورالیسم که به «کثرت گرایی دینی هنجاری»<sup>(۱)</sup> یا «کثرت گرایی دینی اخلاقی» نیز معروف است، به مسیحیان سفارش می کند با پیروان ادیان غیرمسیحی، رفتاری مسالمت آمیز، بدون تکبر و محترمانه داشته باشند. هرچند جان هیک این عقیده را ویژه مسیحیان می داند، ولی انتظار دارد دیگر سنت های دینی نیز کثرت گرایی هنجاری را بپذیرند و سرلوحه ی روابط رفتاری خویش قرار دهند.

## ۶\_ پلورالیسم دینی نجات

### ۶\_ پلورالیسم دینی نجات

سویه ی دیگر پلورالیسم جان هیک مربوط به «نجات»<sup>(۲)</sup> است؛ یعنی او رستگاری عیسوی را شامل غیرمسیحیان نیز می داند. به باور او، کثرت گرایی دینی هنجاری هنگامی اثرگذار است که پلورالیسم دینی نجات (کثرت

---

۱- Normative Religious Pluralism

۲- Salvation

گرایی دینی نجات شناختی<sup>(۱)</sup> \_ دست کم به دلیل روان شناختی \_ ضرورت داشته باشد. این پلورالیسم در مقابل دو نظریه ی انحصارگرایی و شمول گرایی قرار دارد که از پیشینه ی بیشتری برخوردارند. به نظر جان هیک، اگر کسی از هر نژاد و رنگ و باوری در سنت دینی خود از «خودمحوری» به «واقعیت محوری» برسد، اهل نجات و رستگاری است و وارد بهشت می شود حتی اگر کمونیست باشد!

جان هیک به آموزه های مسیحیت چندان توجه ندارد؛ زیرا او افزون بر این که یک روحانی پرسبتر یایی<sup>(۲)</sup> و متکلم است، فیلسوف و لیبرالی فعال در عرصه ی اجتماعی نیز به شمار می آید. هنگامی که کرسی استادی فلسفه ی دین را در سال ۱۹۶۷ در دانشگاه بیرمنگام انگلستان پذیرفت، توانست با گروه های مختلف جامعه های مسلمانان، یهودیان، هندوها و سیک های بیرمنگام آشنا شود.

از آن جا که برای او دشوار بود بر اساس آموزه های مسیحیت، دوستان غیر مسیحی خود را اهل نجات نداند، در پی آن برآمد تا الهیات نوینی بنا نهد که با پلورالیسم دینی سازگار باشد. بنابراین، به برداشتی پیش روتر، عام تر و مجردتر در مسأله ی نجات و رستگاری دست یازید. بر اساس این نظریه، انسان هایی که از خودمحوری به حقیقت نهایی [خدا یا برهما

## ۱- Soteriological Religious Pluralism.

۲- Presbyter; Presby terian minister عنوان روحانی پروتستان مانند کشیش روحانی کاتولیک و خاخام (روحانی یهودی) است. کشیش، فردی مقدس و روحانی به شمار می آید؛ زیرا به پاپ و از طریق پاپ به حواریون منتسب می شود، ولی پرسبتر، فردی عادی است که زندگی خود را وقف خدمت به مسیحیت می کند.

(Brahman) یا نیروانا (Nirvana) یا تائو (Tao) [برسند، اهل نجات و رستگاری هستند. با این حال، نقدهایی جدی بر این نظریه وارد شده است از جمله این که ادیان گوناگون، اهداف یکسانی ندارند و دیدگاه های ادیان غیرالهی با ادیان الهی درباره ی هدف غایی و آخرت، بسیار متفاوت و گاهی متناقض است.

افزون بر آن، مفهوم نجات با معنایی که ویژه ی مسیحیت است، چگونه با نجات غیرمسیحیان سازگار خواهد بود؟ می توان گفت نظریه ی جان هیک با هدف ارایه ی مفهومی عام از نجات، به بی راهه رفته و مفهومی مبهم پدید آورده است که دشوار و بی هدف است. اساسا نجات چیزی است که در دست خداست و بشر نمی تواند به راحتی به نجات هرکس در هر دین و آیینی حکم کند.

## بخش دوم راه های تبیین گونه گونی ادیان

### اشاره

بخش دوم راه های تبیین گونه گونی ادیان

زیر فصل ها

فصل اول: تفاوت ها و پیوندهای ادیان

فصل دوم: رویکردهای گوناگون به گونه گونی ادیان

## فصل اول: تفاوت ها و پیوندهای ادیان

فصل اول: تفاوت ها و پیوندهای ادیان

ادیان در جنبه های گوناگونی با هم تفاوت دارند و این تفاوت ها به تنوع آن ها انجامیده است. این تفاوت ها را می توان این گونه دسته بندی کرد:

### ۱\_ تفاوت در منشأ

آیا دین منشأ ماوراءالطبیعی دارد؟ اگر منشأ آن ماوراءالطبیعی است، آیا به وسیله ی وحی دریافت شده است یا از راه دیگر؟  
و...

### ۲\_ تفاوت در معارف

دین الهی است یا غیر الهی؟ اگر الهی است، توحیدی است یا غیر توحیدی؟ معارف دین، معقول است یا نامعقول؟ معیارهای معقول بودن آن چیست؟ دین چه اموری را به عنوان حقایق معرفی می کند؟ آیا معارف دینی آن قدر گسترده است که بتوانیم نظامی معرفتی بر پایه ی آن بنا نهیم؟

### ۳\_ تفاوت در شعایر

آیا دین شعایری دارد؟ دین در چه حوزه هایی از زندگی انسان، امر و نهی می کند؟ چه آدابی برای عبادت دارد؟ آیا شعایر دین آن قدر گسترده اند که بتوانیم بر پایه ی آن، نظامی حقوقی یا نظامی اخلاقی بنا کنیم؟

### ۴\_ تفاوت در فرجام انسانی

آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟ اگر وجود دارد، چگونه است؟ آیا انسان در برابر کردار خود پاسخ گو است؟ او در برابر چه کسی پاسخ گو است؟ آیا پاداش و کیفری بر کردار او مترتب است؟ چگونه؟

با وجود این تفاوت ها، ادیان با هم پیوندهایی نیز دارند. از دیدگاه دینی \_ الهی ادیان الهی همه از یک منشأ هستند، هیچ گونه تعارض ذاتی میان آن ها یافت نمی شود، مگر تعارض هایی که در فهم نادرست از سخن پیامبر یا تحریف آن، ریشه داشته باشد. هم چنین همه ی ادیان، فرجام یکسانی برای انسان ترسیم می کنند. تفاوت هایی که در شعایر آن ها وجود دارد، به پراکندگی و اختلاف پیروان آن ها نمی انجامد، مگر این که پیامبر جدیدی، اصل حکم پیامبر پیشین را نسخ کند.

از دیدگاه سکولار، پیوند ادیان را از نظر منشأ پیدایش و نیز ریشه ی دینی می توان تبیین کرد. هواداران این اندیشه می گویند:

در میان انواع ادیان سامی، یهودیت موقعیت منحصر به فردی برای خویش قایل شد. مسیحیت دنباله ی یهودیت بود و بعدها اسلام در ارتباط و تماس با هردوی آن ها رشد کرد. بودیسم، واکنشی در مقابل فرهنگ مرتاضانه ی هندو بود و هندویسم، آمیزه ای از اندیشه ی آریایی و اعمال و عقاید دراویدی (Dravidic) مختص هند بود. باید گفت این نکته در مورد فرقه ها و ادیانی که در حال حاضر از ادیان بزرگ استقلال یافته اند، حتی بیش از آن ادیان بزرگ، صادق است. برای نمونه، بهایی گری از اسلام و فرقه های مورمونیسیم، شهادت یهوه و علم مسیحی از مسیحیت برخاسته است. آیین وحدت گرایی (۱) از دل پروتستانتیسم و آیین نو \_ کنفوسیوسی و بودیسم بیرون آمد. آیین سیک (۲) نیز در هندویسم و اسلام، ریشه دارد. (۳)

---

۱- Christian Science

۲- Sikhism

۳- عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۹۹.



باید گفت دیدگاه سکولار در زمینه ی پیوند ادیان با یکدیگر تنها بر پایه ی حدس هایی اثبات نشده و فرضیه هایی خودساخته، بنا نهاده شده است. برای مثال، بهایی گری هیچ گاه در اسلام ریشه نداشته است، بلکه سیاست مداران انگلیسی، عامل پیدایش آن بوده اند. افزون بر آن، باید دانست این دیدگاه، ادیان را از نظر منشأ الهی آن ها بررسی نمی کند؛ زیرا آن ها را دارای منشأ بشری می داند. به همین دلیل، توجه نمی کند که دین تحریف شده، با دین اصلی، تفاوت اساسی دارد. دلیل پیش آمدن چنین نگاهی را باید قرار گرفتن دین پژوهی های غربی بر محور مسیحیت دانست. از آن جا که مسیحیت با معارف نامعقول نیز درهم آمیخته است، صاحب نظران سکولار و حتی برخی متکلمان مسیحی در زمینه ی گونه گونی و پیوند ادیان، چنین دیدگاهی را پذیرفته اند.

در کتاب عقل و اعتقاد دینی چنین آمده است:

پیروان ادیان گوناگون غالباً مناسک دینی مشابهی را به جای می آورند. در بسیاری از مراسم دینی، از شمع و بخور استفاده می شود. برخی اعمال دینی نظیر تسبیح گرداندن را از آیین بودا تا اسلام و کاتولیسم می توان دنبال کرد. هندوها و مسیحیان، مائده ی آسمانی می خورند. مسلمانان، هندوها و سیک ها پیش از ورود به عبادت گاه، کفش خود را از پا درمی آورند. نه تنها اعمال دین داران به یکدیگر شبیه است، بلکه بسیاری از باورهای آنان نیز چنین است. یکتاپرستی در یهودیت، مسیحیت و اسلام، حضور و تصرف آواتارها (مظاهر مادی الوهیت) در مسیحیت و آیین هندو؛ محوریت قاعده ی طلایی در آیین کنفوسیوس و مسیحیت از این نمونه هاست. با این حال، تفاوت های قابل توجهی نیز وجود دارد. تراوادا بودیسم، غیرتوحیدی است... مسیحیان ارتودوکس قایل به تثلیث هستند،

هندویسم، آیینی چند خدایی است و اسلام و یهودیت توحیدی اند. (۱)

## فصل دوم: رویکردهای گوناگون به گونه گونی ادیان

### اشاره

فصل دوم: رویکردهای گوناگون به گونه گونی ادیان

رویکردهای گوناگونی درباره ی گونه گونی ادیان وجود دارد. در این جا تنها به نظریه های معروفی که جان هیک نیز بدان ها اشاره کرده است، بسنده می کنیم و به طور فشرده به آن خواهیم پرداخت.

### ۱ \_ انحصار گرایی دینی

#### ۱ \_ انحصار گرایی دینی (۲)

انحصار گرایان بر این باورند که راه رسیدن به رستگاری، رهایی، کمال یا هر چیز دیگری که از آن به عنوان هدف نهایی دین یاد می شود، به طور انحصاری در یک دین خاص وجود دارد. به گفته ی آنان، ادیان دیگر نیز حقایقی را در بردارند، ولی تنها یک دین حق وجود دارد. به همین دلیل، پیروان دیگر ادیان، هر چند دین داران اصیل بوده و از نظر اخلاقی، درست کار باشند، نمی توانند از راه دین خود، رستگار شوند. از این رو، برای نجات این افراد باید یگانه راه رستگاری را به ایشان نشان داد. به گفته ی انحصار گرایان، دین داران به دلیل داشتن چنین باور انحصار گرایانه ای است که با غیرت و اشتیاق، دین خود را تبلیغ می کنند.

زاویه ی دید انحصار گرایانه بر این پایه شکل گرفته است که آدمی تنها یک شیوه از اندیشه ی دینی \_ همان اندیشه ی خاص خودش \_ را معتبر بداند و دیگر نگرش ها را غلط بیندارد. انحصار گرایان بر این باورند که پیامبر تعلیم دهنده یا بنیان گذار دین آن ها، یگانه محمل و تجلی گاه فعل الهی

۱- عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۰۰.

۲- Religious exclusivism.

است. این محمل یا یک فرد خاص است (مانند: حضرت عیسی علیه السلام از دید مسیحیان و حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در نظر مسلمانان) یا مجموعه ای از افراد (مانند: بودی ساتواها<sup>(۱)</sup> در مکتب بودایی ماهایانا<sup>(۲)</sup>). برخی مسیحیان برای اثبات انحصارگرایی به انجیل یوحنا استدلال می کنند که می گوید:

من راه حقیقت و حیات هستم. کسی به پدر آسمانی نمی رسد، مگر به وسیله ی من.<sup>(۳)</sup>

مهم ترین برهان انحصارگرایان، برهان کلامی است که می گوید رستگاری تنها در گرو لطف و عنایت الهی است. بر اساس این نظر، تلاش شخصی آدمیان برای رسیدن به رستگاری، محکوم به شکست است، مگر این که دریابند خداوند چه راه و دینی را برای رستگاری شان در نظر گرفته است. برای نمونه، اساسی ترین اصل در اندیشه ی کلامی سه تن از بزرگ ترین متکلمان پروتستان؛ یعنی کارل بارث،<sup>(۴)</sup> امیل برونر<sup>(۵)</sup> و هندریک کرامر<sup>(۶)</sup> این است که خداوند به صورت مطلق در مسیح تجلی کرده و تنها به وسیله ی آیین مسیحیت که بیان گر وحی است، می توان خداوند را شناخت و دیگر کوشش ها، نافرجام است.

کارل بارث، شریعت و تجلی را در برابر هم قرار می دهد. به باور او، شریعت؛ تلاش متمردانه و تکبرآمیز انسان است که می خواهد از منظر

۱- bodhisattvas.

۲- mahayana.

۳- انجیل یوحنا، فصل ۱۴، آیه ی ۶.

۴- Karl Barth.

۵- Emil Bruner.

۶- Hendrik Kraemer.

خویش، خداوند را بشناسد. آدمی با معرفت خود، معبودی مصنوعی می سازد و به جای خداوند می نشاند. در حالی که این کار، با «تجلی» و انکشاف خداوند در تضاد است. به گفته ی وی، به جای این که در پی کشف خداوند باشیم، باید بنگریم خداوند چگونه برای انسان ها تجلی کرده است؛ یعنی بکوشیم خداوند را آن گونه که به ما روی می آورد، بشناسیم، نه آن گونه که خود می خواهیم. به همین دلیل، می گوید خداوند در مسیح تجلی کرده است و بدون او نمی توان با خداوند، ارتباط برقرار کرد. هرچند کارل بارث، حقانیت دیگر ادیان و پیروان آن ها را (به صورت موجهه ی جزئی) باور دارد و دین مسیحیت را نیز دین بر حق و برتر نمی داند، ولی می گوید وجود منحصر به فرد عیسی مسیح سبب شده است مسیحیت، محمل دین حق باشد؛ یعنی کامل بودن شریعت مسیحیت را به تجلی خداوند در عیسی مسیح علیه السلام وابسته می داند. (۱)

گویند (۲) هنگامی که یک متکلم مسیحی هندی از کارل بارث پرسید: با این که هیچ هندویی را ندیده و با او هم سخن نشده اید، چگونه فهمیدید که هندویسم، دین باطلی است؟ او در جواب گفت: به نحو پیشینی (۳).

امیل برونر درباره ی رابطه ی مسیحیت با ادیان دیگر می گوید:

مسیح، هم نهایت کمال ادیان است و هم داور آن ها. از جهت کمال، او حقیقتی است که ادیان دیگر بیهوده به دنبال آن روانند. پدیده ای در تاریخ دین نیست که به سوی او متوجه نباشد... وی هم چنین داور بین ادیان نیز

۱- نک: عقل و اعتقاد دینی، صص ۴۰۲ \_ ۴۰۴؛ صراط های مستقیم، صص ۲۰۲ \_ ۲۰۶.

۲- عقل و اعتقاد دینی، صص ۴۰۲ \_ ۴۰۴

۳- [پیش از تجربه ی حسی] - A Priori

هست. از این جهت همه ی دین ها، نادرست بوده و مروّج بی اعتقادی و بی خدایی هستند.

انحصارگرایان را می توان گسترش دهنده ی خشونت دینی دانست؛ زیرا تنها دین و مذهب خود را بر حق و دیگر ادیان و مذاهب را باطل می دانند. برای نمونه، دادگاه تفتیش عقاید کلیسا به دلیل انحصارگرایی دینی، گاليله را در قرن هفدهم میلادی پای میز محاکمه کشاند که گاليله برای رهایی از اعدام، سخن خویش را پس گرفت و خانه نشین شد.

در نقد نظریه ی طرف داران انحصارگرایی مانند کارل بارث باید گفت: شریعت به معنای عام آن که حکمت نظری و عملی را در بر می گیرد، الزاما در برابر تجلی خداوند بر بشر قرار نمی گیرد، بلکه به وسیله ی وحی و آموزه های اخلاقی و دینی، راه گشای کردار مؤمنان خواهد بود. به دیگر سخن، تجلی خداوند و شریعت و عقل و وحی در عرض یکدیگر نیستند تا میان آن ها تعارض و ناسازگاری رخ دهد. بدین ترتیب، هیچ دلیلی بر انحصار تجلی خداوند در مسیح علیه السلام وجود ندارد و سخن بارث که آن را در وجود حضرت مسیح منحصر دانسته، بی پایه و اساس است. بنابراین، همه ی پیامبران الهی، مظاهر تجلی خداوند و سفیران پیام الهی برای بشر بوده و برای واداشتن خرد انسان به تکاپو، تجدید میثاق فطری او با خداوند و نمایاندن راه رستگاری به آدمی، برانگیخته شده اند.

هم چنین استدلال فلسفی انحصارگرایان که به طور کلی انحصارگرایی را اثبات می کرد، بر پایه ی شناخت حقیقت بنا نهاده شده بود. بر اساس این استدلال، کسی که حق و حقیقت غایی را نشناسد، نمی تواند به رستگاری

دست یابد؛ زیرا صفات و اسمای حق را شناخته است. حق نیز یکی بیش نیست و نمی توان همه ی دعاوی متعارض و مخالف را حق دانست.

برهان یاد شده، این پرسش را نادیده می انگارد که: تکلیف آنان که در جست و جوی حقیقت بر آمده اند، ولی از سر قصور \_ نه تقصیر \_ به آن دست نیافته اند، چیست؟ فردی حق جو و پرتلاش که در گوشه ای دور افتاده از جهان به دنیا آمده و نتوانسته است این حق را بشناسد، با مؤمنی که در مهد تمدن دینی به دنیا آمده و دین حق را شناخته است، چه تفاوتی دارد؟ آیا جای اولی در دوزخ و جای دومی در بهشت است؟ آیا اگر اولی در مکان دومی متولد می شد، دین دارتر از دومی نمی شد؟! (۱)

## ۲\_ شمول گرایی دینی

### ۲\_ شمول گرایی دینی (۲)

هرچند شمول گرایی، پذیرای ادیان گوناگون و تجربه های دینی متفاوت است و تجلی خداوند را در مکان های گوناگون می پذیرد، ولی راستی یا ناراستی ادعاهای ادیان را خدشه پذیر می داند. شمول گرایان همانند انحصارگرایان بر این باورند که تنها یک راه برای رستگاری وجود دارد و این راه نیز تنها در یک دین خاص، قابل شناسایی است. البته همه می توانند به شرط گردن نهادن به ضابطه های آن دین حق، در این راه قدم بگذارند. هم چنین آنان همانند کثرت گرایان معتقدند که لطف و عنایت خداوند به صورت های گوناگون در ادیان مختلف تجلی یافته است. بنابراین، هرکس

۱- تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، علی ربانی گلپایگانی، ص ۳۳؛ پلورالیسم، هادی صادقی، ص ۳۹.

می تواند رستگار شود حتی اگر از اصول اعتقادی آن دین حق، بی خبر باشد. بدین ترتیب، شمول گرایی در میانه ی دو نظریه ی انحصار گرایی و تکثر گرایی قرار می گیرد. به دیگر سخن، نظر شمول گرایان نزدیک به این مضمون است.

آن که گوید جمله حقند، احمقی است

و آن که گوید جمله باطل، او شقی است

این حقیقت دان، نه حقند این همه

نی به کلی گمراهانند این رمه (۱)

کارل رانر (۲) (۱۹۰۴ \_ ۱۹۸۴ م)، متکلم کاتولیک، مهم ترین اندیشه پرداز کاتولیک بود که در تدوین دیدگاه شمول گرایانه ی کلیسا، نقش بسزایی داشت. وی بر این باور بود که انسان ها تنها به دلیل وقوع یک واقعه ی رستگاری بخش خاص می توانند رستگار شوند. به گفته ی او از راه هیچ دینی نمی توان نجات یافت. البته چون کلمه ی (۳) منحصر به فرد خداوند در عیسی (که به خاطر همه ی انسان ها به صلیب کشیده شد) تجسد یافت، خداوند تنها در عیسی مسیح به صورت رستگاری بخش، تجلی کرده است.

خداوند دوست داشت همه ی انسان ها با او آشتی کنند و او را دوست بدارند و نجات یابند. عیسی برای تحقق این رستگاری فراگیر، کفاره ای پرداخت و خداوند، برکات رستگاری بخش او را شامل حال همه ی انسان ها

۱- مولوی.

۲- Karl Rahner.

۳- Word.

ساخت، حتی آنان که از عیسی، مرگ و سلطنت او آگاهی ندارند.

رانر این افراد را مسیحیان بی نام و عنوان (۱) می نامید و می گفت هر چند آنان ایمان مسیحی ندارند، ولی آگاهانه یا ناآگاهانه در جست و جوی خدایند و او را می پرستند. (۲) البته رانر، کسانی را مسیحیان بی نام و عنوان می دانست که به حقانیت دین مسیحیت پی نبرده و آگاهانه به آن پشت نکرده باشند. در غیر این صورت، مسیحی بی نام و عنوان نیستند و پیروی آنان از دین کنونی نیز مشروع نخواهد بود و باید به مسیحیت بگروند.

به دیگر سخن، فردی که به حقانیت مسیحیت پی برده است، ولی به دین دیگری گرویده است، باید توبه کند و به دامان مسیحیت باز گردد؛ زیرا دین وی مشروع نیست و آنان نیز که ناآگاهانه به دین دیگری بوده و خدا را می پرستند، هم چنان مسیحیان بی نام و عنوان شناخته می شوند.

شمول گرایان مسیحی برای اثبات مدعای خود به انجیل روی آورده اند.

اکنون همه در حضور خدا حاضریم تا آن چه خدا به تو فرموده است، بشنویم. پترس زبان را گشود و گفت: در حقیقت، یافته ام که خدا را نظر به ظاهر نیست، بلکه از هر امتی هر که از او بترسد و کار نیکو کند، نزد او پذیرفته می شود. (۳)

انجیل شناسان می گویند اعمال رسولان در بردارنده ی مضمون هایی است که بیشتر به شمول گرایی گرایش دارد. انجیل لوقا به نقش همیشگی خداوند در تاریخ بیشتر توجه کرده است و به همین دلیل، یکی از متون مهم

## ۱- Anonymous christians

۲- عقل و اعتقاد دینی، صص ۴۱۴ \_ ۴۱۸.

۳- انجیل عهد جدید، اعمال رسولان، باب دهم، آیه ی ۳۵.



متکلمان شمول گرا به شمار می رود. (۱)

لوقا (۲) بیشتر از دیگر نویسندگان انجیل ها به ریشه های تاریخی یهودی خود توجه داشته و بر این معنا تأکید کرده است که تجلی خداوند در زندگی بشر از آدم و پیامبران و اولیای پیشین بنی اسرائیل آغاز شده و در مسیح به کمال رسیده است.

باری، اندیشه های افرادی هم چون رانر و مستندهای تاریخی \_ کلامی مسیحیت، زمینه را فراهم آورد تا شورای واتیکان در اعلامیه ای درباره ی رابطه ی کلیسا با ادیان غیر مسیحی (۱۹۶۳ \_ ۱۹۶۵ م) چنین بگوید:

کلیسای کاتولیک هیچ امر مقدس و حقی را که در ادیان دیگر هست، رد نمی کند و برای شیوه ی زندگی و رفتار، قوانین و نظریه های آنان که غالباً شعاعی از نور حق را منعکس می کنند، احترام زیادی قایل است، هرچند آموزه های آنان را با آموزه های خود متفاوت می بیند.

با صدور این اعلامیه، موضع کلیسا از انحصارگرایی به شمول گرایی تغییر یافت. برخی اندیشمندان مانند هانس کنگ (۳) این تغییر را تحول از کلیسا محوری به خدا محوری نام نهاده اند. (۴)

در نقد شمول گرایی باید گفت:

۱\_ شمول گرا ناگزیر باید برای معقول بودن دین خود، مناطی بیابد. در غیر این صورت، تلاش او برای تبلیغ دین خویش بر هیچ پایه ی محکمی

۱- از این روست که رانر اظهار می دارد گرچه از نظر تاریخی، مسیحیت با عیسای ناصری آغاز شد، ولی مسیحیت یک «پیش تاریخ» دارد. (Prehistory)

۲- Luke.

۳- Hans kung.

۴- صراط های مستقیم، صص ۲۰۸ \_ ۲۱۰.

استوار نخواهد شد و ادّعی او درباره ی این که دینش، محور اصلی نجات است، پذیرفتنی نخواهد بود. گفتنی است چنین مناطی دست کم برای دین مسیحیت وجود ندارد؛ زیرا دربردارنده ی عناصر نامعقولی مانند: تثلیث و تجسّد خداوند است.

۲\_ دلیل شمول گرایان برای نگرش شمول گرایانه شان نباید بر پایه ی متون دینی خودشان باشد، بلکه باید دلیلی عقلی باشد. در غیر این صورت، پیروان هر دینی می توانند با اتکا به متون دینی خود و با نگرشی شمول گرایانه، دین خود را محور حقانیت و نجات بدانند.

### ۳\_ کثرت گرایی دینی

#### ۳\_ کثرت گرایی دینی (۱)

تعریف و دسته بندی انواع کثرت گرایی دینی پیش تر آمد و در آینده نیز به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت. در این جا تنها به تعریف جان هیک در مقاله ی فلسفه ای از پلورالیسم دینی بسنده و به برخی موارد حاشیه ای، ولی بسیار مهم آن اشاره می کنیم.

جان هیک در مقاله ی فلسفه ای از پلورالیسم دینی پس از نقل رویکردهای انحصار گرایی و شمول گرایی، به نقد آن ها می پردازد و اعلام می کند که پلورالیسم بهترین پاسخ ممکن به پرسش رابطه ی نجات با سنت های دینی است.

به گفته ی او:

پلورالیسم عبارت است از: پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خود محوری به خدا (حقیقت) محوری به شیوه های

گوناگون در درون همه ی سنت های دینی بزرگ جهان صورت می گیرد. به دیگر سخن، تنها یک راه و شیوه ی نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه های متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارد. باورهای دینی بزرگ جهان از درون شیوه های فرهنگی مختلف انسان بودن، در بردارنده ی برداشت ها و ادراک های گوناگونی درباره ی حق یا حقیقت غایی هستی هستند که بالطبع، این تصورها و ادراک های گوناگون در مقابل حقیقت یاد شده، واکنش های متفاوتی از خود نشان می دهند.<sup>(۱)</sup>

باید دانست پلورالیسم نجات شناختی در میان گونه های پلورالیسم بیشتر مورد توجه بوده است و اصولاً دیگر انواع پلورالیسم به عنوان مبنایی برای اثبات این نوع پلورالیسم مطرح می شوند. پیش تر زمینه های تاریخی و معرفتی را که سبب گرایش برخی اندیشمندان به این دیدگاه شد، بررسی کردیم. ادله ی پلورالیست ها نیز در مقاله ها و کتاب های بسیاری نقل و نقد شده است و منتقدان نشان داده اند که هواداران پلورالیسم دلیلی محکم برای اثبات پلورالیسم ندارند.

به هر حال، پلورالیست ها برخلاف انحصارگرایان و شمول گرایان، حقانیت و نجات را در یک دین منحصر نمی دانند. اینان همه ی ادیان و سنت های دینی جهان را از حق بهره مند و نجات را در همه ی آنان دست یافتنی می دانند. بدین ترتیب، همه ی انسان ها می توانند از هر دینی که می شناسند به عنوان نردبانی برای ره سپردن به سوی آسمان بهره گیرند؛ یعنی هر انسانی می تواند به اختیار خود وارد سنت دینی شود و بدان وسیله

---

۱- مباحث پلورالیسم دینی، صص ۶۹ و ۱۶۱.

ص: ٦٨

نجات يابد.

## بخش سوم پلورالیسم دینی از نگاه برون دینی و درون دینی

### اشاره

بخش سوم پلورالیسم دینی از نگاه برون دینی و درون دینی

زیر فصل ها

فصل اول: نقد برون دینی پلورالیسم

فصل دوم: نقد درون دینی پلورالیسم

## فصل اول: نقد برون دینی پلورالیسم

### اشاره

فصل اول: نقد برون دینی پلورالیسم

زیر فصل ها

- ۱ \_ پلورالیسم خویش برانداز
- ۲ \_ بطلان ذاتی پلورالیسم دینی
- ۳ \_ پذیرش پلورالیسم؛ پذیرش شکاکیت، نسیت گرایی و اجتماع نقیضین
- ۴ \_ صراط های مستقیم یا آیین های الهی و غیر الهی برحق
- ۵ \_ غفلت معرفت شناسانه در پلورالیسم دینی
- ۶ \_ درهم آمیختگی مباحث معرفت شناختی با مباحث اخلاقی در پلورالیسم دینی
- ۷ \_ قاعده ی لطف
- ۸ \_ پذیرش دین کامل، برتر و خالص تر
- ۹ \_ تقدم عقلانی و منطقی دین متأخر
- ۱۰ \_ پلورالیسم یا چراغ سبز به پیامبران کاذب و کذاب
- ۱۱ \_ ارزش مندی جنبه ی عملی دین
- ۱۲ \_ افتراق زبان ناظر به خداوند با زبان ناظر به تجربه ی دینی
- ۱۳ \_ تسامح ناپذیری کثرت گرایی
- ۱۴ \_ پسا تجدد گرایی پلورالیسم دینی
- ۱۵ \_ چند انتقاد دیگر بر پلورالیسم دینی جان هیگ

**اشاره**

۱\_ پلورالیسم خویش برانداز

زیر فصل ها

الف \_ حق پنداری خویش

ب \_ حق پنداری انحصارگرایی و شمول گرایی

ج \_ حق پنداری اسلام

**الف \_ حق پنداری خویش**

الف \_ حق پنداری خویش

فهم ها \_ از جمله فهم دینی \_ سیال و سیار است. نگرش پلورالستیک به دین نیز یک فهم دینی \_ عصری است. این فهم «متعلق به عصر جدید» است که در گذشته نبوده و اکنون تحت تأثیر «انتظارها»، پرسش ها و پیش فرض های برآمده از دانش های متحول و متغیر زمانه \_ بیرون دین \_ پدید آمده است. به یقین، فردا نیز در پی تراکم و تحول علوم، باطل می شود و نظریه ی رقیبی که طبعاً با آن تباین ذاتی خواهد داشت، جانشین آن می شود که آن هم ممکن است حق بوده یا با حق درهم آمیخته باشد.

**ب \_ حق پنداری انحصارگرایی و شمول گرایی**

ب \_ حق پنداری انحصارگرایی و شمول گرایی

پلورالیسم، پذیرش اصالت، حقانیت یا دست کم حق انگاری و رسمیت مرام ها و گرایش های متباین است. بدین سان پلورالیسم، پارادوکسیکال و خود ویران ساز است. پذیرش این مرام به اقتضای مبانی و دلایل آن، با حق انگاشتن مرام های رقیب \_ انحصارگرایی و شمول گرایی \_ که ناقض پلورالیته اند، ملازم است. (۱)

**ج \_ حق پنداری اسلام**

ج \_ حق پنداری اسلام

پلورالیسم دینی از منظر برون دینی، ادیان متعدد را حق می داند و هر سه دین یهود، مسیحیت و اسلام را بر حق و آسمانی می





قلمرو دو دین نخست، هیچ مشکلی ندارد، ولی در قلمرو اسلام به چالش فراخوانده می شود؛ زیرا اسلام را الهی می داند و طبعاً باید به اصول و ارکان مسلم و آثار و لوازم آن پای بند باشد.

باید گفت نسخ شریعت های پیشین و خاتمیت اسلام از آموزه های بنیادی اسلام است که پلورالیسم باید آن را به عنوان آموزه ی بنیادین اسلام بپذیرد. لازمه ی این کار نیز عدول از نظریه ی تعدد ادیان حقه است؛ یعنی پلورالیسم با این کار، به دست خود، گوهر و ماهیت خود را بر می اندازد. هم چنین می تواند آن را انکار کند که در این صورت به نپذیرفتن کامل حقانیت اسلام می انجامد. این کار نیز نه پلورالیسم و تأیید ادیان حقه، بلکه تقطیع دین حق است. بنابراین، پلورالیسم در مرحله ی عمل به ویژه در قلمرو اسلام، نمی تواند به وعده ی خود عمل کند! (۱)

## ۲\_ بطلان ذاتی پلورالیسم دینی

### ۲\_ بطلان ذاتی پلورالیسم دینی

ادیان الهی، تدریج زمانی داشته اند؛ یعنی در هر برهه ای از زمان، دست کم یک پیامبر از پیامبران الهی از سوی خداوند، مأمور رساندن پیام الهی بوده است. با توجه به اهمیت مسأله ی زمان درمی یابیم که احکام هر شریعتی با آمدن پیامبر جدید، منسوخ گشته است که پژوهش های تاریخی ادیان نیز این سخن را می پذیرد. در آخرین کتاب الهی \_ قرآن \_ و روایات اسلامی نیز به این امر، اشاره شده است. (۲)

۱- کند و کاوی در سویه های پلورالیسم، ص ۱۰۱.

۲- شوری، ۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۴، صص ۱۷۸ \_ ۱۷۹.

بنابراین، اگر بحث در ادیان واقعی \_ آن گونه که نازل شده اند \_ باشد، آشکار است که نسخ در شریعت یا احکام آن ها رخ داده است، ولی اگر بحث در ادیان امروز باشد، می بینیم که مسیحیت کنونی تثلیث، اقانیم ثلاثه و خدا یا پسر خدا بودن مسیح را باور دارد. این در حالی است که قرآن با صراحت، این باور را کفر می داند و به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح را اشتباه محض مسیحیان می شمارد. پس این باورها یکی از تحریف هایی است که در ادیان گذشته رخ داده است. بنابراین، حتی اگر سخن قرآن را نپذیریم، باید گفت از نظر عقلانی، پذیرش حقانیت یهودیت، مسیحیت و اسلام، \_ در عرض هم \_ سخنی نابخردانه و به طور کلی، باطل است.

در نتیجه، اگر پلورالیسم در ادیان \_ همان گونه که نازل شده اند \_ مراد باشد، باطل است؛ زیرا همه ی ادیان الهی در گوهر دین مشترکند، ولی برخی آموزه های آن ها نسخ شده است. پس باید دین کامل را یافت. اگر هم پلورالیسم در ادیان موجود و امروزی، مراد باشد، باطل است؛ زیرا ادیان کنونی، آموزه های متناقضی دارند و نمی توان همه ی این ادیان را حق دانست.

ممکن است بپرسند: چه اشکالی دارد همه ی ادیان با وجود آموزه های متعارض و متکثر خویش، حقانیت داشته باشند؟

در پاسخ باید گفت اگر آموزه های همه ی ادیان حق باشد، آموزه های آخرین دین \_ اسلام \_ نیز باید حق باشد. در این میان، باید دانست یکی از

آموزه های اسلام این سخن است که: «انّ الدین عندالله الاسلام» (۱) افزون بر آن، آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که به دلالت التزامی به تحریف شریعت های پیشین و احکام آن ها، اشاره می کند. بنابراین، پلورالیسم دینی فی حد ذاتها، باطل است.

از سوی دیگر، میان پلورالیسم دینی با حقانیت دین خاص، «رابطه ی تناقض» برقرار است؛ زیرا یک دین دار بر حقانیت دین خود و نفی پلورالیسم دینی پای می فشرد و در مقابل، یک پلورالیست، پلورالیسم دینی را برای ردّ حقانیت یک دین خاص می پذیرد. جان هیک با پذیرش گونه ای ناهم آهنگی اعتقادی میان پیروان ادیان گوناگون، یکی از نمودهای این تعارض ها را اختلاف های موجود در اعتقاد تاریخی می داند که پی آمدها و التزام های کلامی با اهمیتی را در پی دارد. برای مثال، وی می گوید:

مسیحیان (به استثنای معدودی از آنان) باور دارند که عیسی مسیح بر بالای صلیب، جان باخته است، در حالی که مسلمانان (به استثنای معدودی از آنان) معتقدند که تنها به نظر رسیده که مسیح بر صلیب از دنیا رفته است. (۲)

قرآن در آیه ی ۱۵۷ سوره ی نساء می گوید:

حضرت عیسی علیه السلام نه به صلیب کشیده شد و نه به قتل رسید، بلکه امر (قتل مسیح علیه السلام) بر مسیحیان مشتبه گردید.

هیک در ادامه می افزاید:

تفاوت های مهم دیگری همانند این تفاوت ها را در باورهای تاریخی یک سنت دینی واحد می توان یافت. برای نمونه، بعضی مسیحیان باور دارند که

۱- آل عمران، ۱۹.

۲- مباحث پلورالیسم دینی، ص ۱۵۶.

حضرت عیسی، پدری انسانی داشته است، در حالی که بعضی دیگر چنین اعتقادی ندارند. در مقابل، همه ی مسلمانان معتقدند که تولد عیسی از مادری باکره، صورت گرفته است، ولی امروزه بسیاری از مسیحیان چنین اعتقادی ندارند.<sup>(۱)</sup>

جان هیک به جای حل این تعارض ها، از ترس واکنش های غیراخلاقی پیروان این ادیان، در مباحث معرفت شناختی حکم می دهد که «چنین اختلافاتی هیچ وقت از اولییتی درجه اول برخوردار نیستند». به همین دلیل با اصرار، طرح «تحمل مخالف» را در قالب پلورالیسم دینی خواستار می گردد و می گوید:

در این جا مایلیم به اصرار از همه بخواهیم که خود را گونه ای آموزش بدهیم که بتوانیم این گونه اختلاف ها را تحمل و با آن زندگی کنیم.<sup>(۲)</sup>

وی برای این که خود را عامل به این نظریه ی پلورالیستی بداند، می گوید:

من به سهم خود (از روی نخوت و غرور علمی خویش) معتقدم که کسی که با من مثلاً در این موضوع که عیسی پدری بشری داشته است، اختلاف نظر دارد، احتمالاً (نه مطمئناً) اشتباه می کند. با وجود اعتقاد به اشتباه احتمالی وی، این عقیده و آگاهی را نیز دارم که همان شخص کاملاً محتمل است که از خود من به حقیقت الهی نزدیک تر باشد.<sup>(۳)</sup>

در می یابید که جان هیک میان باورمندان به این نظریه اعم از قاصر، مقصر و معاند، فرقی نمی گذارد و تحمل مخالف را لازمه ی پلورالیسم

۱- مباحث پلورالیسم دینی، صص ۱۵۶ - ۱۵۸.

۲- مباحث پلورالیسم دینی، صص ۱۵۶ - ۱۵۸.

۳- مباحث پلورالیسم دینی، صص ۱۵۶ - ۱۵۸.

می شمارد.

وی حتی در اشاره به اختلاف های حیاتی تر مانند: اختلاف در شیوه های ادراک و تجربه ی حقیقت الهی، دریافت های گوناگون از الوهیت را وجودی شخصی یا دارای تشخیص فردی یا وجدان آن به صورت امری فاقد تشخیص فردی می داند. آن گاه در پی نظریه ای کلی بر می آید که آگاهی های مورد ادعا از الوهیت را در بر بگیرد. وی برای این کار، سه امکان عمده ی انحصار گرایانه، شمول گرایانه و پلورالیستی را بررسی می کند و پس از ردّ دو امکان نخست، پلورالیسم دینی را نظریه ای می داند که می تواند انواع آگاهی های مورد ادعا از الوهیت را در بر بگیرد. (۱)

گفتنی است هیک مشخص نمی کند که چگونه دو آگاهی متناقض مانند آن چه خداوند را دارای تشخیص فردی می داند. با آن آگاهی که او را فاقد تشخیص فردی می شمارد، قابل جمع است. مگر می توان دو چیز متناقض را جمع کرد؟ اساسا جمع آن ها، خود، به معنای بطلان آن هاست.

از سوی دیگر، تقابل مدعیات دین ها و دین واره ها از نوع «تناقض» است. آیا عقل می پذیرد که طرفین نقیض، حق و صحیح باشند؟ چگونه عقل می پذیرد اعتقاد نداشتن به خدا (دین واره ها) اعتقاد به اقانیم سه گانه (مسیحیان) اعتقاد به ثنویت (زرتشتیان) و اعتقاد به خدای واحد (مسلمانان و یهودیان) با یکدیگر قابل جمع، حق و صحیح باشد؟ این پذیرفتنی نخواهد بود مگر آن که عقل، اجتماع نقیضین را جایز بداند!

### ۳\_ پذیرش پلورالیسم؛ پذیرش شکاکیت، نسبیت گرایی و اجتماع نقیضین

۳\_ پذیرش پلورالیسم؛ پذیرش شکاکیت، نسبیت گرایی و اجتماع نقیضین

پذیرش پلورالیسم دینی مستلزم گردن نهادن به شکاکیت یا نسبیت است؛ زیرا واقعیت \_ یا به گفته ی هیک «واقعیت فی نفسه» \_ دست یافتنی نیست و معرفت انسان ها بر محور پدیدارها و نمودها شکل می گیرد، نه پدیده ها و بودها. هرکسی، واقعیت را آن چنان که بر او پدیدار و نمودار شده است، درک می کند. بدین ترتیب، راه درک واقعیت فی نفسه به دلیل تنگناهای معرفتی، بسته است و هرکس با گمان خود، واقعیت را توصیف می کند:

هرکسی از ظن خود شد یار من

از درون من نَجست اسرار من

در نقض این سخن باید گفت: انسان می تواند به واقعیت فی نفسه اشیاء، معرفت یابد؛ زیرا همه ی معرفت های انسان، شناخت نمودها و پدیدارها نیست. بنابراین، نخستین ایراد بر سخن جان هیک همان مشکل نسبیت گرایی نظریه ی اوست. پذیرش تفاوت میان «حقیقت آن چنان که هست» و «حقیقت آن چنان که می نماید» و انکار مطابقت ذهن با خارج یا به دیگر سخن، تطابق نیافتن فنومن با نومن، برجسته ترین باور نسبیت گرایی علمی است.

اگر همه ی رویکردهای پلورالیسم، تعدد حقیقت را باور داشته باشند، چنین رویکردی به نسبیت گرایی در حقیقت روآورده است. چون برخی از این حقایق، نقیضین هستند، این دیدگاه به اجتماع نقیضین خواهد انجامید. چنان چه حقیقت را واحد و راه های رسیدن به آن را متعدد فرض کنیم، چون این راه ها، پیش فرض های معرفت شناسانه ی متعارض دارند، پذیرش

همه ی آن ها به نسبت گرایی در معرفت می انجامد.

#### ۴\_ تضاد پلورالیسم دینی در مرحله ی اجرا

بر فرض این که آموزه های دینی، دریافته های گوناگون پیامبران در مسیر تجربه ی دینی باشد، چگونه این اشراق و ارتباط با وجود مطلق (حقیقت غایی) نتایج متناقض به بار آورده است؟ چرا یکی از پیام آوران به توحید و دیگری به تثلیث فرا می خواند؟ لازمه ی این گفتار آن است که بگوییم خداوند به یکی از پیامبران خود، توحید و به دیگری، شرک آموخته و آن گاه همه ی پیامبران جز یکی را بسیج کرده است که مردم را به توحید بخوانند. آیا این سخن از یک فاعل مختار، حکیم و هدف دار پذیرفتنی است؟

#### ۵\_ هدایت ناخالص در پلورالیسم

اندیشه ی پلورالیستی می گوید حق خالص و باطل محض وجود ندارد. بنابراین، دین اسلام، زرتشت و یهود با هم برابرند و جست و جو در آن ها برای یافتن حق و باطل خطاست. به گفته ی آنان، خداوند، بنیان گذار پلورالیسم است؛ زیرا بر سه پیامبر بزرگ \_ محمد صلی الله علیه و آله وسلم، زردشت و موسی \_ در سه قوم تجلی کرده است. همین بشری شدن تجلی خداوندی و نوع بیان آن، تکثر و تفاوت های موجود میان این سه دین را پدید آورده است. بر اساس این نظر، چون هیچ یک از این ادیان، خالص نیستند باید به پلورالیسم دینی در میان ادیان و حتی در دایره ی اسلام روی آوریم.

باید گفت: نظر پلورالیست ها در برحق دانستن و هدایت گر بودن هر سه دین و در عین حال، خالص نپنداشتن آن ها، از پراکنده گویی و منسجم

نبودن نتیجه گیری پلورالیست ها و ضعف آنان در تبیین مباحث معرفت شناسانه حکایت می کند. پرسش اصلی این است که اگر پیروان یک دین، هدایت شده اند، بر اساس کدام بخش از آن دین، به هدایت دست یافته اند؛ آن بخش از دین که حق خالص است یا آن بخش که حق خالص نیست؟ از آن جا که نمی توان مشخص کرد چه بخش هایی از یک دین، حق یا ناحق است، احتمال می رود آن چه هدایت می نامیم، از بخش ناحق و ناخالص برخاسته باشد. در این صورت می توان گفت: «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال».

## ۶\_ صراط های مستقیم یا آیین های الهی و غیر الهی برحق

### ۶\_ صراط های مستقیم یا آیین های الهی و غیر الهی برحق

در پرتو پلورالیسم دینی، همه ی مکتب های الهی و غیر الهی و حتی سنت های دینی جهان مانند: کمونیسیم، شیطان پرستی، انسان پرستی، بت پرستی و هر مکتبی که مدعی است می تواند وجود انسان را از خودمحوری به حقیقت محوری برساند، صراط مستقیم شمرده می شود. بدین ترتیب، آیین های موهوم و خرافی نیز صراط مستقیم خواهند بود؛ زیرا گفته می شود: «صراط مستقیم یا دین حق، امر موهومی بیش نیست و نمی توان دینی یا آیینی را بر دیگری، برتری داد».

جان هیک برای رفع این مشکل، سه معیار تجربه، انسجام و اخلاق را ارایه می دهد. باید گفت: اگر دین همان احساس شخصی و درونی بوده و به تجربه ی دینی و شخصی فرد، بستگی داشته باشد، چگونه همان فرد می تواند حقیقت را از خطا و راست را از ناراست بازشناسد؟ زیرا پیروان آیین های موهوم و خرافی هم چون بت پرستی، شیطان پرستی و انسان گرایی



نیز ادعای چنین احساس و تجربه ای را دارند.

معیار انسجام نیز ممکن است میزان سازگاری آموزه و اعتقادی را در یک نظام دینی خالص، بررسی کند، ولی نمی تواند سنتی موهوم و خرافی را صراط مستقیم معرفی کند؛ زیرا این مسأله به حق و باطل بودن آیین ها و سنت ها مربوط نیست و نمی تواند معیار این امر باشد. هم چنین معیار اخلاقی، کارآیی ندارد. اصولاً باید پرسید: معیار اخلاقی چه کسی ملاک است؟ چرا باید فلان معیار اخلاقی، ملاک استناد قرار گیرد؟ معیار اخلاقی هر سنت و آیینی برای پیروان همان آیین، معتبر و قابل استناد است و با آن معیار اخلاقی درباره ی آیین های دیگر نمی توان داوری کرد.

متأسفانه جان هیک با معیار اخلاقی لیبرالیستی درباره ی بخشی از دین اسلام، داوری می کند و حدّ سرقت را در اسلام محکوم می شمارد. هیک در این زمینه به خطا رفته است؛ زیرا همین گونه داوری از سوی پیروان آیین های دیگر درباره ی نظریه ی هیک تصویب پذیر است. بدین ترتیب، نظریه ی هیک به جای فروکاستن از تعارض ها بر دامنه ی نزاع ها خواهد افزود.

## ۷\_ غفلت معرفت شناسانه در پلورالیسم دینی

۷\_ غفلت معرفت شناسانه در پلورالیسم دینی

هرچند پلورالیست ها مدعی اند که به دین و سنت های دینی، نگاه معرفت شناسانه دارند، ولی باید پرسید: چگونه ممکن است حتی یکی از پیامبران با دیدگاه معرفت شناسانه \_ ی مورد نظر پلورالیست ها \_ به دین ننگرد؟ آیا عقل می پذیرد که افراد متصل به وحی یا حتی خداوند به چنین امر مهمی بی اعتنا باشد؟

اگر چنین باشد یا تکبر معرفت شناسانه، دامان پیامبران را گرفته است که از این امر غفلت کرده اند یا پلورالیست ها به چنین صفتی دچار شده اند که به این موضوع دامن می زنند. این در حالی است که به گفته ی تاریخ و اذعان دانشمندان، همه ی پیامبران، انسان هایی پاک و پیراسته از دروغ و تزویر بودند و در طهارت جسم و روح آنان هیچ تردیدی وجود ندارد.

## ۸\_ درهم آمیختگی مباحث معرفت شناختی بامباحث اخلاقی در پلورالیسم دینی

### ۸\_ درهم آمیختگی مباحث معرفت شناختی بامباحث اخلاقی در پلورالیسم دینی

با نگاهی اجمالی به خاستگاه اندیشه ی پلورالیسم دینی، در می یابیم که مسیحیت غرب، بستر رشد و تدوین پلورالیسم دینی بوده است. مسیحیان در قرون وسطی، رفتارهای خشن و نامناسبی با غیر مسیحیان داشتند که اندیشمندان غربی در عصر روشن گری، ریشه ی آن رفتارها را در تعصب بی جای مسیحیان نسبت به دین شان دانستند. بنابراین، نخستین انگیزه برای طرح بحث پلورالیسم دینی، مسأله ی رفتار با مردم بود. چون برخی مسیحیان، بعضی از انسان ها را اهل حق نمی دانستند و اهل جهنم به شمار می آوردند، هرگونه می خواستند، با آنان رفتار می کردند. مانند رفتار امریکاییان با سرخ پوستان در امریکای شمالی و رنگین پوستان و نژادهای دو رگه در امریکای جنوبی. باید گفت چون بحث پلورالیسم دینی درباره ی شیوه ی رفتار با پیروان ادیان و مذاهب دیگر آغاز شد، پلورالیسم اخلاقی یا هنجاری نیز زاده شد که محور مباحث جان هیک و کنت ول اسمیت را تشکیل می دهد.

پس از مسأله ی رفتار با پیروان ادیان دیگر، بحث نجات بخشی و

معرفت شناختی از مسایل مهم پلورالیسم است. سخن اصلی در بحث معرفت شناختی این است که آیا تجربه ی دینی، می تواند باورهای همه ی پیروان ادیان مختلف را توجیه کند یا خیر؟ مسأله ی دیگر نیز وظیفه ی انسان ها در برابر خداست که او پیروی از چه دین و آیینی را از ما می خواهد؟ باید به یک دین خاص روی آوریم یا این که هر دینی را برگزیدیم و به آن گرویدیم، مأجور هستیم؟

بدین ترتیب، در می یابید که نمی توان این مباحث را درهم آمیخت؛ یعنی نمی توان برای حل مشکل مسأله ای، حکم دیگر مسایل را معین کرد. مقام نظر و معرفت با مقام رفتار تفاوت دارد. چه قابل جمع باشند و چه قابل افتراق؛ درهم آمیختن اشتباه است.

هرچند پلورالیسم دینی، برای ایجاد سعه ی صدر در متدینان دیدگاه جذابی به نظر می رسد، ولی این جذابیت نباید به درهم آمیختن مباحث معرفت شناختی با اخلاقی بیانجامد. از حکم به حسن رفتار با صاحبان عقاید دیگر، نمی توان درباره ی عقاید آنان داوری کرد؛ زیرا این گونه نتیجه گیری، مغالطه آمیز است. اسلام به پیروان خود، بسیار سفارش می کند که با پیروان ادیان دیگر به خوبی رفتار کنند. رفتار خوب افزون بر داشتن ثواب اخروی، ارج نهادن به مقام انسانیت انسان هاست و سبب تبلیغ عملی اسلام می شود. «تألیف قلوب» یکی از مسایل مهم اسلام است که به پلورالیسم نجات شناختی و معرفت شناختی دینی، ربطی ندارد.

## ۹\_ قاعده ی لطف

### ۹\_ قاعده ی لطف

چون شرایط زمانی و مکانی انسان ها در طول تاریخ با هم تفاوت دارد و هر

قوم و نژادی در درک حقیقت نهایی، به گونه ای عمل می کردند، خداوند به لطف خویش، شریعتی متناسب با آن ها را فرو فرستاده است. آن گاه پس از مساعد شدن شرایط و آمادگی مردم، آخرین شریعت خود را نصیب انسان ها ساخته است تا در پرتو آن به کمال برسند. بنابراین، قاعده ی لطف الهی، افزون بر این که نشانه ی وجوب بعثت پیامبران است، بر عمومیت آن نیز دلالت می کند. بدین ترتیب می گوئیم: باید از آغاز تا پایان تاریخ، پیامبری یا شریعتی در میان مردم باشد؛ چون لطف است و لطف هم از جانب خداوند، ضروری است.

از سوی دیگر، عقل حکم می کند برای پیش گیری از پدید آمدن تعارض میان سنت های دینی، باید مردم را به سوی آخرین و کامل ترین دین فرا خواند. در غیر این صورت، فرا خواندن به همه ی ادیان آن گونه که پلورالیست ها می گویند، آن هم با وجود ادعاهای متعارض در ادیان، تنها فراخواندن به نزاع و تعارض است که آن هم با لطف خداوند منافات دارد.

### ۱۰\_ پذیرش دین کامل، برتر و خالص تر

۱۰\_ پذیرش دین کامل، برتر و خالص تر

هماره تردیدی از ضمیر روشن انسان بر می خیزد و به او نهیب می زند که از میان دین ها، کامل ترین را برگزیند. هشدار عقل در این مرحله به پیروان دین خاصی، اختصاص ندارد، بلکه همه ی پیروان ادیان گوناگون را در بر می گیرد. متأسفانه چون بسیاری از مردم حتی دین داران به حقانیت یا کامل بودن اندیشه یا دین خود، یقین دارند، از کنار این نهیب عقل، بی اعتنا می گذرند.

این در حالی است که باید به احتمال و نهیب عقل مبنی بر وجود دین کامل و خالص تر، توجه کرد و حتی از پیروان ادیان دیگر خواست که در

تعیین مصداق برای دین حق تا آن جا که می توانند، بکوشند و در پی معیارهای دین برتر باشند. حتی ما نیز که مسلمان هستیم، در این نوشتار باید به دنبال دین کامل، برتر و خالص تر باشیم.

با نگاهی به تاریخ تحول فکری جهان درمی یابیم که نمی توان یک حکم دینی و روش اعتقادی را برای همه ی انسان ها در طول تاریخ در نظر گرفت. از سوی دیگر، هدایت گری خداوند اقتضا می کند که هم زمان با تکامل تدریجی بشر، دین عصر پیشین را منسوخ کند و دینی فراخور فهم فراتر و نیازهای برتر انسان عصر نوین فرو فرستد. سرانجام نیز با فرو فرستادن دینی جامع و کامل که با شرایط گونه گون زندگی انسان، متناسب باشد، دوام کمال آدمی را تدبیر کند.

بنابراین، با وجود حضور دین جامع و کامل و برخوردار از متن مُنَزَل و محفوظ،<sup>(۱)</sup> پافشاری بر درستی ایمان به ادیان منسوخ، آمیخته به خرافه و گزافه و فاقد متن و حیانی مخالفت با برنامه ی هدایت الهی و مشیت تاریخی \_ تشریحی خداوند برای تکامل تدریجی بشر است.

در نتیجه، چون ادیان موجود تحریف شده اند، از نظر عقلی و نقلی، پلورالیسم در آن ها بی معناست. درباره ی ادیان الهی نیز باید گفت هرچند آن ها در گوهر اصلی با هم یکی هستند، ولی چون برخی آموزه های آن ها نسخ شده و در شریعت بعدی کامل تر شده است، باید دین نهایی را پذیرفت.

---

۱- حجر، ۹: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ؛ ما قرآن را نازل کردیم و به یقین نگهدار آنیم».

آشکار است که همه ی پیامبران الهی، مردم را به یک حقیقت نهایی؛ یعنی تسلیم بودن در برابر حق تعالی فرا می خواندند، ولی مصداق های آن ادیان بر حسب زمان، تفاوت می کرد و به همین دلیل، آنان به آمدن پیامبر بعدی بشارت می دادند.

## ۱۱ \_ تقدم عقلانی و منطقی دین متأخر

### ۱۱ \_ تقدم عقلانی و منطقی دین متأخر

عقلا- هنگام وضع قوانین بر پایه ی حکم و پیامی عمل می کنند که در مرحله ی آخر، وضع و به مکلفان ابلاغ شده است. به ویژه اگر مورد توجه و سفارش خاص بوده یا به آن بشارت داده شده باشد. بنابراین، عقل با نگاهی به تکرر و اختلاف پیام ها و شریعت ها و به فرض ترجیح ندادن یکی بر دیگری، پیام و آیینی را برمی گزیند که آخرین پیام و شریعت الهی باشد.

پس از آن که آدمی، اصل ضرورت دین و دین داری را پذیرفت و به وجود آفریننده در نظام هستی برای هدایت بشر گردن نهاد، در پی آن برمی آید که چگونه خداوند از غیب، وحی می فرستد و باید چه دینی را بپذیرد. اگر در مرتبه ی نگاه بیرون دینی برای او ثابت شود که خداوند، وحی و کتاب آسمانی را از روی حکمت و مصلحت می فرستد و هیچ گاه کار بیهوده انجام نمی دهد، از پیای آمدن ادیان آسمانی درخواهد یافت که این ترتیب و توالی بر اساس حکمت الهی و برای مصلحت انسان ها بوده است.

بدین ترتیب، عقل و منطق حکم می کند که دین متأخر را برگزینیم و از پیروی ادیان متقدم بپرهیزیم البته باید دانست دین متقدم هم دین خداست و همه ی ادیان آسمانی صراط مستقیم اند. با این حال، بدیهی است هنگامی که

واپسین شریعت ظهور کرد، باید به آن دل بسپاریم. آمدن ادیان مختلف پس از یکدیگر و در زمان های گوناگون، نشان دهنده ی تکمیل تدریجی ادیان است. بنابراین، در زمان حاضر باید به آخرین دین الهی متدین باشیم و پیروی از ادیان دیگر از نظر منطقی و عقلانی توجیه پذیر نیست.

## ۱۲ \_ پلورالیسم یا چراغ سبز به پیامبران کاذب و کذاب

### ۱۲ \_ پلورالیسم یا چراغ سبز به پیامبران کاذب و کذاب

به رسمیت شناختن تکثر و تنوع و فتوا دادن به تباین فرو ناکاستنی فرهنگ ها، دین ها و تجربه های آدمیان را پلورالیسم گویند. تنوع وحی و تجربه و فهم و تفسیر آن ها نیز مرزی نمی شناسد؛ زیرا هر حادثه ای می تواند سبب وحی دل باشد و حق و حجت! تفسیر رسمی هم نداریم، معیار و عیاری نیز در ادعای وحی و تجربه و ارایه ی فهم و تفسیر وجود ندارد. کسی هم حق ندارد به دیگری بگوید: فهم من، صحیح است و فهم تو، سقیم. «در معرفت دینی هم چون هر معرفت بشری دیگر، قول هیچ کس حجت تعبّدی برای کس دیگر نیست و هیچ فهمی، مقدس و فوق چون و چرا نیست».<sup>(۱)</sup>

این سخن به معنای بی مبالاتی و جایز دانستن افراطی گری و آنارشسیسم تثوریک و به طور کلی صدور برات «بدعت» و فراتر از آن، جواز ظهور پیایی پیامبران کاذب و کذاب است.<sup>(۲)</sup>

۱- مقاله ی «صراط های مستقیم»، عبدالکریم سروش، مجله ی کیان، ش ۳۶، ص ۴.

۲- مقاله ی «لوازم فلسفی \_ کلامی پلورالیسم دینی»، علی اکبر رشاد، مجله ی کتاب نقد، ش ۴، ص ۱۰۴.

### ۱۳\_ ارزش مندی جنبه ی عملی دین

#### ۱۳\_ ارزش مندی جنبه ی عملی دین

جان هیک، تعارض های ظاهری میان سنت های دینی را اعتقادی می داند نه عملی، و بدین ترتیب، اهمیت قوانین دین را در جامعه نادیده می گیرد. بدین گونه، پایه های سکولاریسم و لیبرالیسم در جامعه مستحکم می شود.

اشکال پلورالیسم دینی جان هیک این است که ادیان را تنها در دایره ی آموزه ها می بیند. این در حالی است که باید گفت ادیان نه تنها به دلیل ارایه ی احکام اخلاقی، بلکه به دلیل ابعاد زیبایی شناختی مربوط به مناسک شان، از جنبه ی عملی بسیار مهمی برخوردارند. بدین ترتیب، حتی اگر تعارض های آموزه ای در ادیان بر اساس راه حل هیک، برطرف می شد، تعارض های عملی هم چنان به قوت خود باقی می ماند.

لیبرالیسم و کثرت گرایی دینی با برتر شمردن ایمان در مقابل عمل، نسبت به دیدگاه های دینی که بر ابعاد اجتماعی و عملی دین پافشاری می کنند، تعصب نشان می دهند. امتیاز و اهمیت ادیان تنها به نظام اعتقادی خاص آن ها نیست، بلکه مراسم، آرمان های اخلاقی و قوانین آن ها نیز اهمیت ویژه ای دارند. ارزش مندی دین تا اندازه ی زیادی به جنبه ی عملی آموزه های دین بستگی دارد. اگر آزادی دینی به آزادی اعتقادی، منحصر باشد نه آزادی در عمل و احکام، نتیجه ای جز کم ارزش شدن دین در پی نخواهد داشت. (۱)

از سوی دیگر، بر فرض درستی پلورالیسم دینی، این نظریه می تواند



آموزه های عقیده ای مانند: توحید، تثلیث، جبر و اختیار، تنزیه و تجسم را توجیه کند و از تعارض آن ها بکاهد، ولی آموزه های احکام عملی و اخلاقی این گونه نیستند. پس ممکن است به تعبیر جان هیک، پیام آوران الهی، پیام ها و دریافت های گوناگونی نسبت به حقیقت مطلق داشته باشند و هریک از این پیام ها درباره ی ذات، صفات و افعال الهی با دیگر پیام ها متفاوت باشد، ولی در احکام عملی که به تدبیر جامعه و اصلاح اخلاق انسانی مربوط می شود، نمی تواند محصول دریافت های گوناگون باشد.

بنابراین، در مسأله ی عقاید، گزاره ها، جنبه ی خبری دارند و می گویند: خدا یکی است یا خدا سه تا است، ولی در آموزه های عملی و اخلاقی، گزاره ها خبری نیستند، بلکه به صورت انشائی و درخواست هستند. بنابراین، پیامبران پیوسته می گویند: بکنید یا نکنید، مانند: نماز بخوانید، ستم نکنید، زکات بدهید، ربا نخورید و... .

در این موارد، پیام آور از حقیقت نهایی گزارش نمی دهد تا تفاوت دریافت ها را در پی داشته باشد و آن را به تأثیرپذیری از زبان، فرهنگ یا پیش فرض های خودش نسبت دهیم؛ زیرا از جامعه و افراد آن، چیزی را می طلبد. به یقین، این آموزه های عملی هم در دریافت های پیام آوران، جایگاه ویژه ای دارد و هم برای جامعه ی پیام آور، ارزش فوق العاده ای به همراه می آورد.

#### ۱۴\_ افتراق زبان ناظر به خداوند با زبان ناظر به تجربه ی دینی

۱۴\_ افتراق زبان ناظر به خداوند با زبان ناظر به تجربه ی دینی

ما نمی توانیم زبان ناظر به خداوند را به زبان ناظر به تجربه های متعارف خویش برگردانیم. حتی زبان ناظر به تجربه های ما نیز به چیزهایی فراتر از

تجربه هایمان وابسته است. برای مثال، ممکن است مردم حتی اگر باورهای نسبتاً نادرستی داشته باشند، بتوانند باورهای خود را به یک خدای واقعی معطوف کنند، ولی باید دانست این کار، حدّ و مرزی دارد. اگر اعتقاد به خدا بیش از اندازه خطاآمیز باشد، دیگر نمی توان آن را به خدایی واقعی و زنده منتسب کرد. بنابراین، ممکن است انسان ها در ارجاع دادن باورهای شان به یک مرجع، شکست بخورند؛ زیرا آن مرجع را به درستی نمی شناسند. (۱)

بر همین قیاس، اگر پرستش خدای واقعی را لازمه ی رستگاری و نجات بدانیم، کسانی که با آگاهی، خدای واقعی را می پرستند، با کسانی که به دلیل نادانی، او را پرستش می کنند، قابل مقایسه نیستند.

به نظر می رسد با پذیرش دیدگاه پلورالیست ها افزون بر پرداختن هزینه ای سنگین \_ گردن نهادن به شکاکیت \_ باید آن چه را مؤمنان درباره ی خود می اندیشند، نادیده بگیریم. (۲)

## ۱۵ \_ تسامح ناپذیری کثرت گرایی

۱۵ \_ تسامح ناپذیری کثرت گرایی

کثرت گرایی دینی هیک از باورهایی پشتیبانی می کند که با وجود ناسازگاری هایشان تنها به حکم اجبار با هم ترکیب شده اند. این نظریه، اختلاف در حقیقت نهایی را جایز نمی داند؛ یعنی برای آنان مهم نیست که

۱- ممکن است کسی که به شهری علاقه دارد، در جریان انتخابات از فردی که نمی شناسد، پشتیبانی کند. این نوع پشتیبانی خطاگونه ممکن است برای او پی آمدهای ناگواری به بار آورد، زیرا اگر نامزد انتخاباتی او مناسب نباشد، وی آبروی خود را در این راه گذاشته است و چه بسا به جایگاه آینده ی خویش در آن شهر، آسیب جدی وارد کرده باشد.

۲- عقل و اعتقاد دینی، صص ۴۱۳ \_ ۴۱۴.

هندو یا بودایی به شدت منکر شخص بودن حقیقت نهایی باشد یا برعکس یک مسیحی با حرارت از شخص بودن حقیقت نهایی دفاع کند. هیک مدعی است که در این اختلاف، هیچ گونه تعارض واقعی وجود ندارد و هریک از این گفتارها تنها ویژگی های راه خود را به سوی نهایت بیان می کنند. بدین ترتیب، کثرت گرایی دینی، تفاوت میان ادیان و تعارض پیروان آن ها را نادیده می گیرد. بنابراین، هرچند از کثرت گرایی دینی به عنوان الهیات تسامح (۱) یاد می شود، ولی در حقیقت، کثرت گرایی دینی حتی نمی تواند اختلاف های واقعی ادیان را تحمل کند. خلاصه این که، کثرت گرایی دینی جان هیک، خود را به منزله ی تساهل و تسامح سنت های دینی گوناگون معرفی می کند، در حالی که برای از بین بردن تفاوت های اصلی ادیان، به قطع عضو آن ها دستور می دهد.

دلیل دیگر جذابیت نظریه ی هیک آن است که جهان را به پدید آمدن مصالحه و آشتی (۲) و کاهش تعارض میان پیروان ادیان که رنج های بی شماری را تحمل کرده اند و می کنند، امیدوار می سازد. به نظر می رسد بهترین شیوه ی پرداختن به این مسأله که با تکثر ادیان جهان پدید آمده است، آن باشد که اختلاف های نهایی حل نشدنی را تشخیص دهیم و برای تحمل و مدارا نیز انگیزه بیافرینیم. گفتنی است چنین رویکردی به ادیان جهان را در سنت اسلامی می توان یافت؛ (۳) رویکردی که در عین حقانیت اسلام، پیروان ادیان

۱- Theology of Tolerance.

۲- Reconciliation.

۳- اسلام و کثرت گرایی، صص ۸۴ و ۹۰ \_ ۹۲.

دیگر را نیز حتی اگر قاصر باشند، در بر می گیرد.

## ۱۶\_ پسا تجددگرایی پلورالیسم دینی

### ۱۶\_ پسا تجددگرایی پلورالیسم دینی

برخی منتقدان که پیتر دونوان،<sup>(۱)</sup> دیدگاه آنان را بیان و نقد کرده است، با توجه به تشابه کثرت گرایی دینی با لیبرالیسم سیاسی، هر دو را به دلیل هواداری از پسا تجددگرایی، رد می کنند. به گفته ی آنان، هر دو دیدگاه مبالغه مصالحه،<sup>(۲)</sup> سازش کاری<sup>(۳)</sup> و دست کشیدن از سنت ها هستند. برخی اندیشمندان محافظه کار مسیحی، کثرت گرایی دینی را به دلیل تضعیف کردن آموزه های تثلیث و تجسد، مردود می دانند. به باور آنان، همان گونه که لیبرالیسم سیاسی، قدرت سیاسی کلیسا را تضعیف می کند، پلورالیسم دینی نیز بنیان های آموزه های کلیسا را سست می کند.<sup>(۴)</sup>

سست کردن بنیان هایی که نهادهای دینی پیشنهاد می کنند و برای رشد معنوی انسان نقش بسزایی دارند \_ خسارتی جبران ناپذیر است که هر جامعه ای را به سوی فساد اخلاقی و... سوق می دهد. برای نمونه، اگر روابط سنتی خانوادگی و اهمیت دادن به زندگی خانوادگی سست شود، انحطاط جامعه حتمی است.

## ۱۷\_ چند انتقاد دیگر بر پلورالیسم دینی جان هیک

### ۱۷\_ چند انتقاد دیگر بر پلورالیسم دینی جان هیک

فشرده ی چند انتقاد دیگر بر کثرت گرایی جان هیک بدین قرار است:

۱\_ قوانین دین در جامعه با کاستن از اهمیت تفاوت های اعتقادی قدرت

۱- Peter Donovan.

۲- Compromise.

۳- Accommodation.

۴- اسلام و کثرت گرایی دینی، صص ۸۶ \_ ۸۸.

بایدی،<sup>(۱)</sup> قوانین دینی را تضعیف می کند.

۲\_ به کار بستن عقل را برای فهم دینی و حل اختلاف ها رد می کند، در حالی که استدلال های عقلی در سنت های مربوط به الهیات و علم در همه ی ادیان بزرگ جهان، اهمیت دارد.

۳\_ عرفان را وسیله ای برای کسب تجربه های شخصی دینی می پندارد که باورها بر اساس آن ها شکل می گیرند، در حالی که مفهوم تجربه ی دینی، ره آورد پروتستانتیسم لیبرال است که با سنت هایی هم چون اسلام بیگانه اند.<sup>(۲)</sup>

۴\_ پیش فرض کثرت گرایی دینی آن است که اخلاق جدید لیبرالیسم سیاسی درست است، در حالی که این نکته با سنت های اخلاقی ادیان جهان آن چنان که قرن ها می پنداشتند، سازگاری ندارد.

۵\_ این فرض که حقیقت نهایی کاملاً قابل درک و شناخت نیست و دیدگاهی که تجربه ی دینی و فهم دینی را کاملاً ساخته و پرداخته ی انسان می داند، با امکان وحی حقیقی ناسازگارند.<sup>(۳)</sup>

#### ۱- Prescriptive Force

۲- این در حالی است که اصطلاح «تجربه ی دینی» در آثار هیچ یک از عرفای اسلامی به چشم نمی خورد.

۳- اسلام و کثرت گرایی دینی، ص ۹۱.

## فصل دوم: نقد درون دینی پلورالیسم

### اشاره

فصل دوم: نقد درون دینی پلورالیسم

در این فصل، پلورالیسم دینی از دیدگاه خاتم ادیان \_ اسلام \_ نقد و بررسی می شود.

### پلورالیسم دینی حقانیت

### اشاره

پلورالیسم دینی حقانیت

زیر فصل ها

۱ \_ اسلام عام و اسلام خاص

۲ \_ اسلام، ناسخ بدون نسخ

۳ \_ جهان شمولی اسلام و قرآن

۴ \_ فراخوان همگانی به اسلام خاص

۵ \_ تحریف ادیان

۶ \_ مصون ماندن قرآن از تحریف

۷ \_ جاده ی مستقیم الهی

۸ \_ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر

۹ \_ پلورالیسم؛ راهی به سوی دین بشری

۱۰ \_ پلورالیسم و الهیات عقلانی \_ و حیانی

۱ \_ اسلام عام و اسلام خاص

۱\_ اسلام عام و اسلام خاص

از نظر قرآن، دین خدا از آدم تا خاتم یکی است و همه ی پیامبران صاحب شریعت و غیر صاحب شریعت، مردم را به یک مکتب فرا می خواندند. پس اصول مکتب پیامبران که دین نامیده می شود، یگانه است. شریعت ها در دو زمینه، اختلاف و تفاوت داشتند:

۱\_ مسایل فرعی که بر حسب مقتضیات زمان، محیط و مردم تفاوت داشته است.

۲\_ آموزه ها که پیامبران به تناسب رشد تدریجی جامعه ها و مردم، شریعت را عرضه می کردند. پس بشر در مکتب پیامبران، از اولین تا آخرین کلاس، مشق اسلام می کرد و این، تکامل دین است نه اختلاف ادیان. قرآن نیز هیچ گاه واژه ی «دین» را به صورت جمع (ادیان) نیاورده است. افزون بر آن، پیامبران پیشین، به آمدن پیامبران لاحق بشارت می دادند و پیامبران پسین، پیامبران پیشین را تأیید و تصدیق می کردند. بنابراین، واژه ی اسلام بهترین معرف برای ماهیت و حقیقت دین است:

ان الدین عندالله الاسلام. (۱)

دین نزد خداوند، اسلام است.

هم چنین در قرآن آمده است:

ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما. (۲)

ابراهیم نه یهود و نه نصرانی، بلکه حق جو و مسلم بود.

حقیقت دین نزد خداوند متعال، اسلام یعنی خضوع و تسلیم الی الله در گفتار و کردار است. اگرچه ادیان از نظر کمی و کیفی با همدیگر تفاوت داشته اند، ولی همه ی آن ها در تسلیم الی الله بودن، مشترک بوده اند. بنابراین، اگر اسلام را در آیه ی «ان الدین عندالله الاسلام» به معنای اصطلاحی نگیریم و به معنای لغوی آن؛ یعنی «تسلیم» بدانیم، اسلام، عام است و همه ی ادیان الهی در برابر اوامر الهی کاملاً تسلیم بوده اند. البته حقیقت تسلیم در هر زمانی، شکلی داشته است که اینک شکل آن، همان دین اسلام است که به دست حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم ظهور یافته است. لازمه ی تسلیم شدن در برابر خدا، عمل به دستورهای اوست و عمل به آخرین دستور او \_ همان دست آورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از اولویت برتری برخوردار است.

خداوند در قرآن می فرماید:

وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

و هر کس جز اسلام، دینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در جهان دیگر در

۱- آل عمران، ۱۹.

۲- آل عمران، ۶۷.



شمار زیان کاران خواهد بود. (۱)

پس اسلام به معنای خاص، ناظر به آخرین تقریر الهی در میان شریعت هاست؛ یعنی در عصر حاضر، مصداق اسلام عام، اسلام خاص و اسلام محمدی صلی الله علیه و آله وسلم است. بنابراین، امروزه سخن گفتن از همسانی اسلام با شریعت های دیگر در حقانیت و رستگاری، بی جاست.

اسلام عام و اسلام خاص در قرآن

با نگاهی گذرا به قرآن، به ویژگی ها و پی آمدهای جالب توجه اسلام عام و اسلام خاص برمی خوریم که در این نوشتار، به موارد مهم آن اشاره می شود.

## اسلام عام

### ویژگی ها

۱- تسلیم در برابر خدای واحد

مبنای اسلام عام که جامع ادیان ابراهیمی است، تسلیم مطلق بنده در پیشگاه ربوبی است. (۲)

۲- نفی شرک

پذیرش اسلام و تسلیم در برابر ذات حق به معنای نفی شرک است. (۳)

۳- توجه به سوی خدا

پایه و اساس ایمان و اسلام در هر دین آسمانی، توجه به سوی خداوند تبارک و تعالی است. (۴)

۴- کمال تقوا

۱- آل عمران، ۸۵.

۲- انعام، ۷۱؛ لقمان، ۲۲؛ المیزان، برگردان: موسوی همدانی، ج ۷، صص ۲۰۶ \_ ۲۰۷.

۳- انعام، ۱۶۲؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۶۲.

۴- بقره، ۱۱۲؛ المیزان، ج ۱، ص ۳۸۹.

اسلام به معنای تقوای کامل از خدا و کمال پرهیزکاری است. (۱)

#### ۵\_ یگانگی خدا

اسلام به معنای عام و قرآنی آن، همه ی ادیان آسمانی از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله وسلم به ویژه ادیان ابراهیمی را دربرمی گیرد. قرآن، خدای همه ی این ادیان را واحد می شمارد (۲) و با پذیرش تعدد و تنوع مناسک دینی، بر واحد بودن خدای ادیان بزرگی هم چون یهود، مسیحیت و اسلام تأکید می کند. (۳)

#### ۶\_ ایمان به همه کتاب های آسمانی

در اسلام، بر ایمان به قرآن در کنار ایمان به کتاب های پیشین مانند: زبور، تورات و انجیل، تأکید شده است. (۴)

#### ۷\_ ایمان به همه ی پیامبران الهی

اسلام به معنای عام و قرآنی کلمه، اعتقاد به همه ی پیامبران آسمانی از زمان آدم ابوالبشر علیه السلام تا محمد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم را دربرمی گیرد. (۵)

#### ۸\_ بهترین دین

قرآن، اسلام را بهترین دین و روی آوردن به خدا و پیروی از کیش و آیین ابراهیم را بهترین روش می داند. (۶)

#### ۹\_ دین برپا و استوار

قرآن، دین اسلام را ثابت، پایدار و استوار معرفی می کند. (۷)

#### ۱۰\_ اسلام؛ دین پیامبران

۱- آل عمران، ۱۰۲؛ المیزان، ج ۳، ص ۵۷۱.

۲- بقره، ۱۳۲ - ۱۳۳؛ المیزان، ج ۱، صص ۴۶۱ - ۴۶۲.

۳- حج، ۳۴؛ و تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۲، اعراف ۵۹ - ۱۰۰ و تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۱۸؛ عنکبوت، ۴۶.

۴- بقره، ۵، آیات افتتاحیه و آیات ۴۱، ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۱۰۱ و ۱۳۶.

۵- نساء، ۲۵ و ۱۳۶.

۶- نساء، ۱۲۵.

۷- بینه، ۵؛ علامه در المیزان ج ۲۰، ص ۵۷۶ افزون بر معنای عام به معنای خاص نیز معنا کرده است.

بر اساس آموزه های قرآنی، دین پیامبران، اسلام به معنای عام بوده است:

نوح مسلمان

قرآن از زبان نوح علیه السلام می فرماید:

مأمور شده ام که در شمار مسلمانان باشم. (۱)

در این جا اسلام به معنای عام کلمه؛ یعنی تسلیم در برابر خداوند و نفی شرک و الحاد است.

ابراهیم و اسماعیل مسلمان

قرآن می فرماید:

مسلمانی و بر دین مبین اسلام مردن، خواست ابراهیم و اسماعیل بوده است. (۲)

هم چنین در جایی دیگر بر اسلام بودن دین حضرت ابراهیم علیه السلام، تأکید می کند. (۳) حتی بر خلاف ادعای یهود و نصاری به صراحت اعلام می دارد که دین حضرت ابراهیم، دین حنیف، اسلام بوده و او یهودی و نصرانی نیست. (۴) هم چنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و پیروان آن حضرت را نزدیک ترین و سزاوارترین مردم در پیروی از ابراهیم نبی علیه السلام معرفی می کند. (۵)

موسای مسلمان

قرآن کریم، حضرت موسی علیه السلام را مسلمان معرفی می کند. (۶)

یوسف مسلمان

قرآن مجید، سخنانی را از حضرت یوسف علیه السلام نقل کرده است که بر

---

۱- یونس، ۷۲.

۲- بقره، ۱۲۸.

۳- بقره، ۱۳۰ - ۱۳۱.

۴- آل عمران، ۶۷.

۵- آل عمران، ۶۸.

۶- یونس، ۸۴ و ۹۰.

مسلمان بودن او دلالت دارد. (۱)

عیسای مسلمان

خداوند در قرآن، از زبان حواریون عیسی که خود را مؤمن به خدا و مسلمان و پیرو راه عیسی علیه السلام می دانند، ایشان را مسلمان معرفی می کند. (۲)

۱۱\_ بهترین گفتار

قرآن، خود را بهترین گفتار و کتاب الهی می داند (۳) و توضیح می دهد که بهترین گفتار، همان دعوت به خدا و عمل صالح؛ یعنی اقرار به اسلام است. (۴)

۱۲\_ فراخوان همگانی به اسلام

خداوند در قرآن، همگان را به اسلام فرا می خواند. (۵)

۱۳\_ فقط مسلمان، گوش شنوا دارد

خداوند در قرآن، کسی را که به آیات او ایمان دارد و تسلیم اوست، دارای گوش شنوا می داند. (۶)

۱۴\_ پذیرش اسلام؛ اراده ی الهی است.

خداوند در قرآن تصریح می کند که هر کس را بخواهد، هدایت می کند و دلش را برای پذیرش اسلام می گشاید. (۷)

## اسلام خاص

### الف\_ ویژگی ها

۱\_ دین اسلام؛ صراط مستقیم

۱- یوسف، ۱۰۱.

۲- آل عمران، ۵۲؛ مائده، ۱۱۱.

۳- زمر، ۵۵.

۴- فصلت، ۳۳.

۵- بقره، ۲۰۸؛ زمر، ۵۲ \_ ۵۳.

٦- نمل، ٨١؛ روم، ٥٢.

٧- انعام، ١٢٥؛ زمر، ٢٢.

قرآن، دین پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را صراط مستقیم می خواند:

إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (۱)

در حقیقت، این تویی که آنان را به راه راست فرا می خوانی.

یا:

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (۲)

همانا تو از پیامبرانی، بر راهی راست.

در تعریف صراط مستقیم نیز چنین آورده است:

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (۳)

[صراط مستقیم] راه کسانی [است] که به آنان نعمت دادی [مانند انبیا، اولیا، شهدا و صدیقین] نه کسانی که بر آنان خشم کردی و نه گمراهان.

۲\_ اسلام؛ حق مبین

حقانیت دین اسلام کاملاً آشکار است. (۴)

۳\_ دین اسلام؛ وسیله ی رستگاری

خداوند در قرآن می فرماید:

کسانی که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند و به آن چه بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده است، ایمان آورند، خداوند، گناهان شان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند. (۵)

## ب: کتاب دین اسلام

۱\_ قرآن، کتاب حق

---

۱- مؤمنون، ۷۳.

۲- یس، ۳\_ ۴.

٣- حمد، ٧؛ فتح، ٢؛ زخرف، ٤٣.

٤- نمل، ٧٩.

٥- محمد صلى الله عليه و آله وسلم، ٢.

خداوند، قرآن را حق می‌شمارد و اختلاف‌کنندگان در آن را در ستیزی طولانی می‌داند. (۱)

۲\_ قرآن، پیراسته از تناقض (۲)

پس از گذشت ۱۴ قرن از زمان نزول قرآن هنوز اختلاف و تناقضی در آن یافت نشده است. این در حالی است که تناقض‌های فراوانی در کتب مقدس به دست آمده است. در بخش پایانی تحریف ادیان به بخشی از این تحریف‌ها اشاره خواهیم کرد.

### ج: پیامبر دین اسلام

۱\_ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؛ آخرین پیامبر (۳)

تاریخ ادیان الهی گواهی می‌دهد که پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، پیامبر آسمانی دیگری نیامده است و همه‌ی مدعیان این عنوان، دروغ‌گویانی بیش نبوده‌اند.

۲\_ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؛ پیامبر همه‌ی انسان‌ها. (۴)

حق تعالی می‌فرماید:

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده‌ی خود، فرقان [= کتاب جداکننده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان، هشدار دهنده باشد.

۳\_ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؛ پیرو راه ابراهیم علیه السلام

خداوند می‌فرماید:

ای پیامبر! به تو وحی کردیم که از کیش ابراهیم حنیف پیروی کن. (۵)

۱- بقره، ۱۷۶.

۲- نساء، ۸۲؛ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ، وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ إِخْتِلَافًا كَثِيرًا.

۳- احزاب، ۴۰.

۴- فرقان، ۱.

۵- نحل، ۱۲۳.



۴\_ آمدن نام و نشانی محمد صلی الله علیه و آله وسلم در عهدین

خداوند فرموده است:

کسانی که از فرستاده ی خدا، پیامبر امّی پیروی می کنند، پیامبر را می یابند که صفاتش در تورات و انجیلی که نزدشان هست، وجود دارد... کسانی که به او ایمان آوردند و به او یاری رساندند و از نوری که با او نازل شده است، پیروی کردند، رستگارانند. (۱)

به یقین، اگر در تورات و انجیل زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این مطلب، مکتوب و معلوم نبود، یهود و نصاری زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به این ادّعی قرآن اعتراض می کردند. (۲)

افزون بر آن، پژوهش های تاریخی نشان می دهد که برخی از آنان هنگام ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، خود را برای حضور او، آماده کرده بودند و برخی به رسالت او اعتراف داشتند!

با توجه به این مباحث، نتیجه می گیریم که اسلام تنها دین قابل تمسک است و تنها این دین می تواند نجات و رستگاری انسان ها را فراهم سازد. بنابراین، پیروی از ادیان یا کتاب های دیگر، منحرف شدن از صراط مستقیم است.

## ۲\_ اسلام، ناسخ بدون نسخ

۲\_ اسلام، ناسخ بدون نسخ

با ظهور اسلام، زمان حقانیت شریعت های پیشین به سر آمده و خداوند بر اساس مصالح و مقتضیات از مردم خواسته است به شریعت جدید بگروند. این دعوت که حتی پیروان دیگر ادیان را دربرمی گیرد، گونه ای نسخ ادیان

۱- اعراف، ۱۵۷.

۲- در آمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، عبدالرحیم گواهی، صص ۱۹۲ \_ ۲۰۷.

پیشین است.

نسخ در لغت به معنای ازاله و ابطال است. (۱) و معنای اصطلاحی نسخ با معنای لغوی آن، متفاوت است؛ زیرا حکم به بطلان آن چه از سوی خداوند صادر می گردد، محال است. پس مقصود از نسخ شریعت، نابودی و نفی حقانیت شریعت پیشین نیست، بلکه منظور ما، سرآمدن زمان اعتبار و حقانیت آن است. علامه طباطبایی می گوید:

نسخ، بیان پایان یافتن زمان (اعتبار) یک حکم است نه ابطال آن. (۲)

بنابراین، چنین نسخی از ناحیه ی خداوند نه تنها ممکن، بلکه با در نظر گرفتن جنبه های گوناگون متفاوت بودن ظرفیت های مردم و شرایط زمانی و مکانی، امری نیکو برای خداوند علیم و حکیم بوده و لطف الهی در حق بندگان به شمار می آید. خداوند می فرماید:

ما هر حکمی را نسخ کنیم و یا (نسخ) آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم. (۳)

گفتنی است نسخ در قوانین الهی وجود دارد، نه به دلیل نقض قانون، بلکه برای رعایت مقتضیات زمان. نسخ شریعت پیشین به معنای نسخ همه ی احکام عملی و فقهی آن نیست، بلکه کمیت آن با مقتضیات زمان و مخاطبان، دگرگون می شود که خداوند، آن را به وسیله ی سفیرانش به مردم می رساند. از این رو، دروغ پنداشتن ادیان پیشین، دیدگاهی جاهلانه بوده و

- ۱- قاموس قرآن، سیدعلی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، چ ۱۳، ج ۷، ص ۵۳؛ معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹، چ ۳، ج ۱۰، ص ۱۲۸.
- ۲- المیزان، سیدمحمدحسین طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۵۲ والنسخ بیان انتهاء أمدالحکم و لیس بابطال
- ۳- بقره، ۱۰۶.

پیروی از شریعت اسلام خاص به جای ادیان الهی پیشین بر ما واجب است؛ زیرا در عصر کنونی، همه ی ویژگی های مثبت و تحریف نشده ی ادیان پیشین در آخرین دین الهی وجود دارد. بدین سان پیروی از شریعت های پیشین، عقلانی و شرعی نیست تا چه رسد به این که آن ها را از حقانیت و رستگاری یکسانی نیز برخوردار بدانیم.

ناسخ بودن اسلام در آیات و روایات

خداوند می فرماید:

این کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتاب های پیشین را تصدیق می کند و حافظ و نگهبان آن هاست. [\(۱\)](#)

قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی با تصدیق اصل کتاب های آسمانی پیشین در برداشتن اصول و معارف حقه ی آن ها، گونه ای هیمنه و حکومت بر کتاب های پیشین دارد. این معنی را در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم می توان دید. ایشان می فرماید:

همانا خداوند \_ که عزت و جلالش پایدار باد \_ کتاب مرا بر کتاب های آسمانی پیشین، حاکم و ناسخ قرار داده است. [\(۲\)](#)

یکی از معصومین علیه السلام نیز نسخ شریعت های پیشین را از ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می داند:

از ویژگی های آن حضرت این است که خداوند با شریعت او،

۱- مائده، ۴۸: «و أنزلنا إليك الكتاب بالحقّ مصدّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهِمِّنَا عَلَيْهِ». مهیمن به معنای شاهد، حافظ،

مراقب، امین، مسلط و حاکم به کار رفته است. نک: قرآن و پلورالیسم، ص ۳۶.

۲- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۲۹ و ج ۹، ص ۲۹۲؛ «انّ الله عزّوجل جعل کتابی المهیمن علی کُتُبهم النَّاسخ لها».

شریعت های پیشین را نسخ کرد. این در حالی است که شریعت او نسخ پذیر نیست. (۱)

هم چنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

همانا من برای شما یک کتاب سفید (نورانی) و پاک آوردم. به خدا سوگند! اگر موسی زنده بود، چاره ای جز پیروی از من نداشت. (۲)

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

اسلام، روشن ترین راه ها و جاده هایش درخشان (است). (۳) (خداوند) با فرستادن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، شریعت های ناشناخته را شناساند و بدعت های راه یافته در ادیان آسمانی را ریشه کن کرد و احکام و مقررات الهی را بیان فرمود. به یقین، هر کس جز اسلام دینی را برگزیند، شقاوت او، ثابت و پیوند او با خدا، گسسته و سقوطش، سهمگین خواهد بود. (۴) همانا اسلام، دین الهی است که خداوند آن را برای خود برگزید و با دیده ی عنایت پرورانه و بهترین آفریدگان خود را مأمور ابلاغ آن قرار داد... ادیان و مذاهب گذشته را با عزت آن، خوار کرد و با سربلند کردن آن دیگر ملت ها را بی مقدار ساخت و با محترم داشتن آن، دشمنان را خوار گردانید... با نیرومند ساختن آن، ارکان گمراهی را درهم کوبید و تشنگان را از چشمه ی زلال آن سیراب کرد و آبگیرهای اسلام را از آب سرشار ساخت. خداوند،

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، صص ۳۳۶ و ۴۱۴: «و من جلاله قدره ان الله نسخ بشریعته سائر الشرایع و لم ینسخ شریعته».

۲- مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۰۶.

۴- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶۱.

اسلام را به گونه ای استحکام بخشید که پیوندهایش ننگسند و زوال در پایه هایش راه نیابد... زمانش پایان نگیرد و قوانینش کهنگی نپذیرد... پیمودن راهش دشوار نباشد، تیرگی در روشنایی آن داخل نشود و راه راست آن کجی نیابد. خداوند، نهایت خشنودی خود را در اسلام قرار داده و بزرگ ترین ستون های دینش و بلندترین قله ی اطاعت او در اسلام جای گرفته است. (۱)

برخی آیات نیز به صورت ضمنی و التزامی بر تکامل، برتری و حقانیت اسلام دلالت می کند، مانند:

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه ی آیین ها چیره گرداند، هرچند مشرکان، کراهت داشته باشند. (۲)

خداوند در قرآن، اسلام را بهترین ادیان خوانده است؛ زیرا می گوید بهترین نوع دین داری آن است که از نظر اعتقادی، مسلمان و از نظر رفتاری، نیکوکار بوده و این دو در کنار هم جمع شوند. (۳) هم چنین در جای دیگری از قرآن اعلام می کند که مجموعه ی اصول و احکامی که بر نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و دیگر پیامبران الهی وحی شده، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز وحی شده و در قرآن آمده است. (۴)

بدین سان می توان نتیجه گرفت که اسلام، دارنده ی همه ی کمال های ادیان پیشین است. پس عقل حکم می کند به دین اسلام، روی آوریم نه

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۹۸.

۲- توبه، ۳۳.

۳- رک: نساء، ۱۲۵.

۴- نک: شورا، ۱۳.

ادیان دیگر که هر کدام بخشی از کمال مورد نظر خداوند را دارا هستند.

### ۳\_ جهان شمولی اسلام و قرآن

#### الف \_ محمد صلی الله علیه و آله وسلم ؛ پیامبر همگان

قرآن در آیات بسیاری، اسلام را به عنوان دین هدایت گر جهانی و پیامبر آن، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را رسول الهی برای همه مردم بر می شمارد. از جمله فرموده است:

ما تو را به عنوان رسول به سوی مردم فرستادیم و گواهی خدا در این باره کافی است. (۱)

یا:

بگو: ای مردم! من برای شما بیم دهنده ی آشکاری هستم. (۲)

و:

بگو: ای مردم! من فرستاده ی خدا به سوی همه ی شما هستم. (۳)

هم چنین آمده است:

ما تو را جز برای همه ی مردم نفرستادیم تا (آنان را به پاداش های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۴)

«ال» در کلمه ی «الناس» در هر چهار آیه بر عموم انسان ها دلالت می کند، نه عده ای خاص هم چون مسلمانان. در دو آیه ی آخر افزون بر الف و لام، ادات عموم «جمیعا و کافه» نیز برای تأکید بر شمول گرایی رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آمده است. بدین سان اهل کتاب از این عموم جدا نیستند و

۱- نساء، ۷۹: «أرسلناک للناس رسولا و کفی باللّه شهيدا».

۲- حج، ۴۹: «قل یا ایّها الناس إنّما انالکم نذیر مبین».

۳- اعراف، ۱۵۸: «قل یا ایّها الناس انّی رسول الله الیکم جمیعا».

۴- سبأ، ۲۸: «و ما ارسلناک الا کآفّه للناس بشیرا و نذیرا و لکن اکثر الناس لا یعلمون».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، پیامبر همه ی جهانیان حتی اهل کتاب به شمار می رود. به دیگر سخن، رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بر رسالت و ادیان دیگر سایه می افکند و حقانیت آنان در پیشگاه اسلام رنگ می بازد.

## ب\_ قرآن؛ کتاب آسمانی همگان

### اشاره

قرآن افزون بر این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را پیامبر جهانی معرفی می کند، خود را نیز کتاب جهانی یعنی برای همه ی انسان ها با هر گونه گرایش می داند.

### ۱\_ قرآن؛ بیانی برای همه مردم

خداوند می فرماید:

این (قرآن) بیانی است برای همه ی مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران. (۱)

خداوند در این آیه، با ظرافت می گوید که قرآن برای پرهیزکاران از هر قوم و مشربی باشند، افزون بر بیان بودن، جنبه ی هدایت و موعظه نیز دارد.

### ۲\_ قرآن؛ ذکر جهانیان

قرآن در سوره های گوناگونی، با صراحت، خود را تذکری برای همه ی مردم جهان معرفی می کند: (۲)

ان هُوَ الْاَذْکُرُ لِلْعَالَمِیْنَ.

### ۳\_ قرآن؛ موعظه گر و شفادهنده ی مردم

در قرآن آمده است:

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آن چه در سینه هاست. (۳)

۱- نساء، ۱۷۴: «یا ایّها النَّاسُ قد جاءکم برهان من ربکم و أنزلنا الیکم نورا مبینا».

۲- ابراهیم، ۵۲: «هذا بلغ للناس و لینذروا».

۳- یونس، ۵۷: «یا ایّها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور».

**۴\_ قرآن؛ پیامی برای همه**

این (قرآن) پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است تا همه به وسیله ی آن انداز شوند. (۱)

**۵\_ قرآن؛ دلیلی روشن برای همه**

ای مردم! دلیل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آمد و نور آشکاری به سوی شما فرو فرستادیم. (۲)

از این گونه آیات برمی آید که قرآن، همه ی مردم با هر گونه گرایش دینی \_ فکری را دربرمی گیرد. پس نمی توان عده ای را استثناء کرد یا آن را به عده ای خاص از پیروان سنت های دینی استناد داد؛ زیرا همه ی این آیات به صورت عموم و مطلق آمده اند و تخصیص و تقييد آن ها بر خلاف ظاهر آیات و نص آن هاست. به اصطلاح، ظواهر آیات از تخصیص و تقييد خودداری می کنند. بدین سان، کثرت گرایی دینی که خود را تفکری آزاد نسبت به سنت های دیگر معرفی می کند، با منطوق و مفهوم قرآن ناسازگار است.

**۴\_ فراخوان همگانی به اسلام خاص****الف \_ فراخوان همگانی قرآن به اسلام**

خداوند، دین اسلام را مجموعه ی اصول و احکامی توصیف می کند که به نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و دیگر پیامبران الهی وحی شده است (۳) و آن را یگانه دین آسمانی می داند که همه ی پیامبران و کتاب های پیش از خود را قبول دارد. هم چنین قرآن را مصدق و هم آهنگ با کتاب های پیش از آن \_

۱- یوسف، ۱۰۴؛ قلم، ۵۲؛ تکویر، ۲۷.

۲- آل عمران، ۱۳۸: «هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقين».

۳- شورا، ۱۳؛ بقره، ۴۱، ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۱۰۱ و ۱۳۶.



تورات و انجیل \_ می داند (۱) و اسلام را بهترین ادیان (۲) و امت اسلام را بهترین امت ها (۳) معرفی می کند.

خداوند با این ویژگی هایی که برای اسلام برمی شمارد، در فراخوانی همگانی، خطاب به مؤمنان در همه ی دوران ها می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی درآید (یعنی تسلیم خدا شوید). (۴)

سپس از اهل کتاب می خواهد که به قرآن ایمان آورند:

ای کسانی که برای شما کتاب آسمانی فرستاده شد! به قرآنی که فرستادیم، ایمان آورید؛ (قرآنی) که مصدق تورات و انجیل شماست. (۵)

افزون بر آن، امیدوار کننده ترین سخن را در «عفو و بخشش همه ی گناهان و نفی و نومیدی» پیش روی انسان ها می گذارد و همه را به توبه و اسلام و تسلیم در برابر خود فرا می خواند. (۶) آن گاه اظهار می دارد:

اگر اهل کتاب (به آیین اسلام و برنامه های آن) ایمان آورند، برای آنان بهتر است. (۷)

هم چنین می گوید:

اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان شان را می بخشیم و آنان را به باغ های پر نعمت بهشت، راه می دهیم. (۸)

۱- فاطر، ۳۱.

۲- نساء، ۱۲۵.

۳- آل عمران، ۱۱۰؛ بقره، ۱۴۳.

۴- بقره، ۲۰۸: «یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کآفہ».

۵- نساء، ۴۷.

۶- زمر، ۵۳ و ۵۴.

۷- آل عمران، ۱۱۰.

۸- مائده، ۶۵.

خداوند درباره ی اهل کتاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین دستور می دهد:

به اهل کتاب و بی سوادان (مشرکان) بگو: آیا شما اسلام آورده و تسلیم شده اید؟ اگر (در برابر فرمان و منطق حق) اسلام آورند و تسلیم شوند، هدایت می یابند و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش؛ زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است و خدا نسبت به (رفتار و پندار) بندگان بیناست. (۱)

هرچند هر قومی، مناسک و اعمال ویژه ای برای خود دارد و آن اعمال را نیز خداوند برای آنان مقرر داشته است، ولی اینک آنان باید به اسلام روی آورند:

برای هر امتی، منسک و عبادتی قرار دادیم تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند. پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند. آنان را به سوی پرورگارت فرا بخوان. (۲)

قرآن چندین بار با صراحت، اهل کتاب را به اسلام فرا می خواند. (۳) بنابراین، نمی توان همه ی این خطاب ها به مسیحیت و یهود را توجیه و بردین خودشان حمل کرد؛ زیرا با ظهور آیات، منافات دارد. پس باید پذیرفت که نظر اسلام و قرآن، پذیرش و پیروی همه ی انسان ها حتی اهل کتاب از اسلام در همه ی دوران ها است.

در تاریخ بشر، قوانین متفاوتی از سوی خداوند آمده، ولی در حال حاضر تنها به پیروی از اسلام محمدی صلی الله علیه و آله وسلم دستور داده شده است که لازمه ی آن نیز باور داشتن توحید، نبوت و معاد است:

۱- آل عمران، ۲۰.

۲- حج، ۶۷: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا... وَ ادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٌ».

۳- خطاب به اهل کتاب: آل عمران، ۶۴، ۷۰ و ۹۸؛ نساء، ۴، ۴۷ و ۱۷؛ مائده، ۱۵ و ۷۷؛ خطاب به یهودیان: جمعه، ۶.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب‌هایی که پیش‌تر نازل گردیده است، بگروید و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت، به گمراهی دور و درازی دچار شده است. (۱)

### ب \_ گرفتن میثاق از پیامبران در پیروی از اسلام

دلیل قرآنی دیگر بر رد پلورالیسم دینی این است که خداوند پیش از ظهور اسلام، از پیامبران و پیروان‌شان، پیمان گرفته بود که پس از اعلام موجودیت دین اسلام به رهبری محمد صلی الله علیه و آله وسلم، به دین او بگروند و در یاری او بکوشند. به گفته ی قرآن، چنان‌چه کسی چنین نکند، از فاسقان خواهد بود:

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند از پیامبران (و پیروان آنان)، پیمان مؤکد گرفت که هرگاه کتاب و حکمتی به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آن‌چه را با شماست، تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. سپس (خداوند) به آنان گفت: آیا به این موضوع، اقرار دارید و بر آن پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: آری، اقرار داریم. خداوند به آنان گفت: پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهانم. پس کسی که پس از این (پیمان محکم) روی گرداند، فاسق است. آیا آنان غیر از آیین خدا را می‌طلبند؟ (آیین او همین اسلام است) و همه ی کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیم‌اند و همه به سوی او باز گردانده می‌شوند. (۲)

### ج \_ فراخوان همگان به اسلام در سیره ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

دلیل دیگر بر فراخوان همگانی اسلام، این است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در آغاز دعوت به اسلام، افزون بر دعوت مردم جزیره العرب، نامه‌هایی را به قدرت‌های بزرگ آن روزگار نوشت که از پیروان اهل کتاب بودند و

۱- نساء، ۱۳۶.

۲- نامه ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به کسری، پادشاه ایران: «به نام خداوند بخشنده ی مهربان. از محمد، فرستاده ی خدا به کسری، بزرگ فارس. سلام بر کسی که پیرو هدایت باشد و خدا و رسول او را تصدیق کند و به لا اله الا الله وحده لا شریک و ان محمدا عبده و رسوله گواهی بدهد. تو را به سوی خداوند فرا می‌خوانم. همانا من فرستاده ی خدا به سوی همه ی انسان‌ها هستم». نامه به مقوقس: «به نام خداوند بخشنده ی مهربان. از محمد فرزند عبدالله به مقوقس، بزرگ قبط. سلام بر کسی که پیرو هدایت باشد. همانا من تو را به اسلام فرا می‌خوانم. اسلام آر تا سلامت بمانی». نامه به نجاشی: «... همانا من تو را به توحید و نفی شرک و پذیرش ولایت خدا فرا می‌خوانم. هم چنین از تو می‌خواهم از من پیروی کنی و به آیین من ایمان آوری؛ زیرا من فرستاده ی خدا هستم». نامه به اسقف نجران: «به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب. از

محمد، فرستاده ی خدا به اسقف نجران، دین اسلام را بپذیرید.» مکاتب الرسول، علی الاحمدی المیانجی، الجزء الثانی، صص ۳۱۶، ۳۲۰، ۴۱۷، ۴۵۵ و ۴۸۹.

آنان را به دین مبین اسلام فرا خواند. (۱)

پیامبر اسلام، سفیرانی را به ایران، روم، مصر و حبشه فرستاد و دعوت خود را جهانی ساخت. این نکته نشان می دهد که دین اسلام به مردم عربستان محدود نیست، بلکه به همه ی انسان ها تعلق دارد و همه باید به آن بگروند. به همین دلیل، پس از ظهور شریعت اسلام از شریعت های دیگر نباید پیروی کرد؛ (۲) زیرا همان خداوندی که ادیان پیشین را فرستاد، اسلام را فرستاده است. بر اساس دستور خداوند در قرآن و سیره ی پیامبر، زمان پیروی از شریعت های پیشین به پایان رسیده است؛ یعنی پلورالیسم دینی در برابر صراحت آخرین وحی الهی، بی معنا بوده و با آن ناسازگار است.

## ۵- تعریف ادیان

### اشاره

- 
- ۱- در این زمینه به نامه ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به زید بن جهور؛ حاکم مسیحی می توان اشاره کرد که پیامبر بر نسخ ادیان پیشین و پایان یافتن زمان حقانیت آن ها تأکید می کند: «فَلْيُؤْذِعَنَّ كُلَّ دِينٍ دَانَ بِه النَّاسُ إِلَّا الْإِسْلَامَ؛ مردم باید از هر دینی که بدان پای بند بودند دست بردارند جز آیین اسلام». مکاتیب الرسول، ج ۲، صص ۴۸۰ \_ ۴۸۲.
- ۲- آل عمران، ۸۱ \_ ۸۳.

آیات فراوانی در قرآن، بر تحریف (۱) ادیان یهودیت و مسیحیت صحنه می گذارند. اینک آن ها را برمی شماریم:

### الف \_ بی سوادى اهل کتاب و فراموشى کتاب خدا

در قرآن چنین آمده است:

و گروهی از اهل کتاب، عوامان و بی سوادانی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت پندار و آرزو نمی دانند و تنها به پندارهایشان دل بسته اند. پس وای بر آنان که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: این از سوی خداست تا آن را با بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنان از آن چه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آن چه از این راه به دست می آورند. (۲)

اهل کتاب به جای این که دانش، دلیل و منطق را در مقابل حقانیت اسلام، پیشه کنند، با خیال و وهم به مبارزه با رسول الله پرداختند.

### ب \_ دروغ بستن یهود به خداوند

قرآن می فرماید:

در میان آنان (یهود) کسانی هستند که هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید (آن چه را می خوانند) از کتاب است، در حالی که از کتاب نیست (و با صراحت) می گویند: آن از سوی خداست با این که از سوی خدا نیست و به خدا دروغ

۱- در «دلالت قرآن بر وقوع تحریف لفظی و معنوی در کتاب مقدس»، اختلاف نظر وجود دارد و اندیشمندان در وجود تحریف معنوی در کتاب مقدس از دیدگاه قرآن هم نظر هستند. البته هر دو نظریه را به این صورت می توان جمع کرد: نظریه ای که مدعی دلالت قرآن بر تحریف لفظی کاهش، افزایش و جابه جایی کلمات کتاب مقدس است، به کتاب مقدس عصر رسالت و سده های پیشین آن دلالت دارد که همان دست نوشته های جعلی و ناقص و ترجمه ها را دربرمی گیرد. مراد نظریه ی دوم که مدعی دلالت نداشتن قرآن بر تحریف و چه بسا ظهور برخی آیات بر تحریف نشدن است، اصل تورات و انجیل است که نسخه های اصلی آن در همان ابتدای مسیحیت ناپدید شده است. در نتیجه، هر دو نظریه در این نکته مشترک اند که کتاب مقدس کنونی به پیامبران شان منتسب نیست و غیر اصیل و غیر خالص و در یک کلام، تحریف شده اند.

۲- بقره، ۷۸ و ۷۹.

می بندند، در حالی که می دانند (۱)

نکته ی قابل توجه آن است که آنان با آگاهی کامل و از روی غرض ورزی، به کتاب الهی، نسبت دروغ می دهند و آن را تحریف می کنند. اگر چنین غرض ورزی در تحریف و دروغ بستن به آیات الهی در میان برخی یهودیان جریان داشته است، چگونه می توان به شریعت ایشان اعتماد کرد و آن را به عنوان دین رستگاری بخش پذیرفت؟!

### ج \_ افترا بستن اهل کتاب به خداوند

برخی اهل کتاب، آیات و احکامی به دلخواه خود می نوشتند و آن را بر مردم تحمیل می کردند. (۲)

این کار مصداق برجسته ی تهمت بستن به خداوند است چنان که خداوند آشکارا با افترا زندگان و غُلُو کنندگان درباره ی مقام عیسی علیه السلام برخورد می کند و می فرماید:

ای اهل کتاب! در دین خود غُلُو (و زیاده روی) نکنید و درباره ی خدا جز حق نگوئید. مسیح عیسی بن مریم علیه السلام تنها فرستاده ی خدا و کلمه (و مخلوق) اوست که او را به مریم القا کرد و روحی (شایسته) از سوی او بود. بنابراین، به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگوئید: (خداوند) سه گانه است. (از این سخن) خودداری کنید؛ که برای شما بهتر است. خدا، تنها معبود یگانه است. او منزّه است که فرزندی داشته باشد، (بلکه) از آن اوست، آن چه در آسمان ها و در زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آن ها، خداوند کافی است. (۳)

۱- آل عمران، ۷۸: «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا... وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ».

۲- بقره، ۷۹؛ آل عمران، ۷۸.

۳- نساء، ۱۷۱: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ... رَسُولُ اللَّهِ... وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً...».

هم چنین خداوند درباره ی افترا زندگان می فرماید:

چه کسی ستم کارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ بسته است، در حالی که به اسلام دعوت می شود؟ (۱)

### د \_ اهل کتاب و کتمان حق

در قرآن آمده است:

گروهی از کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، حق را آگاهانه کتمان می کنند. (۲)

هم چنین می فرماید:

کسانی که آن چه را خدا از کتاب نازل کرده است، کتمان می کنند... خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و آنان را پاکیزه نمی کند و برای آنان، عذاب دردناکی است. (۳)

و باز می فرماید:

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا از کسانی که کتاب (آسمانی) به آن ها داده شده است، پیمان گرفت که حتما آن را برای مردم آشکار سازید و پنهان نکنید، ولی آنان، آن را پشت سر افکندند. (۴)

ره \_ درهم آمیختن حق و باطل

خداوند فرموده است:

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می آمیزید و) مشته می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند) و حقیقت را پوشیده می دارید، در حالی که می دانید؟! و گروهی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آن چه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز کافر شوید! (۵)

۱- صف، ۷: «وَمَنْ أَظْلَمُ وِمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ».

۲- بقره، ۱۴۶: «وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ».

۳- بقره، ۱۷۴: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ...».

۴- آل عمران، ۱۸۷.

۵- آل عمران، ۷۱ \_ ۷۲: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَطْلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ...».



**و \_ یهودیان و تحریف**

در قرآن آمده است:

گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند تا دست آویزی برای تکذیب تو بیابند. جاسوسان، گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند. آنان سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند. (۱)

**ز \_ مسیحیان و تحریف**

خداوند می فرماید:

به خاطر پیمان شکنی، آنان را از رحمت خویش دور ساختیم و دل های آنان را سخت و سنگین کردیم. سخنان (خدا) را از موردش تحریف می کنند و بخشی از آن چه را به آنان گوشزد شده بود، فراموش کردند... و از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند (نیز) پیمان گرفتیم، ولی آنان بخش مهمی را از آن چه به آنان تذکر داده شده بود، فراموش کردند. (۲)

هم چنین در جای دیگر فرموده است:

آیا انتظار دارید به (آیین شما) ایمان بیاورند، با این که گروهی از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و آگاهی داشتند؟! (۳)

**ح \_ تحریف اهل کتاب و بیان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم**

خداوند با ظرافت می فرماید:

ای اهل کتاب! پیامبر ما که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید، بیان می کند (و روشن می سازد) به سوی شما آمد. (۴)

خداوند، یکی از وظیفه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را تبیین مسایلی

۱- مائده، ۴۱: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ».

۲- مائده، ۱۳ \_ ۱۴: «... يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ...».

۳- بقره، ۷۵: «.. فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ».

٤- مائده، ١٥: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ».

می داند که اهل کتاب پنهان می کردند؛ زیرا اصولاً خداوند، کتاب \_ قرآن \_ و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را فرستاد تا اختلاف موجود میان شریعت های گذشته را حل کند:

بر تو (ای پیامبر) کتاب را فرو فرستاده ایم برای این که آن چه را آنان درباره ی آن اختلاف کردند، بیان و روشن کنی. (۱)

نتیجه

بنابراین ما امروز حتی پیام های پیامبران بزرگ را به صورت دست نخورده در دسترس نداریم و دلیل اختلاف و تعارض آموزه های اسلام با برخی آموزه های شریعت های دیگر، نه در تفاوت تجلی خدا بر سه پیامبر است، بلکه به تحریف هایی برمی گردد که پیروان آن شریعت ها در کتاب های اصلی و مرجع شریعت خود پدید آوردند. چون خداوند، قرآن را مرجع حل اختلاف معرفی می کند، باید این اختلاف میان ادیان بزرگ را به قرآن عرضه کنیم تا آن چه قرآن بفرماید برایمان حجت باشد، نه این که چون نمی توانیم این اختلافات را حل کنیم، به حقانیت همه ی ادیان، فتوا دهیم و همه را اهل رستگاری بدانیم.

این در حالی است که برخی تاریخ پژوهان در اصل انتساب تورات و انجیل فعلی به موسی و عیسی علیهماالسلام تردید و تشکیک کرده اند و بر دست نویس بودن بیشتر بخش های کتاب مقدس، صحه گذارده اند. واقعا چگونه می توان با وجود تناقض ها و نسبت های ناروا به رسولان الهی در

---

۱- نحل، ۶۴: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ، إِلَّا لِيُتَيَّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».

کتاب مقدس مانند: کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خداوند (۱)، شرب خمر و شراب سازی عیسی مسیح علیه السلام، کردار غیر اخلاقی نسبت داده شده به برخی پیامبران، شراب خوردن و عریان شدن نوح (۲)، حامله شدن دختران لوط (العیاذ باللّٰه) از پدر (۳) و... تورات کنونی را در شمار کتاب های الهی دانست!؟

بدین سان با توجه به نبود تورات و انجیل واقعی یا تحریف آن ها، عقل به پیروی از آیین ناب اسلام، حکم می کند و از پیروان ادیان دیگر می خواهد دست کم از باب ضرورت، در برابر آستان کتاب ناب و آسمانی قرآن مجید تسلیم شوند و به آن ایمان آورند تا به رستگاری برسند.

### ۶\_ مصون ماندن قرآن از تحریف

#### ۶\_ مصون ماندن قرآن از تحریف

از نظر قرآن درباره ی ادیان پیشین و کتاب های ایشان نتیجه گرفتیم که کتاب آن ها تحریف شده و زمان حقانیت آن ها با ظهور اسلام به سر آمده است. پس تنها راه رستگاری، اسلام و تنها کتاب قابل پیروی، قرآن است.

با این حال، شاید این سخن مطرح شود که: «همان گونه که کتاب های ادیان پیشین دست خوش تحریف شدند، ممکن است قرآن نیز چنین سرنوشتی پیدا کرده باشد یا در آینده بدان دچار شود».

بیشتر پژوهش های تاریخی و اسلامی، وجود تحریف در قرآن را منتفی دانسته اند. دلیل برجسته و مهمی که قرآن بر تحریف نشدن خود می آورد،

۱- عهد عتیق تورات، سفر پیدایش، باب ۳۲.

۲- عهد عتیق تورات، سفر پیدایش، باب ۹.

۳- عهد عتیق تورات، سفر پیدایش، باب ۱۹، آیه های ۳۱ \_ ۳۸.

این است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ. (۱)

همانا ما قرآن را فرستاده ایم و از آن پاسداری می کنیم.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ (۲)

کتابی که از هرگونه شک و تردید در امان است.

بنابراین، خداوند متعال، قرآن را در زمان های گوناگون از هرگونه دستبرد و تحریف و نابودی حفظ می کند. در حالی که این گونه پاسداری درباره ی کتاب های ادیان پیشین، اعمال نشده است و همه ی آن ها دست خوش تغییر گشته اند.

از سوی دیگر، سرّ فناپذیری، جاودانگی و طراوت قرآن این است که با فطرت و عقل ناب، هم آهنگ و هم سواست. آدمی از دو فطرت برخوردار است: فطرت دل و فطرت عقل. این هر دو فطرت، اصولی ثابت و عناصری تغییرناپذیر دارند و چون قرآن، محتوا و پیامی هم آهنگ با فطرت عقل و فطرت دل دارد، جاودانه و فناپذیر است. پس سرّ جاودانگی قرآن، هم آهنگی آن با فطرت انسان هاست، نه چند لایه و تو در تو بودن، آن گونه که پلورالیست ها ادعا می کنند.

## ۷\_ جاده ی مستقیم الهی

۷\_ جاده ی مستقیم الهی

گفتیم که قرآن، شریعت ها و مناسک افراد را متنوع و متعدد می داند، ولی نکته این جاست که قرآن در میان همه ی این مناسک متعدّد تنها شریعت

۱- حجر، ۹.

۲- بقره، ۲.

اسلامی را راه مستقیم به سوی حق تعالی معرفی می کند:

(ای پیامبر! به مردم) بگو: پروردگارم، مرا به راه راست هدایت کرده (است). (۱) به یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می کنی. (۲) (ای پیامبر!) همانا تو از رسولان هستی و بر راهی راست (قرار داری). (۳) (راه راست)، راه کسانی است که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان. (۴) (ای پیامبر!) آن چه را بر تو وحی شده است، محکم بگیر؛ زیرا تو بر صراط مستقیم هستی. (۵)

آن گاه خداوند، راه راست و جاده ی مستقیم را پیروزمند و شکست ناپذیر معرفی می کند:

(خداوند) نعمتش را بر تو تمام گرداند و به راه راست هدایت فرماید و پیروزی شکست ناپذیر نصیب تو کند. (۶)

هنگامی که خداوند متعال از اسلام و راه پیامبرش به عنوان راه راست سخن گفت و بر طریق آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم، مهر تأیید زد، ایشان، همه ی جهانیان را به سوی راه راست خویش که همان جاده ی الهی است، فرا خواند.

این راه مستقیم من است. از آن پیروی کنید نه از راه های پراکنده (و انحرافی)؛ زیرا شما را از مسیر حق، دور می سازد. این چیزی است که خداوند، شما را به آن سفارش می کند. (۷)

۱- انعام، ۱۶۱: «قُلْ اِنِّیْ هَدَانِیْ رَبِّیْ اِلَیْ صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ».

۲- مؤمنون، ۷۳: «وَ اِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ اِلَیْ صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ».

۳- یس، ۳ و ۴: «اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ».

۴- فاتحه، ۷: «صِرَاطِ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالِّیْنَ».

۵- زخرف، ۴۳: «... اِنَّكَ عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ».

۶- فتح، ۲ و ۳: «یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَتَّبِعُوْا صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ وَ یَسِّرْ لَکُمُ الرَّحْمٰنُ صِرَاطًا مُّسْتَقِیْمًا وَ یَنْصُرْکَ اللّٰهُ نَصْرًا عَظِیْمًا».

۷- انعام، ۱۵۳: «وَ اِنَّ هٰذَا صِرَاطِیْ مُّسْتَقِیْمًا فَاتَّبِعُوْهُ وَ لَا تَتَّبِعُوْا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیْلِیْ ذٰلِکُمْ وَ صَاکُمْ بِهٖ».

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در جمع اصحاب، خط راستی کشید و خط های انحرافی و فرعی دیگری در کنار خط بزرگ ترسیم کرد. آن گاه پرسید: «این چه نقشه ای است؟» عرض کردند: «خداوند و پیامبرش بهتر می دانند» فرمود:

آن راهی که من آوردم، این خط بزرگ (و مستقیم) است. راه هایی که در دو طرف رسم کرده ام، راه های دیگران است. (۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تبیین جاده ی مستقیم الهی (که از آن به راحتی می توان نقد تفکر پلورالیسم را برداشت کرد) می فرماید:

آن کس که بهشت و دوزخ را پیش روی خود دارد، در تلاش است. برخی انسان ها به شُرعت به سوی حق پیش می روند و اهل نجاتند و بعضی دیگر به کُنندی می روند و امیدوارند. دیگری که کوتاهی می کند، در آتش جهنم گرفتار است. چپ و راست، گمراهی و راه میانه، جاده ی مستقیم الهی است که قرآن و آثار نبوت، به آن سفارش می کند و گذرگاه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است و سرانجام، بازگشت همه بدان سو است. (۲)

## ۸\_ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر

### ۸\_ پیروزی اسلام بر ادیان دیگر

خداوند تبارک و تعالی دست کم سه بار در قرآن، پیروزی اسلام بر دیگر ادیان را وعده داده است. آیه ی چیرگی اسلام بر دیگر ادیان با یک عبارت در سه سوره ی گوناگون مطرح شده است که به غلبه ی اندیشه ی اسلامی بر همه ی اندیشه های دینی بشارت می دهد:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (۳).

۱- التفسیر الکبیر، فخر رازی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ ج ۱۴، ص ۴، الکشاف، زمخشری؛ لبنان بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶: «... أَلْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَىٰ هِيَ الْجَادَّةُ...».

۳- این آیه در سه سوره ی توبه، صف و فتح با یک عبارت و درون مایه تکرار شده است. با این فرق که در پایان آیه ی ۳۳ سوره ی توبه و آیه ی ۹ سوره صف آمده است: «...وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ هرچند مشرکان را خوش نیاید»، ولی در آیه ی ۲۸ سوره ی فتح با پایانی متفاوت تر آمده است: «... وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد».

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه ی آیین ها چیره گرداند.

خداوند با بشارت دادن به چیرگی اسلام بر همه ی سنّت های دینی دیگر، بر اندیشه ی پیروی از آن ها خط بطلان می کشد؛ زیرا اگر پیروی از آن ها مورد نظر خداوند بود، هیچ گاه یک دین خاص را بر دیگر ادیان برتری نمی داد.

درباره ی دلالت این عبارت بر نتیجه گیری یاد شده باید گفت:

یک \_ لام ابتدای «لِيُظْهِرَهُ» به اصطلاح «لام غایت» است و از پیروزی اسلام به معنای عام و قرآنی کلمه بر همه ی آیین ها حکایت می کند.

دو \_ چیرگی اسلام بر همه ی ادیان از «الف و لام» جنس موجود در واژه ی «الدین» استفاده می شود، به ویژه آن که با لفظ «کله» آمده است که بیشتر بر عموم و همه شمول بودن آن تاکید می کند.

سه \_ معنای چیرگی، «ظاهرترین معنای متبادر به ذهن از لیظهره» است و بنای عقلا در تفسیر سخن گوینده، ظاهر آن است مگر آن که قرینه ای بر خلاف آن موجود باشد.

چهار \_ معنای «لیظهره»، چیرگی و پیروزی است و ضمیر «ه» به «دین» بر می گردد. اگر ضمیر را به «رسوله» برگردانیم و از «لیظهره»، علم و آگاهی را برداشت کنیم، باید این گونه بگوییم: «خداوند، پیامبرش را با دین حق فرستاد و او را بر همه ی ادیان، آگاه خواهد گرداند، هر چند مشرکان آن را



نپسندند». این تفسیر، چند مشکل پیش می آورد:

الف \_ آغاز و پایان آیه با هم تناسب نخواهد داشت.

ب \_ علم و آگاهی پیامبر درباره ی ادیان دیگر، برای کافران و مشرکان، چه زیانی دارد که آنان ناراحت شوند و نپسندند. پس باید از «لیظهره»، معنای چیرگی را برداشت کرد تا معنای آیه درست باشد؛ زیرا مشرکان از شکست مکتب خود، در هراس خواهند بود و نخواهند پذیرفت.

ج \_ اگر ضمیر به «رسول» برگردد، باز می توانیم معنای چیرگی و پیروزی را برداشت کنیم: «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ی (پیروان) آیین ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند و نپسندند».<sup>(۱)</sup>

پنج \_ با توجه به آیه ی مورد نظر، چیرگی و پیروزی از آن اسلام است و اسلام بر همه ی ادیان و مکتب ها پیروز می گردد. تعبیر آیه به این که «ادیان توحیدی بر شرک پیروز می شوند»، درست نیست؛ زیرا با ظاهر و صراحت آیه منافات دارد. خداوند در این آیه، به پیروزی دینی بشارت می دهد که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، پیامبر آن دین است.

شش \_ آیات دیگری نیز بر پیروزی دین اسلام بر ادیان دیگر دلالت دارند و این آیه را تأیید می کنند، مانند این آیه:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که خلافت روی زمین را به

۱- زمخشری نیز همین معنا را اراده کرده است. الکشاف، ج ۲، ص ۱۴۹: «لیظهر الرسول علیه السلام علیاهل الأديان کلهم أو لیظهر دین الحق علی کل دین»؛ قرآن و پلورالیسم، ص ۷۷.

پیشینیانِ شان، بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس شان را به امتیّت و آرامش بدل خواهد کرد. (۱)

در این آیه به جای واژه ی «لیظهر» از عبارت «لیمکنّ لهم دینهم» استفاده شده است که دلالت آن بر چیرگی و پیروزی، بیشتر و بهتر است. افزون بر آن، خداوند به اهل ایمان (مؤمن) از مسلمانان بشارت می دهد که دوران خوف و ترس نیز به پایان خواهد رسید. خداوند در آیات دیگر نیز به دین داران، پیروزی نهایی را نوید می دهد و می فرماید که سرانجام، بندگان مؤمن و صالح خود را بر زمین حاکم خواهد کرد:

ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. (۲)

یا این که:

در «زبور» پس از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. (۳)

این گفتار با باورهای تشیع کاملاً سازگار است؛ زیرا به باور شیعه، حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد و حکومت واجب جهانی اسلام را بنیاد خواهد نهاد. هرچند ظهور منجی به شریعت اسلام و مذهب تشیع، منحصر نیست و همه ی فرقه ها به گونه ای ظهور منجی را بشارت داده اند، ولی این آیات به ویژه آیه ی نخست بر سرآمد بودن اسلام و چیرگی آن بر

۱- نور، ۵۵: «وَعَيَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ وَ يَخْلِفَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا».

۲- قصص، ۵: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

۳- انبیاء، ۱۰۵: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

ادیان دیگر دلالت دارد. برخی مفسران، آیات متأخر را به ظهور حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر می کنند.

هفت \_ روایات بر برتری و چیرگی اسلام بر دیگر ادیان دلالت دارند.

خداوند در حدیث قدسی می فرماید:

حق و سزاوار است که دین تو را بر همه ی ادیان پیروز گردانم تا در شرق و غرب جز دین تو، دینی باقی نماند یا این که به پیروان دین تو جزیه دهند! (۱)

در نامه ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به حاکم مسیحی یمامه آمده است:

وَاعْلَمَنَّ أَنَّ دِينِي سَيُظْهِرُ إِلَى مُتْتَهَى الْخُفِّ وَالْحَاضِرِ.

آگاه باش که دین من تا منتهای زیرپای شتران و اسبان (کنایه از چیرگی نهایی) چیره و ظاهر خواهد شد. (۲)

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

خداوند به پیروان این دین وعده داده است که اسلام را سربلند و ناتوانی مسلمانان را جبران کند. خدایی که مسلمانان را به هنگام کمی نفرات یاری کرد و آن گاه که نمی توانستند از خود دفاع کنند، از آنان پشتیبانی کرد، اکنون زنده است و هرگز نمی میرد. (۳) پیروزی و شکست اسلام، به فراوانی و کمی طرفداران آن نبود. اسلام، دین خداست که آن را پیروز ساخت و سپاه اوست که آن را آماده کرد و یاری فرمود و رسید تا آن جا که باید

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۶ و ج ۱۶، ص ۳۴۷: «حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أَظْهَرَ دِينَكَ عَلَى الْأَذْيَانِ، حَتَّى لَا يَبْعَى فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا دِينَ إِلَّا دِينَكَ أَوْ يُؤَدَّى إِلَى أَهْلِ دِينِكَ الْجَزِيَّةَ».

۲- مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۴: «وَقَدْ تَوَكَّلَ اللَّهُ لِأَهْلِ هَذَا الدِّينِ بِإِعْزَازِ الْحَوْزَةِ وَ سَيْتْرِ الْعَوْرَةِ وَ الَّذِي نَصَرَ رَهْمَ وَ هُمْ قَلِيلٌ لَا يَنْتَصِرُونَ وَ مَنَعَهُمْ وَ هُمْ قَلِيلٌ لَا يَمْتَنِعُونَ، حَتَّى لَا يَمُوتَ».

برسد و هر جا که لازم بود، طلوع کرد. ما به وعده ی پروردگار خود امیدواریم که او به وعده ی خود وفا می کند و سپاه خود را یاری خواهد کرد. (۱)

## ۹\_ پلورالیسم؛ راهی به سوی دین بشری

۹\_ پلورالیسم؛ راهی به سوی دین بشری

خطای هیک آن است که دین را بیش از اندازه ی واقعی، ساخته و پرداخته ی انسان می داند و آن را پدیده ای بشری فرض می کند. هرچند هیک، آرای دورکهایم، مارکس و فروید در زمینه ی تعیین دین به وسیله ی اجتماع، اقتصاد یا عوامل روانی را مردود می شمارد، ولی اعتقاد دارد که دین، واکنشی حقیقی نسبت به حقیقت است، که صورت آن را انسان تعیین می کند، نه خدا. بنابراین، نقص اساسی پلورالیسم دینی هیک این است که دین را واکنش انسانی صرف نسبت به خدا یا حقیقت نهایی تعبیر می کند.

این در حالی است که از زمان آدم ابوالبشر علیه السلام تاکنون (۲) تنها یک دین همگانی و سرتاسری الهی به نام اسلام وجود داشته است. اسلام به معنای تسلیم در برابر ذات پاک الهی بوده و برای کسانی است که در برابر حقایق جهان، گوش شنوا و دیده ی بینا دارند. (۳) به همین دلیل، قرآن کریم در بحث تاریخی ادیان بشری \_ اعم از الهی و غیر الهی \_ کافران را ستم کار و فاسق می خواند؛ زیرا بزرگ ترین فسق و گناه یک فرد و در نتیجه ستم کاری وی

۱- نهج البلاغه، ۱۴۶: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصْرُهُ... وَ هُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَظْهَرَهُ... وَاللَّهُ مُنْجِزٌ وَعْدَهُ وَ نَاصِرٌ جُنْدَهُ».

۲- شورا، ۱۳: «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح سفارش کرده بود و آن چه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم، این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید».

۳- انعام، ۳۶: «تنها کسانی دعوت تو را می پذیرند که گوش شنوا دارند، ولی مردگان (و آنان که روح انسانی را از دست داده اند، ایمان نمی آورند و) خدا، آنان را (در قیامت) بر می انگیزد، سپس به سوی او باز گردانده می شوند».

آن خواهد بود که خود را از نعمت دین خدا محروم کند. در حقیقت، ستمی بالاتر از این نیست که آفریده ای، خود را از نعمت دین آفریدگار محروم سازد.

## ۱۰- پلورالیسم و الهیات عقلانی - وحیانی

### اشاره

#### ۱۰- پلورالیسم و الهیات عقلانی - وحیانی

شرک را نمی توان با توحید سازگار دانست؛ زیرا شرک و توحید دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند. توحید بر بت شکنی (۱) و شرک بر بت سازی تأکید دارد. یا باید کارکرد ابراهیم علیه السلام در شکستن بت ها درست باشد یا عملکرد نمرود در ساختن و هواداری از بت ها. اندیشه ی الهیات عقلانی، جمع این دو اندیشه ی متناقض را در مکتب پلورالیسم که مدعی روشن گری است، نمی پذیرد.

پلورالیسم به دلیل ادعای تکثرگرایی خویش می کوشد هر دو رویکرد توحیدی و شرک آلود را بپذیرد، در حالی که این دو قابل جمع نیستند. افزون بر آن، الهیات وحیانی، غایت نهایی (که پلورالیسم آن را در دین اصل می داند) شرک را نفی می کند؛ زیرا الهیات وحیانی - قرآنی بر خدای واحد، خلقت واحد، وحدت رسولان الهی (با وجود اختلاف مراتب رسولان)، امت واحد، وحدت کتاب های آسمانی و پیامبران الهی بنا شده است.

ویژگی الهیات وحیانی - قرآنی

### ۱ - خدای واحد

در قرآن آمده است:

خدای شما، خدای واحدی است که هیچ خدایی جز او بخشنده ی مهربان نیست. (۲)

۱- iconoclastic.

۲- نک: آل عمران، ۱۰۳؛ نساء ۱۶۴.

**۲\_ آفرینش واحد**

خداوند همه ی فرزندان آدم علیه السلام را نسل واحد می داند و خمیرمایه ی فطرت و آفرینش آنان را یکسان می شمارد. درگیری و اختلاف های نژادی و مذهبی انسان ها نیز در نادانی و بی خردی آنان ریشه دارد، خداوند می فرماید:

او خدایی است که همه ی شما را از یک فرد آفرید. (۱)

**۳\_ یگانه نگری رسولان الهی**

خداوند می فرماید:

پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و همه ی مؤمنان (نیز) به خدا و فرشتگان او و کتاب ها و فرستادگانش ایمان آورده اند (و می گویند: ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم) (و به همه ی آنان ایمان داریم) (۲).

رسولان الهی اختلاف بنیادین ندارند، بلکه اختلاف مراتب و درجه میان آنان وجود دارد:

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خدا با برخی از آنان، سخن می گفت و به بعضی، درجاتی برتر عطا کرد. (۳)

**۴\_ اُمت واحد**

در قرآن آمده است:

این (پیامبران بزرگ و پیروان شان) همه اُمت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم. پس مرا پرستش کنید. (۴)

موحدان پیرو پیامبران نیز به تبع آنان، امت واحده ی موحدان را تشکیل

۱- نك: اعلیٰ، ۱۸ و ۱۹؛ توبه، ۱۱۱؛ شعراء، ۱۹۶.

۲- انبیاء، ۹۲: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ». نك: مومنون، ۵۲.

۳- بقره، ۲۸۵: «ءَأَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَّا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ

رُسُلِهِ».

٤- بقره، ٢٥٣: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ».

## ۵\_ هم آهنگی کتاب های آسمانی

همان گونه که پیامبران الهی با هم اختلافی نداشته اند، میان کتاب های آسمانی نیز اختلافی نبوده است، بلکه آن ها تصدیق گر و تأیید کننده ی یکدیگر بوده اند. (۱)

## ۶\_ پیامبران الهی؛ بنیان گذاران توحید کلمه

خداوند همه ی مؤمنان را به رعایت تقوای الهی و چنگ زدن به جبل متین الهی \_ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و قرآن \_ فرا می خواند و به آنان یادآوری می کند که خداوند به لطف خویش و به یمن ظهور پیامبران الهی، پراکندگی شان را به وحدت بدل ساخت. پس آنان باید شیوه ی برادری واقعی زمان ظهور پیامبران الهی را سرلوحه ی زندگی شان قرار دهند. (۲)

## پلورالیسم دینی رفتاری

### اشاره

پلورالیسم دینی رفتاری

اکنون با نگاه درون دینی به نقد و ارزیابی پلورالیسم دینی رفتاری می پردازیم.

به باور پلورالیسم، جنگ ها و درگیری های پیروان ادیان و فرقه های گوناگون به تولد و رشد پلورالیسم دینی در جهان انجامیده است. بنابراین، برخی پلورالیست ها مانند هیک بر این پندارند که مدارا نکردن و نداشتن زندگی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر لازمه ی انحصارگرایی دینی است. به گفته ی آنان، پیروی از آموزه های انحصاری یک دین خاص بدون توجه

۱- اعراف، ۱۸۹: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ».

۲- بقره، ۱۶۳: «وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ». نک: عنکبوت، ۴۶؛ انبیاء، ۹۲؛ مؤمنون، ۵۲.



به حقانیت ادیان دیگر، فضای مسالمت آمیز زندگی اجتماعی انسان را بر هم می زند. البته باید دانست با مراجعه به کتاب و سنت اسلامی، بطلان این توهم آشکار می شود. هرچند اسلام، خود را حق و تنها راه رستگاری می شمارد؛ ولی سفارش های گوناگون مبنی بر مدارا و هم زیستی و بهزیستی با پیروان ادیان دیگر، در آن موج می زند. به دیگر سخن، اگر دغدغه ی پلورالیست ها، حق انتخاب دین، گفت گوی منطقی، تساهل و تسامح (مدارا) و هم زیستی مسالمت آمیز است، قرآن بسی بهتر و بیشتر بدان پرداخته است. در این جا به برخی آیات قرآن در این زمینه می پردازیم.

## ۱ \_ حق انتخاب دین و دین داری در اسلام

### اشاره

#### ۱ \_ حق انتخاب دین و دین داری در اسلام

دین خواهی و دین داری، امری فطری و درونی است. از این رو، مردم باید در کمال آزادی و آزادگی، دین خود را انتخاب کنند. به نظر اسلام، چون پذیرش دین، نشانه ی رشد و پختگی عقلی است، هرگز نباید آن را بر کسی دیکته کرد. در گذشته، در جامعه های یهودی و مسیحی و امروزه افزون بر آن دو، در بعضی جامعه های دینی دیگر مانند: اسلام، هندویسم و...، کوشش هایی برای تحمیل اعتقاد دینی به چشم می خورد که بسیار ناصواب بوده و از منطقی خرد و اسلام و قرآن به دور است. خداوند درباره ی این موضوع به موارد زیر اشاره می فرماید:

### الف \_ هر کسی دینی دارد

وقتی نتوان دین و آیین خاصی را بر کسی تحمیل کرد، گونه گونی آیین ها و باورهای دینی پدید می آید. در این صورت، صاحبان ادیان گوناگون با

وجود تفاوت داشتن دین و مناسک شان می توانند با حفظ حقوق و احترام به باورهای یکدیگر در کنار هم زندگی کنند:

هر طایفه ای، قبله ای دارد که خداوند، آن را تعیین کرده است. (بنابراین، درباره ی قبله، زیاد گفت گو نکنید و به جای آن) در نیکی ها بر یکدیگر پیشی جوید. (۱)

یا:

ما برای هر کدام از شما، آیین و راه روشنی قرار دادیم. اگر خدا می خواست، همه شما را اُمت واحدی قرار می داد، ولی خدا می خواهد شما را در آن چه به شما بخشیده است، بپاشد. (۲)

### ب \_ گونه گونی مناسک

افزون بر تعدد شریعت ها، مناسک دینی نیز متکثر و متنوع است. (۳) بنابراین، ادب مسلمانی حکم می کند که به انتقاد بی مورد از آداب و مناسک دیگران نپردازیم.

### ج \_ انتخاب دین داری

انتخاب دین داری، امری اختیاری است و هیچ کس را به پذیرش دین نمی توان مجبور کرد. به همین دلیل، پیامبران الهی با ویژگی بشیر و نذیر و آورنده ی بلاغ توصیف شده اند:

انا هدیناه السبیل، اما شاکرا و اما کفورا. (۴)

### د \_ اختیار در پذیرش اسلام

۱- بقره، ۱۴۸: «وَلِكُلِّ وُجْهَةً هُوَ مُوَلِّيُّهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ».

۲- مائده، ۴۸: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاوِزًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ...».

۳- تمدن اسلام و غرب، گوستاولوبون، برگردان: سیدهاشم حسینی، ج ۱، صص ۱۴۱ \_ ۱۴۶. گوستاولوبون در جای دیگر از کتاب خود می نویسد: «ما وقتی که فتوحات مسلمانان اول را به دقت ملاحظه و اسباب و علل کام یابی آن ها را بررسی می کنیم، می بینیم که آنان در خصوص اشاعه مذهب از شمشیر کار نگرفته اند؛ زیرا آنان اقوام مغلوبه را در قبول مذهب همیشه آزادی می دادند». برگردان: فخر داعی گیلانی، بنگاه علمی، ۱۳۳۴، چ ۴، صص ۱۴۷ \_ ۱۴۸.

۴- بقره، ۲۹: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ».

نظریه ی الزام و اکراه در انتخاب یک دین خاص، یکی از عوامل بر هم زنده ی زندگی مسالمت آمیز پیروان ادیان گوناگون است. این نظریه، زندگی اجتماعی پیروان سنت های گوناگون و حتی اصل زندگی فردی آنان را به ناپودی می کشاند. تاریخ، نمونه های فراوانی از این رفتارها را به یاد دارد. یکی از اندیشمندان مغرب زمین در این باره می گوید:

هنگامی که مسلمانان (در زمان خلیفه ی دوم) بیت المقدس را فتح کردند، هیچ گونه آزاری به مسیحیان نرساندند، ولی برعکس هنگامی که نصرانیان این شهر را گرفتند، مسلمانان را با کمال بی رحمی قتل عام کردند. یهودیان نیز وقتی به آن جا آمدند، بی باکانه همه را سوزاندند. (۱)

هرچند آیین مقدس اسلام، فرقه های گوناگون را به سوی خود فرا می خواند و ترک اسلام را از روی عناد و انکار مایه ی عذاب دیدن در قیامت می داند، ولی حساب دنیا و آخرت مردم را از هم جدا می کند و هیچ گاه مردم را در انتخاب اسلام مجبور نمی سازد. خداوند فرموده است:

در پذیرش دین اسلام، اکراه و اجباری نیست. (۲)

در شأن نزول این آیه گفته اند که گروهی از فرزندان مسیحیان تازه مسلمان شده از پذیرش اسلام خودداری کردند. پدران شان پس از ناامید شدن اسلام آوردن فرزندان مسیحی خود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شکایت بردند

۱- انسان، ۳.

۲- حج، ۶۷: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ؛ برای هر امتی، عبادتی قرار دادیم تا آن عبادت را در پیشگاه خدا انجام دهند».

تا آن حضرت با الزام و اجبار حکومتی، آنان را به پذیرش اسلام وادار سازد. در این هنگام، آیه ی یاد شده برای نفی اجباری بودن اسلام نازل شد.

## ۲\_ در اسلام، ابلاغ است نه اجبار

۲\_ در اسلام، ابلاغ است نه اجبار

غایت اصلی آفرینش، هدایت مردم به صراط مستقیم است. این هدایت، اجباری نیست و هر کس آزاد و مختار است در این دنیا، یکی از دو راه کفر و ایمان را برگزیند. خداوند با صراحت چنین فرموده است:

و اگر [از پذیرش اسلام] سرپیچی کنند، (نگران مباش؛ زیرا) بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است. (۱)

ما به آن چه آنان می گویند، آگاه تریم و تو مأمور به اجبارشان (به ایمان) نیستی. پس به وسیله ی آن، به کسانی که از عذاب من می ترسند، تذکر بده. (وظیفه ی تو همین است). (۲)

پس تذکر بده؛ چون تو تنها تذکر دهنده ای. تو سلطه گر بر آنان نیستی که (به ایمان آوردن) مجبورشان کنی. (۳)

## ۳\_ مهلت دادن خداوند به مخالفان

۳\_ مهلت دادن خداوند به مخالفان

در قرآن آمده است:

آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم \_ و به هر کسی اراده کنیم \_ می دهیم. سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد که در آتش سوزانش می سوزد، در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن کوشش کند \_ در حالی که ایمان داشته باشد \_ تلاش او (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره می دهیم

۱- آل عمران، ۲۰: «... وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ...».

۲- ق، ۴۵: «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ».

۳- غاشیه، ۲۱ \_ ۲۲: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ. لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ».

و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نمی شود. (۱)

این سخنان با اراده‌ی الهی منافات ندارد؛ زیرا اگر او بخواهد، همه‌ی امت‌ها، واحد و یکسان خواهند بود، (۲) ولی او چنین نمی‌خواهد. خداوند، اختیار و آزادی در انتخاب دین و هدایت را ملاک می‌داند تا فرد از این آزمایش و انتخاب، سربلند بیرون آید و به پاداش الهی برسد.

#### ۴\_ سفارش اسلام به گفت و گوی ادیان

۴\_ سفارش اسلام به گفت و گوی ادیان

گفت‌گو میان ادیان و تمدن‌ها یکی از خاستگاه‌های تفاهم، تسامح و هم‌زیستی گروه‌ها و مکتب‌های گوناگون در جامعه و جهان است. جایگاه گفت‌گو در قرآن به قدری اهمیت دارد که کاربرد واژه‌ی گفت و گو (قول و مشتقات آن) پس از لفظ جلاله‌ی «الله» در رتبه‌ی اول قرار گرفته است.

خداوند در قرآن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌خواهد تبلیغ و معرفی دین خود را در رویارویی با مخالفان و مسلمانان بر پایه‌ی اصل گفت و گو، منطق، حکمت و جدال احسن قرار دهد. مفسران، «جدال احسن» را به گفت‌گو بر اساس رفاقت و نرمی و دوری از خشن‌گویی و طعن و اهانت، تفسیر می‌کنند: (۳)

آنان را با حکمت و موعظه به راه‌های خودت فرا بخوان و با آنان با نیکوترین روش مجادله کن. (۴)

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است، مجادله نکنید. (۵)

۱- اسراء، ۲۰.

۲- مائده، ۴۸.

۳- المیزان، محمدحسین، طباطبایی، ج ۱۶، صص ۱۳۷ - ۱۳۸.

۴- نحل، ۱۲۵: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ».

۵- عنکبوت، ۴۶: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ».

## ۵\_ رفتار مسالمت آمیز مسلمانان با پیروان ادیان دیگر

### اشاره

#### ۵\_ رفتار مسالمت آمیز مسلمانان با پیروان ادیان دیگر

مقوله ی دین و دین باوری چیزی نیست که آن را با سرنیزه بتوان بر مردم تحمیل کرد. تنها راه کار نتیجه بخش، برخورد احسن، منطقی و دینی است؛ زیرا ادیان تحریف شده و ساختگی و حتی اندیشه های منحرف همواره بوده و هستند. از روزگار بسیار قدیم که ابنای بشر به شیء پرستی، جان پرستی (آنیمیسیم)، فتیش پرستی و توتم پرستی می پرداختند تا همه ی ادیان قدیم تاریخ، فیلسوفان و بزرگان دینی، پیامبران غیر الهی مانند: بودا، کنفوسیوس و مهاویرا و نیز پیامبران الهی همگی زیر لوای واحد دین و پرستش دینی گرد می آیند.

در جهان کنونی، برقراری ارتباط مناسب و اصولی میان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، امری حیاتی و ضروری است. بدین سان تنها راه برقراری زندگی مسالمت آمیز میان کشورهای جهان، تسلیم شدن در برابر فرمان ها و سفارش های قرآن کریم است، نه سر سپردن به آموزه های پلورالیسم که خود در آغاز راه است و از عقل بشری محض کمک می گیرد.

در این جا به آیاتی می پردازیم که مسلمانان را به برقراری روابط مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر فرا می خواند.

### یک\_ برخورد عفو آمیز با پیروان ادیان دیگر

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد آرزو می کردند شما را پس از اسلام و ایمان آوردن، به حال کفر باز گردانند، با این که حق برای آنان کاملاً روشن شده است. شما از آنان در گذرید. (۱)

۱- بقره، ۱۰۶: «... فَأَعْفُوا وَ اصْفَحُوا...».

به یقین، (همه ی شما) در اموال و جان های خود، آزمایش می شوید و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب (آسمانی) داده شده (= یهود) و (هم چنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده ی فراوان خواهید شنید. اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید (شایسته تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است. (۱)

## دو \_ صلح با صلح جویمان

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند؛ زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (۲)

با توجه به آیات بالا در می یابیم که حق تعالی همواره مسلمانان را به داشتن روابط سالم با پیروان ادیان دیگر ترغیب می کند و حتی به آنان سفارش می کند برای صلح و دوستی، برخوردی عفوآمیز با آنان داشته باشند و از برخی کارهای ناپسندشان نسبت به خویش درگذرند. (۳)

## ۶ \_ فراخواندن به اتحاد و رفتار بر اساس کتاب خود

### اشاره

۶ \_ فراخواندن به اتحاد و رفتار بر اساس کتاب خود

اسلام تلاش می کند با توجه به ویژگی های مشترک خود با ادیان دیگر، آنان را به همبستگی فراخواند. زیرا ادیان الهی در مسایل مهمی مانند پرستش معبود، اشتراک دارند.

اسلام با چنان آزاداندیشی در پی ارتباط با پیروان ادیان دیگر است که آنان را برای عمل به کتاب آسمانی خودشان ترغیب می کند.

## الف \_ دعوت به همبستگی و اتحاد

۱- آل عمران، ۱۸۶: «...وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».

۲- ممتحنه، ۸: «لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتَلُوا فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِينِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

۳- درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، صص ۴۴۱ \_ ۴۴۲.

قرآن برای معرفی و پذیرش اسلام، افزون بر دعوت همگانی، در دعوتی خصوصی از اهل کتاب می خواهد که با مسلمانان هم آهنگ شوند؛ زیرا مسلمانان، به ویژه در اصل توحید، پیوندهای مذهبی فراوانی با اهل کتاب دارند. ممکن است گفته شود هدف اسلام از گشودن باب گفت و گو با ادیان دیگر، اثبات دلایل حقانیت خویش است، نه احترام نهادن به اندیشه های دیگران. هرچند اسلام از این کار به تبلیغ دین خود نظر دارد، ولی باید دانست اسلام با رفتار به دور از اجبار، اکراه و خشونت خود می کوشد پیروان ادیان دیگر با بصیرت و آگاهی در صراط مستقیم گام نهند. با این حال، اگر اسلام در روش گفت و گوی منطقی با پیروان ادیان دیگر کنار نیاید، از تلاش باز نخواهد ایستاد و می کوشد روابط مخدوش شده را با توجه به نمایه ی ویژگی های مشترک ادیان، بازسازی کند:

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم. (۱)

و (به اهل کتاب) بگوید: ما به تمام آن چه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده است، ایمان آورده ایم و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم. (۲)

### ب \_ حل اختلاف اهل کتاب

قرآن، یکی از اهداف خویش را بیان موارد اختلاف اهل کتاب برای ایشان می داند تا به اصطلاح از اصل پیام وحیانی حضرت موسی و حضرت عیسی علیه السلام که در تورات و انجیل های بعدی، دچار تحریف و فراموشی شده

- 
- ۱- آل عمران، ۶۴: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا».
  - ۲- عنکبوت، ۴۶: «... وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ».



است، آگاه شوند:

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً...

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم، مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند، برای آنان روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه ی هدایت و رحمت است... (۱)

### ج \_ عمل به تورات و انجیل

از موضوع های شگفت آور قرآن این است که به اهل کتاب سفارش می کند به درستی به تورات و انجیل عمل کنند و هشدار می دهد تا هنگامی که چنین نکنند، وضع شان تغییر نخواهد کرد.

بگو: ای اهل کتاب! شما هیچ آیین درستی ندارید مگر این که تورات و انجیل و آن چه را از سوی پروردگارتان بر شما فرستاده شده است، برپا دارید. (۲)

عمل به کتاب به تقریب ادیان و مذاهب می انجامد که در این صورت نیز قرآن پیش تاز است. قرآن با کمال سعه ی صدر و آزاداندیشی می فرماید:

و اگر آنان، تورات و انجیل و آن چه را از سوی پروردگارش بر آنان نازل شده است [=قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد. (۳)

باید دانست منظور ما، تورات و انجیل تحریف نشده است که در این تورات و انجیل، بشارت به بعثت خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم آمده است.

### ۷ \_ مدارا و نیکوکاری با کافران

۷ \_ مدارا و نیکوکاری با کافران

نگاهی به آیات جهاد با کافران و مشرکان، ما را به این نکته رهنمون

۱- مائده، ۶۸: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ...».

۲- مائده، ۶۶: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ».

۳- نحل، ۶۴.

می سازد که جهاد با کافران به دلیل رویارویی آنان با اسلام و مسلمانان است،<sup>(۱)</sup> نه این که اسلام، هم زیستی با کافران و مشرکان را بر نمی تابد. اگر کافران به صرف اعتقاد کفر یا شرک خود بسنده کنند و به شیطنت و ستیز با مسلمانان دست نزنند، قرآن نه تنها به جهاد با آنان دستور نمی دهد، بلکه پیغمبر اسلام را نیز به مدارا و صلح با آنان فرا می خواند.

و اگر به صلح، تمایل نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی و بر خدا توکل کن؛ زیرا او شنوا و داناست.<sup>(۲)</sup>

پس اگر از شما کناره گرفتند و با شما پیکار نکردند، (بلکه) پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آنان شوید.<sup>(۳)</sup>

## پلورالیسم دینی نجات

### اشاره

#### پلورالیسم دینی نجات

پلورالیسم نجات از گونه های بسیار مهم پلورالیسم دینی به شمار می آید. اینک با نگاهی درون دینی به نقد و ارزیابی آن می پردازیم.

از دیدگاه اسلام، نجات یافتن و رستگار شدن دلیل حقانیت نیست. این گونه نیست که هرکسی در دین حق بود، اهل نجات باشد.<sup>(۴)</sup> در مقابل، کسانی که به دین حق دسترسی ندارند یا اگر دسترسی دارند، از درک آن ناتوانند (کودکان، مردان و زنان مستضعف فکری و فرهنگی، دیوانگان و...) به دوزخ بروند. حتی کسانی که تحقیق کرده اند، ولی تلاش آنان به یافتن

۱- حج، ۴۰؛ بقره، ۹۰؛ توبه، ۱۷. نک: جهاد، مرتضی مطهری.

۲- انفال، ۶۱: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

۳- نساء، ۹۰.

۴- به عبارتی، همه ی آنان که در دین حق اند و پیرو واقعی آن هستند، اهل نجات و رستگاری خواهند بود، ولی چنین نیست که هیچ یک از پیروان ادیان غیر حق، به هیچ درجه ای از نجات و رستگاری دست نیابند.

حقیقت و دین حق نیانجامیده است، معذورند و مستضعفان فکری \_ فرهنگی و قاصران هستند. (۱) بنابراین، نجات و رستگاری در اسلام با عقل بشری تعمیم یا تخصیص نمی یابد؛ یعنی پیروان دیگر ادیان به شرط این که بدون عناد به اسلام دست نیافته و به آیین خود پای بند باشند، دارای حجت و مستمسک خواهند بود. در این صورت، راه شان هر چند «صراط مستقیم» و بر حق نیست، ولی «معتبر»، قابل احتجاج و اعتذار است!

از دیدگاه اسلام، دو گروه معذورند:

۱ \_ جاهلان قاصر که اصلاً به دین اسلام رهنمون نشدند یا در جست و جوی دین حق برآمدند، ولی به صراط مستقیم اسلام نرسیدند.

۲ \_ آنان که بر اساس فطرت و عقل خود به باورهای عقلی و آموزه های دینی مورد قبول خود که به آن دست یافته اند، رفتار کردند.

اساساً این که چه کسی اهل نجات است، به خداوند بر می گردد؛ یعنی ممکن است خداوند از بسیاری افراد درگذرد، چون قاصر بوده اند. بنابراین، نجات پیدا کردن، دلیل حقانیت (بر حق بودن) نیست.

قرآن و روایات، به «مستضعف» پرداخته و این بحث نزد پژوهش گران مسلمان از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ (۲) زیرا خداوند از یک سو، عذاب دردناک را به کافران وعده می دهد و از سوی دیگر، گروهی از آنان را استثنا می کند:

۱- در ادامه ی بحث، به آن ها بیشتر خواهیم پرداخت.

۲- التبیان، ج ۳، ص ۵۳۰؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۹۴؛ الکاشف، ج ۶، ص ۶۱؛ المنار، ص ۳۸۵.

مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره جویی نتوانند و راهی نیابند. (۱)

اکنون از چهار دیدگاه به مسأله ی قاصران، مستضعفان و معذوران می نگریم:

## ۱ \_ معذوران از دیدگاه عقل

### اشاره

#### ۱ \_ معذوران از دیدگاه عقل

دلیل عقل بر این که جاهل قاصر یا شک کننده، عقاب ندارد، قاعده ی قبح عقاب بلا بیان است که شارع مقدس نیز آن را تأیید و امضا کرده است. (۲) هر گونه عذاب و کیفری، فرع بر عصیان و نافرمانی از تکلیف و امر مولاست که آن نیز با آگاهی فرد مکلف از تکلیف و بیان مولی، محقق می شود. سنّت الهی مبتنی بر عذاب کسی است که پس از دست یابی به حجت و دلیل به عمد، آن را انکار کند یا در تلاش برای دست یابی به حقیقت، کوتاهی ورزد. پس کسی که از روی عناد، انکار نکرده و بر صراط قرار نگرفته است، عذاب نخواهد شد. به نظر فلاسفه ی اسلامی هم چون ابن سینا، صدرالمتهلین، علامه طباطبایی و علامه مطهری، این گونه افراد، قاصران و مستضعفان فکری و مسلمانان فطری هستند. به همین ترتیب، فرد مسیحی یا یهودی که در رهیافت خود برای رسیدن به صراط مستقیم، کوتاهی نکند، ولی با وجود آن، به حقانیت شریعت اسلام پی نبرد، بر صراط مستقیم اسلام نیست، ولی معذور است. احتجاج او نیز این خواهد بود که «من تلاش کردم، ولی حقانیت شریعت اسلام برایم آشکار نشد»؛ زیرا معذور بودن با بر صراط مستقیم بودن، تفاوت دارد.

۱- نساء، ۹۸.

۲- اسراء، ۱۵: «و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا». شعرا، ۲۰۸ و ۲۰۹؛ قصص، ۴۷؛ طه، ۱۳۴.

اسلام انسان‌ها بر دو گونه است. برخی مسلمانند؛ چون در منطقه‌ای اسلامی یا از پدر و مادری مسلمان زاده شده‌اند. برخی دیگر نیز از روی رغبت و جست‌جو، اسلام را پذیرفته و تسلیم حق و حقیقت شده‌اند. حال اگر کسی که روحیه‌ی تسلیم در برابر حق تعالی دارد و هرگاه به حق و حقیقت برسد، آن را می‌پذیرد؛ حتی اگر به حقیقت اسلام دست نیابد، خداوند هرگز او را معذب نخواهد کرد. محال است خداوند، بنده‌اش را به خاطر نیافتن حقیقتی که در جست‌وجوی آن بوده است، عذاب کند. خداوند می‌فرماید:

ما چنین نیستیم که بدون فرستادن رسول (بدون اتمام حجت کردن) بشر را معذب کنیم. (۱)

اندیشمندان اصولی، مفاد این آیه را تأیید کننده‌ی قبح عقاب بلا بیان به شمار می‌آورند. بدین سان انسان‌هایی که دارای روح تسلیم و تحقیق هستند، ولی مسلمان نیستند، مسلمان فطری‌اند.

دکارت، فیلسوف فرانسوی که فلسفه‌ی خود را بر اساس جمله‌ی «من می‌اندیشم، پس هستم» بنا نهاده است، می‌گوید:

من نمی‌گویم مسیحیت حتماً بهترین دینی است که در همه‌ی دنیا وجود دارد. من می‌گویم در میان ادیانی که تا کنون من می‌شناسم و به آن‌ها دسترسی دارم، مسیحیت بهترین دین است. من با حقیقت جنگ ندارم... شاید مثلاً در ایران، دین و مذهبی وجود داشته باشد که بر مسیحیت ترجیح

استاد مطهری در این باره می فرماید:

این گونه اشخاص را نمی توان کافر خواند؛ زیرا عناد نمی ورزند، کافر ماجرای نمی کنند و در مقام پوشاندن حقیقت نیستند. ماهیت کفر چیزی جز عناد و میل به پوشانیدن حقیقت نیست. این ها «مسلم فطری» هستند. این ها را اگرچه مسلمان نمی توان نامید، ولی کافر هم نمی توان خواند. تقابل مسلمان و کافر از قبیل تقابل ایجاب و سلب یا عدم و ملکه \_ به اصطلاح منطقیین و فلاسفه \_ نیست، بلکه از نوع تقابل ضدین است؛ یعنی از نوع تقابل دو امر وجودی است، نه از نوع تقابل یک امر وجودی و یک امر عدمی. (۲)

۲ \_ معذوران از دیدگاه قرآن (۳)

### گونه های استضعاف

#### یک \_ کودکان و سالخوردگان

کودکان به خاطر صِغَر سنّ و پیرزنان و پیرمردان به خاطر کِبَر سنّ از دایره ی شمول احکام دشوار، معاف هستند. (۴)

#### دو \_ فشار و اجبار

گاهی انسان، مستضعف نیست، ولی در شرایطی قرار می گیرد که کاری از دستش بر نمی آید. برای نمونه، زندانی شدن از این موارد است. داستان حضرت موسی و هارون نیز این گونه است؛ زیرا هارون در نبود موسی علیه السلام

۱- عدل الهی، مرتضی مطهری، ص ۲۷۰.

۲- عدل الهی، مرتضی مطهری، ص ۲۷۰.

۳- درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، فصل ۱۳.

۴- نساء، ۱۲۷؛ تفسیر نمونه، ج ۴، صص ۱۴۷ \_ ۱۴۹.

نتوانست قوم بنی اسرائیل را از ساختن گوساله باز دارد. (۱)

### سه \_ استضعاف سیاسی و حکومتی

اگر فرد یا قومی زیر فرمان و استیلای حکومت یا قدرت جابر قرار گیرد و از بسیاری نعمت های خداوندی مانند: آزادی بیان، آزادی اندیشه و.... محروم شود، دچار استضعاف سیاسی و حکومتی شده است. خداوند می فرماید:

قوم بنی اسرائیل تحت استضعاف فرعونیان بودند. ما فرعون و لشکریانش را غرق کردیم و همه ی سرزمین ها و کاخ ها و برج ها و مال و منال آنان را به عنوان ارث به اینان بخشیدیم. (۲)

### چهار \_ استضعاف فکری

برخی انسان ها فارغ از ضعف جسمانی و عضلانی ممکن است به ضعف فکری و عقلانی دچار باشند. چنین افرادی را مستضعف فکری می نامند؛ زیرا: «نه چاره ای توانند ساخت و نه راه به جایی دارند.» (۳) از این رو، بار تکلیف از دوش اینان برداشته شده است.

### راه کار برون رفت از استضعاف

#### یک \_ مهاجرت

بدترین نوع استضعاف این است که کسانی بدون اجبار زیر تسلط ستم کاران باشند و همواره برای آنان، زحمت بکشند، بی آن که خیری در دنیا و آخرت از سوی این اربابان به آنان برسد. (۴)

۱- نساء، ۹۸: «لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا».

۲- اعراف، ۱۳۶ و ۱۳۷: «وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا».

۳- اعراف، ۱۵۰: هارون در پاسخ موسی علیه السلام که پرسیده بود، چرا او اجازه داد مردم بت پرست شوند، گفت: «قال ابن أمّ إنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بَنِي الْأَعْدَاءِ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

۴- ابراهیم، ۲۱.

هنگامی که فرشتگان الهی، جان اینان را می گیرند، از آنان می پرسند: «شما در دنیا چه می کردید؟ آنان پاسخ می دهند: هیچ، ما در شمار مستضعفان روی زمین بودیم. فرشتگان می گویند: مگر زمین خدا به اندازه ی کافی، پهن و گسترده نبود تا در آن مهاجرت کنید و دچار استضعاف نشوید؟(۱)

این گونه مستضعفان به دلیل ضرورت مهاجرت باید از زیر بار ظلم و استضعاف، رها شوند و به جایی دیگر از سرزمین خداوند بروند. به یقین، اگر همان جا بمانند، معذور نخواهند بود.

### دو \_ پیکار در راه خدا

قرآن کریم همواره به سرنوشت فرد، جامعه و اصلاح انسان ها توجه دارد و به مدعیان ایمان می فرماید:

چرا در راه خدا و برای نجات ناتوانان و افراد مورد ستم، تلاش نمی کنید؟(۲)

### خداوند و مستضعفان

#### یک \_ نصرت الهی برای مستضعفان

خداوند متعال در صورت تلاش و خواست مستضعفان، آنان را یاری می کند.(۳)

#### دو \_ وراثت زمین از آن مستضعفان

خداوند متعال در معارضه ی بنی اسرائیل با فرعونیان، آنان را غرق کرد و بنی اسرائیل را وارث فرعونیان در روی زمین قرار داد.(۴) خداوند در جای دیگر می فرماید:

---

۱- نساء، ۹۷.

۲- نساء، ۵۷.

۳- انفال، ۶.

۴- اعراف، ۱۳۷.



اراده ی الهی بر این تعلق گرفته است که بر مستضعفان زمین، مَّتّ گذارد و همواره آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهد. (۱)

دو گزینه ی اخیر از بحث ما بیرون است، ولی از بحث های گذشته درمی یابیم که مستضعف فکری و فرهنگی، کسی است که راه و چاره ای ندارد و بر صراط مستقیم و هدایت نیست و راه کار شناخت حق و پیمودن آن را نمی داند؛ «لا یستطیعون حيله و لا یهتدون سیلاً».

پس «مستضعفان»؛ یعنی بیچارگان و دست نارسان. در مقابل، «مرجون لامرالله» (۲) کسانی هستند که کارشان با خداست و خداوند آن گونه که حکمت و رحمتش ایجاب کند، با آنان رفتار خواهد کرد. هر دو اصطلاح از قرآن کریم گرفته شده است. ماخذ اصطلاح اول گذشت و اصطلاح دوم از آیه ی زیر گرفته شده است:

وَ آخِرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرٍ لِلَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

کار گروه دیگر به امر خدا احاله می شود؛ یا آنان را معذب می کند یا بر ایشان می بخشاید. خداوند، دانا و حکیم است. (۳)

باید دانست حواله دادن امر «مستضعفان فکری و فرهنگی» یا «مرجون لامرالله» به خدا بدین معناست که خداوند در نجات و رستگاری انسان ها بر اساس حکمت، رفتار می کند. نجات، امری تکوینی است، نه قراردادی و مراتبی دارد.

۱- قصص، ۵.

۲- نساء، ۹۷ \_ ۹۹.

۳- توبه، ۱۰۶.

اسلام نیز مراتبی دارد که از میل به صدق و خیر \_ که فطری انسان است \_ آغاز می شود و تا ایمان و تقوا \_ که مخصوص اولیاست \_ بالا می رود. بهشت بر روی کسانی که تنها به دلیل نرسیدن به حقیقت گمراه هستند، بسته نیست. با این حال، پاره ای باورهای نادرست، مانع پاکی و خلوص فرد است و آدمی را به طور غیر مستقیم به شقاوت و بدبختی می کشاند. (۱)

### ۳ \_ معذوران از دیدگاه روایات

#### اشاره

#### ۳ \_ معذوران از دیدگاه روایات

از دیدگاه ائمه اطهار علیهم السلام مردم از نظر ایمان و کفر در سه گروه: مؤمن، کافر و اهل ضلال (مستضعف) دسته بندی می شوند. (۲) اگر مؤمن، اهل بهشت و کافر، اهل جهنم است، به یقین، مستضعف اهل دوزخ نیست، ولی این که در بهشت یا در اعراف (۳) خواهد بود، بحث دیگری است. به فرموده ی امام صادق علیه السلام، مستضعفان در شمار کافران نیستند.

شارح اصول کافی به نقل از علامه مجلسی رحمه الله در این زمینه می نویسد:

بدان که مستضعف نزد بیشتر اصحاب ما، کسی است که امام را نشناسد و منکر او هم نباشد و ولایت شخص معینی را هم نداشته باشد. چنان چه شهید در «ذکری» فرموده و از شیخ مفید در کتاب «غریه» نقل می کند که فرمود: آن کس است که ولایت را شناخته، ولی در براءت توقف کند (به اصطلاح تولی دارد، ولی تبری ندارد). ابن ادریس گفته است: آن کسی است که اختلاف مذاهب را نداند و با اهل حق هم دشمن نیست (سپس مجلسی رحمه الله گوید: و این موافق تر با اخبار است). (۴)

۱- عدل الهی، ص ۳۵۲.

۲- اصول کافی، ج ۴، باب الضلال، ص ۹۱، حدیث ۲.

۳- بنابر سخن برخی صاحب نظران، اعراف جایی است میان جهنم و بهشت.

۴- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲۷، باب المستضعف، برگردان و شرح: سیدجواد مصطفوی.

## مستضعف در روایات

## اشاره

مستضعف در روایات

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که اختلاف مردم را (در دین) بفهمد، مستضعف نیست (۱) (زیرا در این صورت از نظر عقلی و شرعی پیدا کردن مذهب حق بر او لازم است).

این دو روایت به صراحت می‌گویند اگر کسی به دلیل حق و دین حق راه نیابد (به هر علتی) و نتواند دین حق را از همه ی اختلاف های موجود در میان خود ادیان تشخیص دهد، مستضعف است. اگر به دین حق و صراط مستقیم دسترسی یافت (به هر دلیل و هر طریقی باشد)، مستضعف نیست. بنابراین، شخص اول در صورت پیروی نکردن از دین حق، معذور است، ولی دومی اگر از دین حق و صراط مستقیم پیروی نکند و منکر آن شود، معذور نیست، بلکه سزاوار عذاب دوزخ است.

علی بن سوید گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی ضعف (ناتوان در دین) پرسیدم. ایشان به من نوشت: «ضعیف آن کسی است که حجت به او نرسیده و اختلاف را نفهمیده است. چون اختلاف را فهمید، مستضعف نیست» (۲).

امام باقر علیه السلام درباره ی «مُرْجُونَ إِلَى اللَّهِ» می‌فرماید:

همانا در صدر اسلام مردمی بودند که در آغاز مشرک بودند و به جنایت های بزرگی دست زدند. حمزه و جعفر و امثال این مسلمانان را کشتند، ولی بعد مسلمان شدند، شرک را رها کردند و به توحید گراییدند.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲۹: «قال ابو عبدالله عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اِخْتِلَافَ النَّاسِ فَلَيْسَ بِمُسْتَضْعَفٍ».

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۳۰: «عن علی بن سوید، عن ابی الحسن موسی علیه السلام قال: سألته عن الضَّعفاء فكتب الیّ؛ الضَّعِيفُ مَنْ لَمْ تُرْفَعِ اِلَيْهِ حُجَّةٌ وَ لَمْ يَعْرِفِ الْاِخْتِلَافَ، فَازَا عَرَفَ الْاِخْتِلَافَ فَلَيْسَ بِمُسْتَضْعَفٍ».

با این حال، ایمان در قلب آنان راه نیافت تا در شمار مؤمنان قرار گیرند و استحقاق راه یابی به بهشت را پیدا کنند. در عین حال، از جُحود و عناد نیز که سبب معذّب بودن شان بود، دست برداشته بودند. اینان نه مؤمن بودند و نه کافر و جاحد. اینان «مُرَجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» اند که کارشان حواله به خداوند است. (۱)

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

مردم شش دسته اند که به سه دسته بر می گردند: فرقه ی ایمان، فرقه ی کفر و فرقه ی گمراهی. این فرقه ها از وعده و وعید خدا درباره ی بهشت و دوزخ پیدا می شوند. آن شش فرقه عبارتند از: مؤمنان، کافران، مستضعفان، مرجون لامرالله، معترفان به گناه که عمل صالح و ناصالح را درهم آمیخته اند و اهل اعراف. (۲)

در حدیثی دیگر، امام باقر علیه السلام به زراره (که مدعی بود ارتباطش تنها با مؤمنان است؛ زیرا آنان اهل نجاتند) فرمود که نمی تواند نجات و رستگاری را در آنان منحصر بداند و باید به افرادی که مؤمن خالص و کافر نیستند، تعمیم دهد؛ زیرا خداوند به آنان نیز عنایت دارد. (۳)

### نتیجه

### نتیجه

از کنار هم نهادن آیات مستضعفان فکری \_ فرهنگی (۴) و آیه ی «مُرَجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» با روایت هایی که در اصل، تفسیر آن هاست (۵) درمی یابیم که عذاب

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۳۱، برگردان: سیدجواد مصطفوی، باب «المرجون لامرالله»؛ المیزان، ج ۹، ص ۴۰۶؛ عدل الهی، ص ۲۹۷.

۲- اصول کافی، ج ۴، باب اصناف الناس، ص ۹۱، حدیث ۲.

۳- اصول کافی، ج ۴، باب اصناف الناس، ص ۹۱، حدیث ۳.

۴- مانند: لا یستطیعون حیلہ و لا یهتدون سیلاً.

۵- مانند: مستضعف، کسی است که حجت به او نرسیده و اختلاف [در دین] را نفهمیده است.

برای مقصّران است نه قاصران. به دیگر سخن، غضب خداوند، فردی را در برمی گیرد که اگر حق بر او عرضه شود، در برابر حق، تعصّب و عناد ورزد یا دست کم در شرایطی است که باید تحقیق کند، ولی چنین نمی کند. در این صورت، چه بسا کسی نیز که در نام، مسلمان است، ولی در برابر حق، عناد می ورزد، مغضوب خدا گردد. هم چنین انسان هایی که ذاتا و به دلیل قصور در فهم و ادراک یا به علت های دیگر در شرایطی به سر می برند که مصداق منکر یا مقصّر در جست جو به شمار نمی روند، در ردیف منکران و مخالفان قرار نمی گیرند. آنان در شمار مستضعفان و «مُرَجُون لَامِرَاللّٰه» و معذور خواهند بود. به عبارتی، آنان چه بسا رستگارانند، هرچند بر صراط مستقیم و بر نهج فرقه ی ناجیه نباشند.

### کردار خوب و بد مسلمان و نامسلمان

#### کردار خوب و بد مسلمان و نامسلمان (۱)

قرآن کریم، کردار کافران را سرابی پوچ و بی حقیقت دانسته است؛ زیرا کردار آنان، ظاهری آراسته و فریبنده دارد، ولی چون برای هدف های پست مادی و فردی انجام شده است، چهره ی ملکوتی ندارد.

نسبت دنیا و آخرت، نسبت بدن و روح و نسبت ظاهر به باطن است که دوروی یک سکه اند. زمین، جمادات و نباتات دنیا، با چهره ی ملکوتی شان در آخرت پدیدار می شوند و اساسا آخرت، وجهه ی ملکوتی دنیاست. کردار آدمی هنگامی وجهه ی ملکوتی خوب و «علّینی» پیدا می کند که با توجه به خدا و برای صعود به ملکوت خدا انجام پذیرد. «به سوی او سخن پاک بالا

می رود و کردار شایسته بالا می بردش» (۱).

تلاشی که برای احسان و خدمت به خلق و به خاطر انسانیت انجام می گیرد، در ردیف عملی که تنها به انگیزه ی «خود» است؛ قرار نمی گیرد و خداوند، چنین کسانی را بی پاداش نمی گذارد. در برخی احادیث وارد شده است که مشرکانی نظیر «حاتم طایی» به خاطر نیکوکاری شان در دنیا، معذب نخواهند بود و عذاب آنان کاهش خواهد یافت.

آیات و روایات دلالت کننده بر پذیرفته نبودن کردار منکران نبوت یا امامت، ناظر به انکارهایی از روی عناد و لجاج و تعصب است. انکارهایی که تنها اعتراف نکردن است و در قصور ریشه دارد نه تقصیر، از قلمرو این آیات و روایات، بیرون است. از نظر قرآن کریم، این گونه منکران، مستضعف و مُرَجُونَ لامرالله به شمار می روند.

بدین ترتیب، کسانی که به خدا و آخرت ایمان دارند و با انگیزه ی تقرب به خدا و با خلوص نیت کار نیکی را انجام می دهند، سزاوار پاداش و بهشت اند خواه مسلمان باشند یا نامسلمان.

#### ۴\_ معذوران از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

#### اشاره

۴\_ معذوران از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

دیدگاه اندیشمندان اسلامی درباره ی کسانی که اهل حق نیستند، ولی ممکن است اهل نجات و رستگاری باشند، به هم نزدیک است. اینک دیدگاه چند تن از آنان را می آوریم:

#### الف\_ ابوعلی سینا

الف\_ ابوعلی سینا

ابن سینا پیش از این که نجات و رستگاری را برای بیشتر انسان ها اثبات کند، به بحث سعادت و شقاوت جسمی و بدنی انسان ها می پردازد و سپس به روح و قیامت آنان.<sup>(۱)</sup>

او مردمان را از نظر بدنی به سه دسته تقسیم می کند:

۱. کاملاً زیبا و در صحت و سلامت؛

۲. در زیبایی و صحت معتدل؛

۳. کاملاً زشت و مریض.

در یک بررسی اجمالی می بینیم که گروه اول و سوم کم هستند. برعکس، گروه دوم زیادترند و از سعادت دنیوی نیز برخوردارند. از این رو، اگر گروه اول را به گروه دوم بیافزاییم، مجموع دو گروه که از خیر و سعادت دنیوی برخوردارند، از گروه سوم بیشتر می شود. ابن سینا مردم را از نظر روحی و اخروی نیز به سه دسته تقسیم می کند:

۱. کاملاً عاقل و خوش اخلاق؛

۲. معتدل در عقل و خلق؛

۳. کاملاً بی عقل و بدخلق.

در این تقسیم بندی، گروه اول و سوم کم هستند، ولی گروه دوم بسیارند؛ زیرا گروه اول، اهل سعادت و نجات اند و گروه سوم، اهل شقاوت و گروه دوم که معتدل اند، زیادند. از این گروه، آنان که راه شقاوت را می پیمایند، زیاد نیستند و افزون بر آن، همیشه و همواره گرفتار شقاوت،

---

۱- اشارات و تنبیهات، ابن سینا، قم، نشرالبلاغه، ۱۳۷۵، ج ۱، ج ۳، نمط ۷، صص ۳۲۵ \_ ۳۲۸.

نخواهند بود؛ زیرا اهل لجاجت و عناد نیستند.

اهل شقاوت، اهل جهل مرکب اند. این در حالی است که بیشتر افراد، قاصرند و گرفتار جهل بسیط اند که به معادشان، زیانی نمی‌رساند. از سوی دیگر، همه ی آنان که گرفتار جهل مرکب اند، اهل شر و شقاوت اخروی نخواهند بود؛ زیرا جهل مرکب دو گونه است:

الف \_ جهل مرکب عنادی؛

ب \_ جهل مرکب غیر عنادی.

جهل مرکبی که برای آخرت و معاد زیان دارد، جهل مرکب عنادی است. صاحبان جهل مرکب عنادی نیز اندکند. از این رو، اگر گروه اول را به سعادت مندان بی شمار گروه دوم بیافزاییم، مجموعه ی بسیاری از انسان ها را خواهیم یافت که از گروه سوم \_ که مقصّرند و نجات را به لجاجت فروخته اند \_ بیشترند. بنابراین، بیشتر انسان ها در دنیا و آخرت، اهل سعادت و نجات اند. باید رحمت خداوند را فراگیر دانست، چنان که او می فرماید:

وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ.

رحمت همه چیز را فرا گرفته و آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که تقوا پیشه کنند. (۱)

پس مردم را از نظر علم و جهل، قاصر و مقصر به سه دسته می توان تقسیم کرد:

۱- اعراف، ۱۵۶. به این ترتیب، خداوند دو گونه رحمت دارد؛ رحمت عام که شامل همگان می شود: وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ و دیگری، رحمت خاص که انسان های باتقوا را در بر می گیرد: (فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ). دریای بی کران رحمت الهی، همه ی معتدلان، قاصران و متوسطان در علم و عمل و عقیده به ویژه عالمان و عاملان را در بر می گیرد.



۱. گروهی دانشمندند و به دانش خویش عمل می کنند که اهل سعادت و نجات اند.

۲. گروهی جهل بسیط دارند؛ یعنی در علم و عمل، متوسط هستند. ایشان اگرچه دانشمند نیستند، ولی با دانش و عمل صالح نیز عنادی ندارند. آنان آن چه می پندارند درست است، با اخلاص انجام می دهند و اگر حق و حقیقتی به ایشان عرضه شود، اعراض نمی کنند. یا هم چنین ممکن است اهل علم باشند، ولی به حق و حقیقت واقعی علم ندارند. ایشان دشمن حق و دین برتر نیستند، اگر چه ممکن است برخی از آنان، مدتی عذاب جهنم را ببینند، ولی روی هم رفته اهل نجات و سعادت اند.

۳. گروهی نیز جهل مرکب (۱) دارند و بی علم و عمل اند. اینان به دلیل عنادی که با حق دارند، فاسد هستند و گرفتار شقاوت.

در میان این سه گروه از مردم، آنان که مقصّرند و نجات را به ثمن بخش عناد فروخته اند، گروه سوم اند که شمارشان کم است. اگر شمار گروه اول را به شمار زیاد گروه دوم بیافزاییم، به دریای بی کران رحمت الهی می رسیم که نجات را برای بیشتر مردم به ارمغان خواهد آورد. جایگاه گروه اول نیز در این رحمت گسترده، بلند مرتبه خواهد بود.

## ب \_ صدر المتألهین

ب \_ صدر المتألهین

ملاصدرا درباره ی نجات اکثریت بر این باور است که احوال مردم در دنیا بر سه گونه است:

۱- مقصود از جهل مرکب، جهل مرکب عنادی است.

۱. در خوبی و سلامتی کامل؛

۲. در خوبی و سلامتی متوسط؛

۳. در نقص هایی چون زشتی و مریضی کامل.

گروه سوم بسیار اندکند و گونه های اول و دوم اکثریت را با درجه های گوناگون تشکیل می دهند. احوال مردم در آخرت نیز هم چون احوال دنیوی آنان سه بخش است: شمار انسان های مشتاق به تحصیل کمال علمی و عملی و کامل در علم و عمل به همراه متوسطان در علم و عمل، بیشتر از آنانی است که از علم و عمل گریزانند و به رذایل اخلاقی روی آورده اند. در دنیا و آخرت، اکثریت با اهل رحمت و سلامت است.

او پس از تحسین استدلال شیخ الرئیس در این مسأله، می گوید که دقت در اصول ایمانی و قواعد عقلی، این یقین را تداعی می کند که بیشتر مردم در آخرت، اهل سلامت و نجات هستند. (۱)

### ج \_ علامه طباطبایی

ج \_ علامه طباطبایی

کسانی که استضعاف فکری دارند نیز مشمول حکم مربوط به مستضعفان مذکور در آیه ی ۹۷ \_ ۹۹ سوره ی نساء می باشند... دلیل بر این مطلب، روایات بسیاری است که افرادی را که به عللی قاصر مانده اند، مستضعف به شمار آورده است. (۲)

د \_ شهید مطهری

بحث حکما، بحث صغروی است نه کبروی. بحث آن ها از ملاک عمل نیک و ملاک مقبولیت عمل نیست، بلکه درباره ی انسان است. این که

۱- اسفار اربعه حکمت متعالیه ملاصدر، بحث خیر و شر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱، چ ۳، ج ۷، فصل ۶، صص ۷۹

\_ ۸۰

۲- المیزان، ج ۵، صص ۵۱ \_ ۶۱.

اکثریت انسان ها، به تفاوت و به طور نسبی نیکند، نیک می مانند، نیک می میرند و نیک محشور می گردند. حکما می خواهند بگویند که هر چند مردمی که توفیق قبول دین اسلام می یابند، در اقلیتند، ولی افرادی که دارای اسلام فطری می باشند و با اسلام فطری محشور می گردند، در اکثریتند. به عقیده ی طرفداران این مشرب، منظور از این که در قران کریم آمده است انبیا از کسانی شفاعت می کنند که دین آن ها را بیسندند، دین فطری است نه دین اکتسابی. یعنی از روی قصور به آن نرسیده اند، ولی عنادی هم با آن نورزیده اند. (۱)

در یک جمع بندی کلی از نظر بوعلی سینا، صدرالمآلهین و دیگر اندیشمندان اسلامی می توان دریافت که آنان اکثریت انسان ها را قاصر می دانند نه مقصّر، هر چند به حقیقت اعتراف نداشته باشند. به گفته ی ایشان، اگر این افراد قاصر، خداشناس نباشند، معذب نخواهند بود، حتی اگر به بهشت هم نروند. اگر هم خداشناس بوده و به معاد معتقد باشند و اعمال شان را برای خدا انجام دهند، پاداش عمل نیک خود را می بینند. بنابراین، اشقیا و مغضوبین تنها مقصّیران و معاندانند، نه قاصران و معذوران.

علما و محدّثان شیعه با هم اتفاق نظر دارند که گروه هایی هم چون کودکان نابالغ، افراد دیوانه و سفیه، افراد ناشنوا و ناگویا و کسانی که در فاصله ی میان بعثت پیامبران به دنیا آمده و از دنیا رفته اند، قاصر بوده اند (۲) و با وجود باورهای نادرست، عذاب الهی شامل حال آنان نمی شود. (۳)

### قاصران و مقصران کیانند؟

#### اشاره

قاصران و مقصران کیانند؟

۱- عدل الهی، صص ۳۰۳ \_ ۳۰۵ و ۳۱۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۹.

۳- علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۲، قم، انتشارات بیدار، ص ۱۰۵۴.

با توجه به مباحث گذشته، قاصر و مقصر را می توان این گونه تعریف و تبیین کرد:

### الف) قاصران

الف) قاصران

کسانی هستند که به حقیقت اسلام نرسیده اند و آنان دو دسته اند:

۱ \_ گروهی که به دلیل ناتوانی فکری از تشخیص حقیقت محروم شده اند، مانند: کودکان، دیوانگان و سفیهان.

۲ \_ گروهی که توانایی عقلی و فکری دارند، ولی به دلایلی، حقیقت برای آنان، آشکار نشده است. (۱) نمونه های این گروه بدین قرار است:

الف \_ کسی در سرزمینی به دنیا می آید که امکان آموزش دین حقیقی برایش فراهم نیست.

ب \_ کسی در جایی زندگی می کند که فقیه دانشمند ندارد.

ج \_ کسی در خانواده ای تربیت شده است که به آیین موروثی سخت پای بندند و سرپیچی از آن، تاوان سنگینی دارد مانند: بودائی یا برهمن ها

د \_ ناشنویان، نابینایان و لال ها (با این استدلال که این نقص، آنان را از رسیدن به حقیقت باز دارد).

و \_ کسانی که پس از تحقیق در اسلام و ادیان دیگر، به حقیقت اسلام پی نبرده اند و نپذیرفتن اسلام از روی عناد و تعصب شان نبوده است. (۲)

چنین افرادی چه پیش از اسلام یا هم زمان با صدر اسلام یا در زمان کنونی زندگی کنند، اهل تحقیق و تسلیم در برابر حقیقتند. بنابراین، معذب

---

۱- بحار الانوار، ج ۶۹، باب المستضعفین، ص ۱۶۲.

۲- به گونه ای که اگر حقیقت اسلام برایشان به اثبات می رسید، هیچ گاه آن را انکار نمی کردند.

نخواهند بود؛ چون قاصرند. بدین سان وقتی روح تسلیم در وجودشان بود و به یافته‌ی اعتقادی خود عمل کنند، اهل نجاتند، حال چه بسا دکارت باشد یا کانت یا جان هیک و یا... . پس با برشمردن موارد یاد شده حتی اگر مسلمان نباشند و آن را نفی کنند، مسلمان فطری هستند. بدین ترتیب، چه بسا بسیاری از کافران، قاصر باشند.

### (ب) مقصران

(ب) مقصران

کسانی هستند که به حقیقت اسلام نرسیده‌اند یا اگر رسیده‌اند، آن را انکار می‌کنند و باورهای نادرستی دارند. داشتن این باورهای نادرست به دلیل تقصیر خودشان است؛ یعنی به خاطر کوتاهی، تعصب، جزمیت، غرور و عناد آنان است. این گروه معذّب خواهند بود. بنابراین، صرف کافر یا گناه کار بودن، مایه‌ی عذاب خداوند نمی‌شود، بلکه باور نادرست و گناهی که از روی آگاهی و عناد باشد، به مغضوب بودن آنان نزد خداوند می‌انجامد. باورهای ناصواب قاصر (بر خلاف مقصر) هیچ‌گاه دلیل گناه کار بودن او نشده و به عذاب نمی‌انجامد. کسی که به هر دلیلی، از حق و درستی، آگاهی ندارد، چه مسؤولیت و تکلیفی بر اوست که در صورت تخطی از آن، سزاوار عذاب باشد؟ قرآن، کافران را به همراه منافقان در دوزخ، جاودان می‌داند؛ زیرا هر دو منکر حق و معاند آن هستند:

خدا به مردان و زنان منافق (دو چهره) و کافران، آتش جهنم را وعده داده است که در آن جاودانه‌اند. آن (آتش) برای ایشان کافی است و خدا لعنت شان کرده و برای آنان، عذابی پایدار است (۱).

---

۱- توبه، ۶۸: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُ لَهُمْ وَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ». نك: توبه، ۷۳؛ احزاب، ۷۳؛ فتح، ۶؛ تحریم، ۹.

بنابراین، اظهار نظر درباره‌ی اشخاصی که قاصرند یا مقصر، اهل بهشتند یا اهل دوزخ، کاری دشوار و چه بسا غیرممکن است؛ زیرا تنها خداوند بر قلب‌ها، تسلط و آگاهی دارد و قاصر و مقصر بودن نیز تنها در قلب آدمی است. حتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز چنین نمی‌کرد، جز آن که سرنوشت افرادی را که خداوند بر او وحی می‌کرد، اظهار می‌فرمود. (۱) اساساً برای فیض خداوند، نمی‌توان حد و مرزی در نظر گرفت. هم‌چنان که خداوند پایین‌ترین درکات جهنم را به منافقان وعده می‌دهد:

منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند و هرگز یابوری برای آنان نخواهی یافت. (۲)

البته با طرح امکان پذیرش توبه‌ی منافقان می‌فرماید:

... تا این که خداوند، صادقان را به خاطر صدق‌شان پاداش دهد و منافقان را هرگاه اراده کرد، عذاب کند یا (اگر توبه کنند) توبه‌ی آنان را بپذیرد؛ زیرا خداوند، آمرزنده و رحیم است. (۳)

فیض و رحمت الهی را با عقل انسانی که آغشته به گناه است، نمی‌توان سنجید. هرچند از نظر اعتقاد، وظیفه‌ی هر بنده این است که میان خوف و امید زندگی کند، ولی این سخن به معنای محدود کردن رحمت بی‌کران الهی نیست. (۴)

۱- احقاف، ۵۰؛ اعراف، ۱۵۱.

۲- نساء، ۱۴۵: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا».

۳- احزاب، ۲۴: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا».

۴- حدید، ۲۹: «أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ همه‌ی فضل و رحمت به دست اوست. به هر کس بخواهد، آن را می‌بخشد و خداوند، فضل‌گسترده‌ای دارد».

بدین ترتیب، چگونه می توان نجات و رستگاری را با حقانیت برابر دانست؟ در نظر خداوندی که تلاش بنده اش را ارج می نهد و او را از دریای رحمت خود سیراب می کند، آیا رستگاران، اکثریت نخواهد داشت؟ نکته ی ظریف در سوی دیگر سخن نهفته است که اگر او به بنده ای که قاصرانه بر صراط ناصواب سیر می کند، این گونه نظر دارد، بر بنده ای که با بالِ حقانیت بر صراط مستقیم پرواز می کند، چگونه می نگرد؟

### هدایت، حقانیت، نجات و سعادت

هدایت، حقانیت، نجات و سعادت

بر حق دانستن اسلام به معنای دوزخی بودن پیروانِ ادیانِ دیگر و بی بهره بودن آنان از سعادت نیست. ممکن است غیر مسلمانی با وجود جست و جُو و تحقیق فراوان، به دلیل عوامل فکری، فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی گوناگون نتواند حق را بیاید، ولی به دانسته های دینی خود عمل کرده است. در این حالت، چون سعادت دایر مدار اطاعت است، او از اشقیاء نخواهد بود و به دوزخ نمی رود. افزون بر آن، به گفته ی همه ی علما، قاعده ی «قبیح عقاب بلا بیان» مخصوص احکام نیست، بلکه معارف را نیز دربرمی گیرد. بنابراین، اگر کسی تحقیق و جست جو کرد، ولی حقانیت اسلام را در نیافت، عقاب او قبیح است، پس حقانیت غیر از سعادت است و اگر کسی از نامسلمانان بر هدایت الهی نبود، ولی به اندازه ی دریافت خویش، از فرمان الهی پیروی کرد، رستگار خواهد بود. (۱)

معنای هدایت فراخ تر از پنداشتِ ماست و بر اساس عقل و نقل، نجات

---

۱- پلورالیسم دینی، صص ۱۵ و ۱۶، نشست دوم از کانون گفتمان دینی.

و سعادت بر پایه ی «ایمان به خدا و معاد و عمل صالح» به شرط عناد نورزیدن، استوار است. بنابراین، میان بُعد عملی و بعد نظری، تفاوت هایی وجود دارد. در بُعد عملی و از نظر سعادت اخروی، رحمت بی کران الهی \_ که از غضب او پیشی می گیرد \_ بسیار فراگیرتر از مدعیات کلامی و اندیشه ها و نظریه ها عمل می کند و شمول بیشتری دارد. بدین ترتیب، شمول رحمت، نجات و سعادت غیر از هدایت و حقانیت خواهد بود. هدایت، نجات و سعادت، مراتب طولی و شدت و ضعف دارند؛ زیرا بیشتر مردم از درجه ی کم در هدایت، نجات و سعادت بهره مندند و تنها اندکی از انسان ها به مراتب بالاتر می رسند.

### بیشتر انسان ها اهل نجات و رستگاری اند

بیشتر انسان ها اهل نجات و رستگاری اند

از دیدگاه قرآن و روایات، بیشتر مردم و پیروان ادیان دیگر، انسان های قاصر و مستضعفی هستند که با خداوند و دین اسلام هیچ گونه عناد و لجاجتی ندارند. آنان در صورت رفتار کردن به دستورهای آیین خود یا پیروی از حکم فطرت انسانی خویش در حوزه ی اخلاق، از نجات یافتگان و رستگاران خواهند بود. بر اساس ادله ی نقلی و عقلی که گذشت، بیشتر مردم وارد بهشت می شوند و از نعمت های الهی بهره مند خواهند شد. در مقابل، کسانی که از روی عناد و لجاجت، انکار اسلام و دین حق و حقیقت را پیشه ی خود سازند و از عملکرد خود پشیمان نباشند، در دوزخ، جاودان خواهند بود.

«معدور بودن» با «در صراط مستقیم بودن» تفاوت دارد. بسیاری از مردم مانند کافران مستضعف، معدورند و به دوزخ نمی روند، ولی به دوزخ نرفتن،



نشانه‌ی قرار داشتن آنان بر صراط مستقیم نیست. در قیامت و آخرت نیز کسی که معذور باشد، نمی‌سوزد و اگر معذور نباشد، به اندازه‌ی سلب معذوریتش، عذاب خواهد شد. بسیاری از انسان‌ها پس از پاک شدن شان در قیامت، ره‌سپار بهشت می‌شوند و تنها کافران عنود، لجوج و جهول، به دوزخ می‌روند که اینان نیز اندک‌اند.

## خاتمیت و جامعیت اسلام

### اشاره

#### خاتمیت و جامعیت اسلام

اگر «پلورالیسم دینی حقانیت» بر بهره‌مندی همه‌ی ادیان از حقانیت تأکید می‌ورزد، اسلام برای جامعیت خود، ادله‌ی اقامه‌ی می‌کند. اگر دینی بر حقانیت و جامعیت خود، دلیل عقلی و نقلی آورد، چگونه می‌توان آن را در کنار دیگر ادیان قرار داد؟

عقل به طرف دین خاتم، کامل و جامع میل پیدا می‌کند. از این رو، افزون بر مباحث گذشته، اسلام برای خاتمیت و جامعیت خود استدلال عقلی و نقلی ارائه می‌دهد تا خود را یگانه‌ی دین قابل تمسک معرفی کند. در این جا تنها به دو دلیل عقلی و یک دلیل نقلی بسنده می‌شود.

### برهان عقلانی \_ و حیانی در خاتمیت و جامعیت اسلام

#### برهان عقلانی \_ و حیانی در خاتمیت و جامعیت اسلام

عقلی که ضرورت همراهی با دین را پذیرفته است، اذعان می‌کند که نمی‌تواند در همه‌ی زوایای هستی، اظهار نظر کند و نیازهای جسمی و روحی بشر را برآورده سازد. بنابراین، به کمک وحی نیاز دارد تا قوانین کلی برای تکمیل عقل فرستاده شود. این نیاز همواره برقرار است تا این که نیاز انسان به قوانین کلی و قواعد اجتهادی تکمیل شود و در پرتو آن‌ها بتواند احکام فرعی را برداشت کند. تا زمانی که اصول کلی کامل نگشته است،

باید رسولانی باشند تا وحی الهی را به انسان‌ها برسانند. از این رو، خداوند متعال، پیامبران متعددی را فرستاد که هر کدام صاحب شریعت یا مبلغ شریعتی بودند. در پایان نیز حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را با اصول تکمیل‌کننده‌ی شریعت مجهز کرد و او را خاتم پیامبران و شریعتش را خاتم شریعت‌های گذشته قرار داد. مجتهدان و عالمان دینی پس از او می‌توانند با اصول وقواعد کلی فرستاده شده، مبانی و احکام فرعی شرع را برداشت کنند.

اگر شریعت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نیز کامل نبود، عقل حکم می‌کرد که یا باید عمر او طولانی‌تر از مدت مقرر باشد یا پس از او، پیامبر یا پیامبران دیگری برای تکمیل شریعت الهی می‌آمدند. از آنجا که عمر او طولانی نشده و به عنوان آخرین پیامبر الهی نامیده شده است، درمی‌یابیم که قوانین و اصول کلی لازم و مورد نیاز بشر به حدّ نصاب رسیده است و دیگر نوبت مجتهدان است تا با یاری گرفتن از قرآن و سنت قطعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، اصول و فروع احکام را برداشت کنند.

### **برهان نقلی در خاتمیت و جامعیت اسلام**

برهان نقلی در خاتمیت و جامعیت اسلام

آیات فراوانی بر جامعیت و خاتمیت اسلام دلالت می‌کند. خداوند در قرآن، ابتدا اسلام را دین حق، قیّم، حنیف فطری، محکم و استوار، کامل، بر صراط مستقیم، دربردارنده‌ی همه‌ی شریعت‌های آسمانی و دین خاتم می‌داند. سپس اسلام را یگانه دین مقبول و بهترین ادیان معرفی می‌کند و اُمت آن را بهترین اُمت‌ها می‌شمارد. آن‌گاه همگان را به اسلام فرا می‌خواند و پیروزی آن را بر دیگر ادیان نوید می‌دهد.

از مجموعه‌ی این آیات برمی آید که وحی به طور کامل به نیاز ضروری بشر پرداخته است و باقی مانده‌ی آن را باید مجتهدان با بهره‌گیری از روایات، برداشت کنند و به مردم بگویند. بدین ترتیب، این آیات، همان تبیین عقلی را تفسیر، تحکیم و تأکید می‌کند و این گونه نیست که اگر پیامبر بیشتر زنده می‌ماند، دین او بیشتر از این کامل می‌شد. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیشتر زنده می‌ماند یا حتی پیامبر یا پیامبران دیگری پس از او می‌آمدند، زوایای دیگری از دین آشکار می‌گشت، ولی آنان چیزی بیشتر از ضروریات آورده شده را نمی‌آوردند. در حقیقت، تفسیر و تبیین ضروریات و نوافل و مستحباتِ معارف بیشتر می‌شد، نه فرایض و ضروریات.

دلیل رخ ندادن چنین وضعیتی نیز آن است که قرار نیست دین، همه‌ی معارف و فروع را بگوید. دین، دو منبع غنی دارد؛ عقل و نقل. این دو منبع، حجت‌های الهی اند و باید با بهره‌گیری از عقل و نقل (۱) در این میدان آزمون الهی، گام نهاد و به تعالی رسید. (۲)

## خاتمیت در قرآن

### اشاره

#### خاتمیت در قرآن

اگرچه پیش‌تر به اجمال از آیات مربوط به اسلام، ویژگی‌ها و جایگاه آن سخن گفتیم، ولی اینک به تناسب بحث، بیشتر از آن‌ها استفاده می‌کنیم تا دریابیم چگونه اسلام، جامع و مانع همه‌ی ادیان الهی است. (۳) اسلام به عنوان آخرین شریعت می‌تواند همه‌ی انسان‌ها را به رستگاری برساند و

۱- نقل یا قرآن است یا سنت. سنت نیز با خبر متواتر، اجماع، خبر واحد یا شهرت روایی، کشف می‌گردد.

۲- مقاله‌ی «پلورالیسم دینی»، عبدالله جوادی آملی، کتاب نقد، ش ۴، صص ۳۵۹ \_ ۳۶۰.

۳- مقصود ما از ادیان، در این نوشتار، شریعت‌ها است، مگر این که همراه قرینه‌ای باشد؛ زیرا دین الهی، واحد است و شریعت‌ها، متعدد و متکثر هستند.

روی گرداندن آگاهانه‌ی انسان‌ها از آن و پیوستن به دیگر ادیان، خسران مبین و دوزخ را به همراه خواهد داشت. اینک به این آیات می‌پردازیم.

### یک \_ اسلام؛ دین حق

حق از اسمای حُسنای الهی است که دین خود را به آن توصیف کرده است:

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد. (۱)

### دو \_ اسلام؛ دین قَیم

هر آن چه در عالم، حق باشد، ضرورتاً قَیم و مقوم مردم به سوی حق و حَقانیت خواهد بود. از این رو، قرآن در موارد بسیاری از دین اسلام و پیام و حیانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان «دین قَیم» نام می‌برد:

این است آیین پابرجا (قَیم)، ولی بیشتر مردم (قَیم بودن آن را) نمی‌دانند. (۲)

### سه \_ اسلام؛ دین حنیف، خالص و هم آهنگ با فطرت انسان‌ها

پس روی خود را متوجه آیین خالص (حنیف) پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده است و دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳)

وقتی دینی، خالص و با فطرت و سرشت انسان‌ها هم آهنگ باشد، خواه ناخواه آموزه‌های اعتقادی آن نیز بر اساس فطرت انسان‌ها، تغییرناپذیر خواهد بود، همان گونه که سرشت و فطرت انسانی تغییرناپذیر است.

### چهار \_ اسلام؛ دین کامل و تمام

امروز، کافران از (زوال) آیین شما ناامید شدند. بنابراین، از آنان نترسید و از (مخالفت)

۱- فتح، ۲۸: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ؛ وَنَكَ: توبه، ۲۹.

۲- یوسف، ۴۰: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ توبه، ۳۶: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ روم، ۴۳: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ».

٣- روم، ٣٠: «فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللّٰهِذٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ بينه، ٥؛ نحل، ٥٢.

من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام ساختم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. (۱)

به یقین، اگر دینی، کامل و فرو فرستادن آن به عنوان کمال دین و اتمام نعمت الهی بندگان معرفی شود، مورد رضایت کامل خداوند نیز خواهد بود. به دیگر سخن، آن چه نیاز و ضروری فرو فرستادن برای بشریت بود، نازل گشته است و انسان ها با وجود اسلام، دیگر به قوانین و اصول کلی، نیاز ندارند و گرنه باز پیامبری دیگر می آمد. بدین سان بشر باید با بهره مندی از عقل و درایت خود، از این اصول و قوانین کلی، احکام و فروع خویش را کشف کند؛ یعنی آینده ی حیات دینی بشر در گرو تعامل میان عقل و نقل (قرآن و سنت) است.

### پنج \_ اسلام؛ بهترین دین و تنها صراط مستقیم

خداوند، بهترین دین و برترین دین داری را در اسلام می داند:

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ (۲)

روش های متعدد و متکثری برای رسیدن به خداوند وجود دارد، (۳) ولی خداوند می فرماید از میان همه ی این راه های متکثر و متعدد تنها شریعت اسلامی، راه مستقیم به سوی اوست. به همین دلیل، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

۱- مائده، ۳: «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ، الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

۲- نساء، ۱۲۵: «وَمَنْ أَحْسَنَ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا».

۳- به گفته ی معروف: الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ أَنْفُسِ خَلَائِقِهِ.

بگو: پروردگارم مرا به صراط مستقیم (راه راست که) آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا است) هدایت کرده است. (۱)

### شش \_ اسلام؛ یگانه دین مقبول الهی و اُمت اسلامی؛ بهترین اُمت ها

خداوند از میان ادیان موجود در جهان، تنها دین اسلام را به خود منتسب می کند:

دین نزد خدا، اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است (۲).

و اُمت آن را بهترین مردم می داند:

شما بهترین اُمتی هستید که از میان مردم پدید آمده است، امر به معروف و نهی از منکر می کنید، به خداوند ایمان دارید و

اگر اهل کتاب (به اسلام) ایمان آورند، برایشان بهتر است. (۳)

### هفت \_ اسلام؛ مجموعه ی شریعت های آسمانی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم؛ خاتم پیامبران

اسلام، مجموعه ی احکام نابی است که بر نوح، ابراهیم و موسی و عیسی و دیگر پیامبران الهی وحی شده است. به دیگر

سخن، اسلام یگانه دین در عصر حاضر است که شریعت های گذشته را قبول دارد و ایمان به همه ی پیامبران از حضرت آدم

علیه السلام تا حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم از ارکان آن به شمار می رود. بدین سان ختم شریعت ها و

تکمیل آن ها به وسیله ی آخرین پیامبر، حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله وسلم اعلام می شود:

محمد... رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است.

خداوند پس از تبیین معنا و ویژگی های اسلام و این که دین و پیامبر آن،

---

۱- انعام، ۱۶۱: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَيِّمًا».

۲- آل عمران، ۱۹.

۳- آل عمران، ۱۱۰؛ بقره، ۱۴۳.

خاتم همه ی ادیان و پیامبران است، همگان را از همه ی دوران ها به اسلام فرا می خواند (۱) و پیروزی آن را به همه ی ادیان دیگر نوید می دهد. (۲)

بنابراین، پس از آمدن شریعت اسلام و به حکم خاتمیت و جهانی بودن آن، شریعت های دیگر اعتباری ندارند؛ زیرا با حجیت و اعتبار آن ها، عمومیت و خاتمیت شریعت اسلام دیگر معنا نخواهد داشت.

### آسانی دین اسلام

#### آسانی دین اسلام

سخن قرآن مبنی بر این که دین اسلام، مجموع آموزه های شریعت های آسمانی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت عیسی علیه السلام را در بر دارد، به معنای آن نیست که همه ی تکلیف های آن ها را نیز با خود آورده است. آیات (۳) فراوانی بر سهل و آسان بودن آموزه های اسلام دلالت دارد. (۴) برای نمونه، خداوند به آسان بودن تکلیف های زیر اشاره کرده است:

۱ \_ آسان گیری بر بدهکار: لزوم مهلت دادن به بدهکار تنگ دست تا زمان توان مند شدن او برای پرداخت بدهی. (۵)

۲ \_ آسان گیری بر بیمار: معذور بودن بیماران از شرکت در جهاد، (۶) برداشتن تکلیف های سخت از اهداف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، (۷) برداشته شدن تکلیف

۱- بقره، ۲۰۸؛ زمر، ۵۲ \_ ۵۳.

۲- توبه، ۳۳؛ قصص، ۵؛ انبیا، ۱۰۵.

۳- برگرفته از: فرهنگ قرآن، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱، صص ۱۸۶ \_ ۱۹۱.

۴- بقره، ۱۸۵، ۲۳۳ و ۲۸۶؛ نساء، ۲۵ و ۲۸؛ مائده، ۶؛ انعام، ۱۵۲؛ اعراف، ۴۲ و ۱۵۷؛ حج، ۷۸؛ مؤمنون، ۶۲؛ اعلی، ۸.

۵- بقره، ۲۸۰.

۶- توبه، ۸۸ و ۹۱؛ فتح، ۱۵ و ۱۷.

۷- اعراف، ۱۵۷.



روزه از بیمار به دلیل سختی آن، (۱) جواز حلق (سر تراشیدن) پیش از وقت آن برای مُحرِم بیمار (۲) و تشریح تیمم به جای وضو برای معذور. (۳)

۳\_ آسان گیری بر پیرزن: معاف بودن زنان سال خورده از رعایت حجاب و پوشش کامل (۴).

۴\_ آسان گیری بر تنگ دست: آسان گیری بر تنگ دستان نیازمند. (۵)

۵\_ آسان گیری بر ناتوان: معاف بودن افراد ناتوان از جهاد. (۶)

۶\_ آسان گیری بر مسافر: رفع مشقت؛ حکمت برداشته شدن حکم روزه از مسافر. (۷) آسان گیری بر مسافر بدون آب، حکمت تشریح تیمم به جای وضو، (۸) برداشته شدن تکلیف نماز تمام از مسافر. (۹)

۷\_ آسان گیری در احکام اولیه: تکلیف دین درباره ی مضطر. (۱۰)

۸\_ آسان گیری در ازدواج (۱۱): شکستن سنت جاهلی حرمت ازدواج با همسر پسر خوانده که سبب گشایش در امر چنین ازدواجی برای مردم شد. (۱۲)

۹\_ آسان گیری در جهاد: معاف بودن افراد معذور و بیمار از شرکت در

۱- بقره، ۱۸۵.

۲- بقره، ۱۹۶.

۳- مائده، ۶.

۴- نور، ۶۰.

۵- بقره، ۲۸۰؛ توبه، ۹۱؛ طلاق، ۷.

۶- توبه، ۸۸ و ۹۱؛ نور، ۶۱.

۷- بقره، ۱۸۵.

۸- مائده، ۶.

۹- نساء، ۱۰۱.

۱۰- بقره، ۱۷۳؛ مائده، ۳؛ انعام، ۱۱۹ و ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵.

۱۱- نساء، ۲۵ و ۲۸؛ نور، ۳۲؛ قصص، ۲۷.

۱۲- احزاب، ۳۷.

جهاد، (۱) معاف بودن مؤمنان بدون وسیله از رفتن به جنگ و جهاد، (۲) معاف بودن معذوران از شرک در جهاد. (۳)

۱۰ \_ آسان گیری در دیه: لزوم رفتار پسندیده و به دور از سخت گیری با قاتل در گرفتن دیه از سوی اولیای مقتول، (۴)  
شایسته بودن سخت گیری نکردن قاتل در پرداخت دیه. (۵)

۱۱ \_ آسان گیری در عبادت: آسان گرفتن در حج، (۶) روزه، (۷) طهارت (۸) و نماز. (۹)

۱۲ \_ آسان گیری در قصاص: آسان گیری در قصاص، تخفیف و رحمتی از سوی خداست. (۱۰)

۱۳ \_ آسان گیری در کفاره: آسان گیری در کفاره ی اعمال حج، (۱۱) آسان گرفتن در کفاره ی روزه، (۱۲) آسان گرفتن در کفاره ی قتل، (۱۳) آسان گرفتن در کفاره ی ظهار. (۱۴)

---

۱- توبه، ۹۱ و ۹۲.

۲- توبه، ۹۱ و ۹۲.

۳- فتح ۱۶ \_ ۱۷.

۴- بقره، ۱۷۸.

۵- بقره، ۱۷۸.

۶- بقره، ۱۹۶.

۷- بقره، ۱۸۴ \_ ۱۸۷؛ مائده، ۶؛ نساء، ۴۳.

۸- مائده، ۶؛ نساء، ۴۳.

۹- مزمل، ۲۰؛ نساء، ۱۰۱ و ۱۰۲.

۱۰- بقره، ۱۷۸.

۱۱- مائده، ۸۹.

۱۲- مائده، ۸۹.

۱۳- نساء، ۹۲.

۱۴- مجادله، ۴.

## عوامل تجدید نبوت ها و ختم نبوت

عوامل تجدید نبوت ها و ختم نبوت

شهید مرتضی مطهری درباره ی ختم نبوت و عوامل تجدید نبوت ها و نیاز امروز بشر به دین می نویسد:

پیامبران با همه ی اختلافات فرعی و شاخه ای، حامل یک پیام و وابسته به یک مکتب بوده اند. این مکتب تدریجا بر حسب استعداد جامعه ی انسانی عرضه شده است تا بدان جا که بشریت به حدی رسید که آن مکتب به صورت کامل و جامع عرضه شد و چون بدین نقطه رسید، نبوت به وسیله ی محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم با کتاب قرآن مجید تکمیل شد که هیچ کس نمی تواند در آن تغییری ایجاد کند. «و کلام پروردگار تو با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید. هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد و او شنونده ی داناست»<sup>(۱)</sup>.

ایشان، نبوت را یک رشته ی به هم پیوسته و پیام خدا (دین) را حقیقتی یگانه بیشتر نمی داند. از دیدگاه ایشان، عوامل تجدید نبوت های تشریحی و تبلیغی و پایان یافتن آن پس از ظهور اسلام بدین قرار است:

۱\_ رشد فکری بشر قدیم به گونه ای بود که توان حفظ کتاب آسمانی و آموزه های دینی خود را نداشت. به همین دلیل، با تحریف یا محو آن ها روبه رو می شد و به تجدید نبوت ها نیاز بود. در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، بشر توانایی حفظ کتاب آسمانی از هرگونه تغییر، تبدیل، تحریف، کاهش و افزایش های جزئی و کلی را به دست آورد و دیگر نبوت تجدید نشد.

۲\_ رشد تدریجی اندیشه ی بشر قدیم سبب می شد به تناسب رشد عقلی خود، مرحله به مرحله رشد کند. بشر در زمان اسلام با رسیدن به

۱- انعام، ۱۱۵: «و تَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لَکَلِمَاتِهِ».

رشد لازم، توانست افتخار دریافت راهنمایی های کلی و جامع را به دست آورد. بنابراین، علمای امت در عصر خاتمیت \_ که عصر علم است \_ می توانند با اصول کلی و قوانین اساسی متناسب با شرایط زمانی و مکانی، حکم الهی را برداشت و اجتهاد کنند. به دیگر سخن، علمای امت می توانند کار پیامبران تشریحی و تبلیغی را دنبال کنند. (۱)

### خاتمیت؛ خودکفایی بشر از پیامبر نه دین

خاتمیت؛ خودکفایی بشر از پیامبر نه دین

این گونه نیست که چون در عصر شکوفایی علم و دست آوردهای بشری هستیم، دیگر به دین و مذهب نیاز نداریم. هر قدر به علم نیاز داشته باشیم، بیش و پیش از آن، به مذهب و ایمان نیاز داریم؛ زیرا تنها اختلاف دینی است که می تواند دست آوردهای علمی بشر را در مسیر مثبت و در راستای منافع انسانی حفظ کند و تداوم بخشد. بنابراین، دوران ختم نبوت، دوران ختم نیاز به وحی نیست.

به گفته ی شهید مطهری، انسان عصر نبوت همانند انسان محقق است که پس از پیمودن دوران های کلاسیک درسی، پایه های گوناگون را پیموده است و دیگر به آموزگار نیاز ندارد و خود باید تحقیق و اجتهاد کند. بنابراین، خاتمیت به معنای رسیدن بشر به مرحله ی خودکفایی از دین و وحی نیست، بلکه به معنای رسیدن به مرحله ی خودکفایی از پیامبر، دین و کتاب جدید است.

دین حق در هر زمانی، یکی بیش نیست و آن، دینی است که خداوند به

پیروی از آن دستور داده است. بنابراین، پیامبران پیشین، مصدق و مبلغ و مبشر پیامبران پسین و پیامبران پسین، مصدق پیامبران پیشین بوده اند. پس در دوره ی ختم نبوت باید به آخرین دین و سفارش الهی رجوع کرد و آن را برای رستگاری برگزید. از این رو، قرآن، دین پیامبران پیشین را اسلام معرفی می کند؛ زیرا اسلام، تسلیم حق بودن است که در هر زمانی، شکل و مصداقی داشته است. گاهی به نام یهود و مسیحیت و اکنون به نام اسلام، تجلی یافته است:

هرکس جز اسلام، دینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و در جهان دیگر در شمار زیان کاران خواهد بود. (۱)

### خاتمیت؛ راه گشای اختلاف ها

خاتمیت؛ راه گشای اختلاف ها

امروزه برای گشایش گره اختلاف میان ادیان و آموزه های آنان باید به واپسین شریعت رجوع کرد؛ زیرا همان گونه که پیامبر اسلام توانست اختلاف های صدر اسلام را فرو بنشانند، اکنون نیز با بهره گیری از آموزه های دین او می توان صلح، آشتی و هم زیستی را به ارمغان آورد.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

خداوند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را پس از دورانی طولانی که دیگر پیامبران نبودند، فرستاد؛ زمانی که میان هواداران مذهب های گوناگون، نزاع در گرفته بود و راه اختلاف می پیمودند. پس او را در پی پیامبران فرستاد و وحی را با فرستادن وی ختم فرمود. پس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با همه ی مخالفانی که به حق پشت کردند و از آن منحرف گشتند، به مبارزه

---

۱- آل عمران، ۸۵: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

پرداخت. (۱) برای تو کافی است که از راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم پیروی کنی تا برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن راهنمای خوبی باشد. (۲)

انسان ها به صورت فردی و جمعی به الگو نیاز دارند. فرد باید خود را به گونه ای رهبری کند که از موانع زندگی به آسانی بگذرد و جامعه ای را پدید آورد که مسیر رشد و تکامل را بپیماید.

به گفته ی امام علی علیه السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم الگوی مناسبی برای همه ی انسان ها و جامعه ی او \_ الگوی خوبی برای همه ی جامعه ها خواهد بود. در آن جامعه، دین داری و آزادی با هم بود و مسلمانان و نامسلمانان با هم زندگی می کردند. همه در تعاملی مسالمت آمیز، جامعه ی اسلامی را تشکیل دادند؛ یعنی چیزی که پلورالیسم دینی در پی آن است، در خاتمیت دین الهی فراگیرتر و آشکارتر به چشم می خورد.

## نتیجه

### نتیجه

۱ \_ تکثر دینی در قرآن، تکثر در شریعت است نه تکثر در دین. (۳)

۲ \_ منظور از وحدت دین در قرآن، اصول اعتقادی و گوهر مشترک شریعت ها است که پیامبران با توجه به رشد فکری مردم زمان خود، آن را تبلیغ می کردند و کم کم به سوی تکامل پیش می رفت.

۳ \_ دین اسلام، ثابت است، ولی شریعت ها تغییرپذیرند. هر شریعتی پس از ظهور، شریعت پیشین را نسخ می کند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶۰.

۳- در قرآن واژه ی دین ۹۲ بار تکرار شده و همواره به شکل مفرد آمده است.

۴ \_ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، آخرین پیامبر است و شریعتش، آخرین شریعت. بنابراین، شریعت های پیش از خود را نسخ می کند و گرنه آمدن آن لغو خواهد بود.

۵ \_ با وجود شریعت اسلام نمی توان به شریعت های دیگر رجوع کرد و آن ها را پذیرفت؛ زیرا خداوند، مجموعه ی شریعت های آسمانی خود را در اسلام گرد آورده و بدان فرا خوانده است. خداوند فرموده است که اسلام را تکمیل کرده و رضایت او به آن تعلق گرفته است. به دیگر سخن، پس از ظهور اسلام، مصداقِ اسلامِ عام، تنها شریعت اسلام (اسلام خاص) است.

۶ \_ دلیل عقلی و نقلی بر خاتمیت شریعتِ اسلام دلالت می کند.

۷ \_ خاتمیت به معنای خود کفایی انسان از پیامبر و شریعت و کتاب جدید است، نه خود کفایی از دین. انسان هرچه متمدن تر شود، بیشتر به دین نیازمند می شود؛ یعنی باید با تلاش عقلانی و تمسک به قرآن و سنت، احکام و فروع مورد نیاز بشر را بر اساس اصول و قواعد کلی اسلام استنباط و اجتهاد کنیم.

۸ \_ خاتمیت بر سه رکن «بهترین شریعت، بهترین کتاب و بهترین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم» استوار است.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

هنگامی کرامت اعزام نبوت از سوی خدای سبحان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم رسید، نهاد اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد و نهال وجود او را در اسیل ترین و عزیزترین سرزمین ها کاشت و آبیاری کرد. او را از همان درختی که دیگر پیامبران و ائمه را از آن آفرید، به وجود آورد که عترت او بهترین عترت ها و خاندانش بهترین خاندان ها و

درخت وجودش از بهترین درختان است. در حرم آمن خدا روید... پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، پیشوای پرهیزکاران و وسیله ی بینایی هدایت خواهان است... راه و رسم او، با اعتدال و روش زندگی او، درست و پایدار و سخنانش، روشن گر حق و باطل و حکم او، عادلانه است. خداوند او را در زمانه ای برانگیخت که با زمان پیامبران گذشته، فاصله بسیار داشت و مردم از نیکوکاری فاصله گرفته و امت ها به نادانی گرفتار شده بودند. (۱)

۹ \_ با وجود جامعیت و خاتمیت اسلام و معجزه ی آن \_ قرآن \_ تنها دین صراط مستقیم و بر حق، اسلام است.

## حُسن ختام

### اشاره

حُسن ختام

زیر فصل ها

موضع گیری ما در برابر ادیان

وحدت ادیان الهی در قرآن

اسلام؛ مصدق، مبین و ادامه دهنده ی ادیان پیشین

رسانه و رهیافت های پلورالیسم

## موضع گیری ما در برابر ادیان

موضع گیری ما در برابر ادیان

صراط مستقیم، شریعت اسلام است که با ظهور معجزه ی آن \_ قرآن \_ دیگر شریعت ها نسخ شده اند. اگرچه ایمان به اسلام، ایمان به همه ی شریعت های پیشین است و همه ادیان الهی در گوهر دین «محوریت توحید در عقیده و عمل» مشترکند، ولی خداوند بر اساس رشد فکری مردم هر زمان، انسان ها را به دینی فرا خوانده است. بنابراین، اعتقاد به حقانیت ادیان گوناگون آن گونه که نازل شده اند، حق، ولی عمل به شریعت آن ها، باطل است. با این حال می بینیم که ادیان الهی در محورهایی با هم وحدت دارند و قرآن نیز به زیبایی به این محورها اشاره می کند.

## وحدت ادیان الهی در قرآن

وحدت ادیان الهی در قرآن





می کند؛ زیرا تورات، انجیل و قرآن از آغاز و انجام انسان و جهان سخن گفته اند و دنیا را پُلی برای رسیدن به زندگی جاودانه ی آخرت می دانند. قرآن از یک سو، همه ی ادیان و پیامبران الهی و کتاب های ایشان را یکی می داند و از سوی دیگر، پیام و کتاب خویش را فصل الخطاب همه ی آن ها معرفی می کند. (۱)

قرآن، با برشمردن فهرست کامل پیامبران ابراهیمی و دو پیامبر بزرگ یهود و مسیحیت، اعلام می دارد که هر مسلمانی باید هم چنان که به خداوند و قرآن ایمان دارد، به آموزه های آنان نیز ایمان داشته باشد. (۲) این سخن به معنای برافراشتن پرچم وحدت میان همه ی ادیان ابراهیمی یا سامی است که امروزه سه دین بزرگ جهان \_ یهود، مسیحیت و اسلام \_ را تشکیل می دهند.

خداوند، محورهای وحدت میان ادیان الهی را به شکل بسیار زیبا و وحدت آفرینی در قرآن ترسیم می کند: (۳)

۱ \_ وحدت آفریننده (توحید): خدای واحدی که بخشنده و مهربان است و آفریننده ی همه ی انسان ها به شمار می رود. (۴)

۲ \_ وحدت رسولان الهی: هیچ گونه تفاوت اساسی و بنیادین میان مجموعه ی بزرگ رسولان الهی نیست و همه ی آنان برای یک هدف و پیام آمده اند، (۵)

۱- آل عمران، ۸۵.

۲- بقره، ۱۳۶.

۳- در آمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، فصل سوم.

۴- بقره، ۱۳۳ و ۱۶۳؛ عنکبوت، ۴۶؛ انبیا، ۹۲.

۵- بقره، ۲۸۵؛ احزاب، ۷.

هرچند اختلاف مراتب داشته باشند. (۱)

۳ \_ وحدت کتاب های آسمانی: سه کتاب بزرگ الهی \_ تورات و انجیل و قرآن \_ آن گونه که نازل شده اند، در یک ردیف و در کنار هم قرار دارند (۲) و پیام و حیانی آن ها واحد است. (۳)

در پرتو این محورهای وحدت آفرین، اسلام خود را مصدق و مبین ادیان پیشین می داند. از این رو، قرآن رابطه ی خود را با ادیان پیشین حفظ می کند و آموزه های خود را در تداوم آموزه های کتاب های پیشین می داند و برای تورات و انجیل، جایگاه ویژه ای قایل است.

### اسلام؛ مصدق، مبین و ادامه دهنده ی ادیان پیشین

#### اشاره

اسلام؛ مصدق، مبین و ادامه دهنده ی ادیان پیشین

زیر فصل ها

۱ \_ اسلام؛ مصدق ادیان پیشین

۲ \_ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم؛ تبیین گر کتاب های پیشین

۳ \_ آشنایی اهل کتاب با اسلام

جایگاه تورات و انجیل در قرآن

#### ۱ \_ اسلام؛ مصدق ادیان پیشین

۱ \_ اسلام؛ مصدق ادیان پیشین

اسلام، دین، کتاب و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خود را تصدیق کننده ی دین و کتاب و پیغمبران اهل کتاب می داند. (۴) آن گاه در کمال آزاداندیشی، از یهودیان و مسیحیان می خواهد به تورات و انجیل آن گونه که نازل شده است، ایمان آورند؛ (۵) زیرا ایمان به آن ها، ایمان به قرآن را نیز دربرخواهد داشت. اسلام پس از بیان ویژگی های مشترک میان ادیان الهی، همه را به اتحاد فرا می خواند (۶) و به مسلمانان یادآوری می کند که اگر میان شما و اهل کتاب،

۱- بقره، ۲۵۳.

۲- توبه، ۱۱۱؛ شعراء، ۱۹۶؛ اعلی، ۱۸ و ۱۹.

۳- نساء، ۱۶۳.

۴- آل عمران، ۳؛ مائده، ۵۹.

۵- مائده، ۶۸.

۶- آل عمران، ۶۴.

بحثی در گرفت، مجادله ی أحسن کنید(۱) و بدون درگیری فیزیکی، با برهان قاطع به آنان پاسخ دهید.

## ۲\_ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم؛ تبیین گر کتاب های پیشین

۲\_ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم؛ تبیین گر کتاب های پیشین

یکی از رسالت های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، تبیین بخش گسترده ای از آموزه های کتاب مقدس بود که اهل کتاب آن را پنهان می کردند.(۲)

## ۳\_ آشنایی اهل کتاب با اسلام

۳\_ آشنایی اهل کتاب با اسلام

نشانه های اسلام در کتب مقدس آمده بود و اهل کتاب می دانستند که پیامبری به نام احمد صلی الله علیه و آله وسلم خواهد آمد.(۳)

تورات و انجیل به این ظهور بشارت داده بودند(۴) و حتی یکی از استدلال های حضرت عیسی علیه السلام برای پیامبری خویش نزد بنی اسرائیل، تمسک به بشارت آمدن احمد صلی الله علیه و آله وسلم پس از او بود.(۵) این مطلب در انجیل برنابا به صراحت آمده است، ولی باید گفت این انجیل از دیدگاه کلیسا نامعتبر شناخته شده است(۶).

۱- عنکبوت، ۴۶.

۲- مائده، ۱۵.

۳- بقره، ۸۹ و ۱۴۶؛ انعام، ۲۰.

۴- اعراف، ۱۵۷.

۵- صف، ۶.

۶- انجیل برنابا که بشارت های فراوانی درباره ظهور حضرت رسول خاتم ص دارد و مورد توجه مسلمانان است، مسیحیان قبول نداشته و آن را جعلی می دانند. نام انجیل برنابا در فهرستی که پاپ جلاسیوس اول قبل از بعثت حضرت رسول صلی الله علیه و آله منتشر کرده است، وجود دارد، ولی مسیحیان می گویند آن انجیل مفقود شده است و ربطی به انجیل برنابای کنونی ندارد. همچنین نوشته ای به نام رساله برنابا نزد مسیحیان وجود دارد که تا اندازه ای مورد احترام آنان است، ولی باید دانست که رساله یادشده غیر از انجیل برنابا است. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۱۲۹.

## جایگاه تورات و انجیل در قرآن

### جایگاه تورات و انجیل در قرآن

قرآن از تورات و انجیل به عنوان نور و مایه ی هدایت نام می برد؛ یعنی جایگاه کتاب مقدس آن گونه که نازل شده، در اسلام بسیار بلندمرتبه است. خداوند در قرآن درباره ی تورات می فرماید:

ما تورات را نازل کردیم، در حالی که در آن، هدایت و نور بود و پیامبرانی که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می دادند و علما و دانشمندان بر اساس این کتاب که به آن ها سپرده شده بود و بر آن گواه بودند، داوری می کردند. (۱)

هم چنین درباره ی انجیل می فرماید:

در پی آنان (پیامبران پیشین) عیسی بن مریم را فرستادیم، در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود، تصدیق می کرد و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود. (۲)

این آیات به این معنا نیست که نورها و چراغ های چندی به ما معرفی شده است و ما می توانیم هر یک از این نورها را فرا راه خود قرار دهیم. خداوند این نورها را به نوبت و با توجه به سطح فکری مردم همان زمان نازل فرموده است. در زمان کنونی نیز باید به چراغ و نور متناسب با رشد و خودکفایی فکری مردم پناه ببریم.

افزون بر آن، قرآن، تورات و انجیل را آن گونه که نازل کرده است، نور و هدایت می داند، نه کتاب های مقدس کنونی را که بشر در تدوین آن ها نقش داشته و تحریف در آن بسیار به چشم می خورد.

۱- مائده، ۴۴: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ...».

۲- مائده، ۴۶: «... وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ...».

بنابراین، روح و گوهر همه ی شریعت های الهی، «توحید در بُعد نظر و عمل» است. شریعت حق در زمان ما، اسلام است و مهلت هدایت گری شریعت های دیگر پایان یافته است. با ظهور اسلام، برخی آموزه های کتاب مقدس (حتی کتاب مقدس آن گونه که نازل گشته بود) نسخ شده و تنها شریعت هم آهنگ با شرایط زمانی و مکانی و متناسب با رشد فکری این زمان، واپسین شریعت، یعنی اسلام است.

بدین ترتیب، پس از تحریف ادیان، این شریعت ها هیچ حجیت عقلی ندارند؛ یعنی عقل گرایش به آن ها را منع می کند. بنابراین، پیروی از ادیانی که قابل اسناد به پیامبران الهی نباشد، درست نیست.

## رسانه و رهیافت های پلورالیسم

### اشاره

رسانه و رهیافت های پلورالیسم

اینک به این بحث می پردازیم که آن چه گفتیم چگونه باید در رسانه های گروهی مطرح شود. بنابراین بحثی را به نام رسانه و رهیافت های پلورالیسم گشوده ایم تا نقش رسانه را در ارایه ی مباحث پلورالیسم دینی تبیین نمائیم. از این رو پس از برشمردن نکته هایی، کارشناسان و مراکزی را که در این زمینه فعالیت دارند، معرفی می کنیم.

محور بحث، رسانه ی فراگیر صدا و سیما است، ولی امیدواریم این گفتار برای دیگر رسانه های گروهی نیز سودمند باشد.

### ۱ \_ توجه رسانه به جایگاه بحث پلورالیسم دینی

۱ \_ توجه رسانه به جایگاه بحث پلورالیسم دینی

پلورالیسم دینی از مباحث نوین حوزه ی کلام جدید و فلسفه ی دین است که در سال های اخیر در مجامع علمی و حتی غیر علمی بدان بسیار توجه

شده و موافقان و مخالفانی یافته است.

همیشه باید با ژرف بینی و بردباری به عرصه ی مباحث علمی گام نهاد و با دوری از پیش داوری های شتاب زده و جانب داری سیاسی و غیر علمی، بدان نگریست. از این رو، در مقایسه ی پلورالیسم با معارف اسلامی یا نقد و بررسی نقطه های قوت یا نارسایی های آن باید با بلندنظری سخن گفت و در پذیرش یا ردّ گونه هایی از آن نیز باید اصل شفاف نگری و روشنگری را هم چون چراغ فرا راه داشت تا برای جامعه ی دینی به ویژه اندیشمندان، کاربرد داشته باشد. افزون بر آن، باید دانست که هرچند این بحث از مغرب زمین آمده است، ولی بحثی فراگیر، همه فهم و پرتطرفدار در خاستگاه خود (غرب) نیست.

## ۲\_ نقش رسانه در انتقال صحیح مباحث پلورالیستیک

### اشاره

#### ۲\_ نقش رسانه در انتقال صحیح مباحث پلورالیستیک

زیر فصل ها

الف \_ ارایه بحث پلورالیستیک

ب \_ هدف مندی رسانه

ج \_ برخورد درست رسانه با ادیان پیشین

### الف \_ ارایه بحث پلورالیستیک

الف \_ ارایه بحث پلورالیستیک

پلورالیسم، بحثی است که در تعریف، مبانی و پیامدهای آن باید به دقت توجه کرد. بنابراین، سخن گفتن از پلورالیسم دینی به معنای پذیرفتنی نشان دادن جامعه ی پلورالیستیک در میان نظریه پردازان و جامعه ی دینی نیست.

به طور کلی، جامعه ی پلورالیستیک، جامعه ای است که همه ی ادیان، مکتب ها، نحله ها و گروه ها در آن به رسمیت شناخته می شوند و هیچ کس و هیچ مرجعی برای دیگری حجّیت نیست. هرچند امروزه، در مغرب زمین از آزادی بیان و اندیشه، دنیای آزاد اطلاعات و پلورالیسم دم می زنند، ولی همه ی این ها در عمل، شعاری بیش نیست. اگر منافع حکومت یا



شرکت های بزرگ چند ملتیتی به خطر افتد، همه ی این آرمان ها فراموش می شود و به بدترین شکل ممکن نقض می گردد.

امریکا را مهد اندیشه ی پلورالیستی می دانند، ولی به حقیقت، آیا همه ی فرقه ها، ادیان، مکتب ها و نحله های سیاسی، دینی و فکری در این کشور به رسمیت شناخته شده اند؟ آیا همه ی این ها در بیان مبانی عقیدتی خود آزادند؟ پاسخ آشکار است (۱). هیچ گاه چنین نبوده و نیست. بنابراین، نباید انتظار داشت که این واژه های سیاسی \_ فرهنگی در کشورهای اسلامی به طور کامل پذیرفته شود. پس رسانه ها باید با هوشیاری و اطلاع رسانی بهنگام، با به تصویر کشیدن واقعیت ها، رسالت فرهنگی خود را به انجام رسانند.

رسانه می تواند با نگرشی فلسفی \_ کلامی به پلورالیسم پردازد و نارسایی ها یا ویژگی های مثبت آن را نمایان سازد. شایسته است رسانه به دور از تحجرگرایی با آماده کردن برنامه های علمی، به مخالفان و موافقان این اندیشه، فرصت دهد در محیطی عالمانه درباره ی تبیین جنبه های گوناگون این موضوع به بحث و بررسی پردازند و با جمع بندی دست آوردهای پذیرفتنی، آن را برای مخاطبان فرهنگ دینی ارایه دهند.

---

۱- از نمونه هایی که آزادی سیاسی، عقیدتی، مذهبی و... جامعه پلورالیستیک آمریکا را به چالش فرا می خواند عبارت است از: سوگیری جانبدارانه از مبانی عقیدتی صهیونیسم، ترور ملکام ایکس ۱۹۶۵ م، قتل مارتین لوتر کینگ (۱۹۶۸ م)، بمب باران گروه موو (Move) در اواسط دهه ۸۰، سرکوب فرقه دیویدیان (داوودیه) در ۱۹ آوریل ۱۹۹۳، تبعیض نژادی و مذهبی نسبت به سياهان آمریکا و مسلمانان مانند به آتش کشیده شدن مسجد شهر یوبا (اول سپتامبر ۱۹۴۴) و مسجد «الصف» در سال ۱۹۹۳ (در حالی که چهل درصد از بودجه ی مرکز و مؤسسات جهودان توسط دولت فدرال و یا ایالت های مختلف پرداخت می گردد) و....

**ب \_ هدف مندی رسانه**

ب \_ هدف مندی رسانه

پی گیری هدف مشخص در پیش کشیدن بحث پلورالیسم دینی بسیار اهمیت دارد. به راستی، طرح این مباحث چه مشکلی را برطرف می سازد؟ آیا حق و باطل در هم آمیخته اند تا برای جدا کردن آن ها تلاشی ارزشمند صورت پذیرد؟ آیا صحنه های اجتماعی یا سیاسی منتظرند با پی گیری این مباحث، مبانی نظری و دینی خود را دریابند؟ آیا به هم زیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان متفاوت در جامعه ی دینی، آسیبی وارد شده است که با این کار می خواهیم آن را ترمیم کنیم؟

**ج \_ برخورد درست رسانه با ادیان پیشین**

ج \_ برخورد درست رسانه با ادیان پیشین

یکی از مباحث جدی در بحث پلورالیسم دینی، نسخ ادیان پیشین و تبیین تحریف در آن هاست. رسانه با تیزبینی باید نمونه هایی از انحراف و تحریف کتاب های دینی پیشین را برشمارد، ولی نباید به حدود و میزان آن ها پردازد؛ زیرا مشخص کردن این که چه تعداد از احکام منحرف یا نسخ شده اند، بسیار دشوار است، زیرا سندهای تاریخی در زمینه ی شمار احکام تحریف شده بسیار کم است و اگر باشد، همانند خود کتاب مقدس دست خوش افراط و تفریط شده است. افزون بر آن، حکم دادن درباره ی این که چه کسانی راه سعادت یا انحراف را می پیمایند، اشتباه است.

گفتنی است درستی و حقیقت اسلام به معنای تکذیب ادیان دیگر نیست. ادیان دیگر نیز از سوی خداوند آمده و در عصر خود هدایت گر بوده اند. بنابراین، کار رسانه نباید به معنای تکذیب ادیان دیگر جلوه کند. از نظر ما، اسلام حق است و ادیان دیگر نیز از حق بهره مندند، ولی در عصر

حاضر نمی توان آگاهانه از ادیان پیشین پیروی کرد.

### ۳\_ بررسی کارشناسانه ی پلورالیسم دینی و کاربردی کردن آن

#### ۳\_ بررسی کارشناسانه ی پلورالیسم دینی و کاربردی کردن آن

رسانه باید به برخی پیامدهای منفی پلورالیسم دینی مانند شکاکیت و شناخت ناپذیری واقعیت فی نفسه اشیا، برداشته شدن مرز هدایت و گمراهی و تقطیع یا مُثله کردن ادیان و... بیشتر توجه کند و برای تبیین آن از مناظره و گفت و گو با کارشناسان با تجربه ی حوزه و دانشگاه بهره بگیرد.

از سوی دیگر، انجام کار کارشناسی بر روی موضوع، پیش از طراحی و تولید برنامه ها ضروری است. اگر بررسی های اساسی با خلاقیت و ابتکار در هم آمیزد، در تبیین موضوع بسیار نقش خواهد داشت.

برای کاربردی تر ساختن این گونه برنامه ها باید گروهی از کارشناسان، نیازها، مشکلات، پرسش ها و شبهه های دینی جامعه را به صورت همه جانبه شناسایی کنند تا با توجه به نوع نیاز، درباره ی جنبه های گوناگون پلورالیسم سخن گفته شود. به دیگر سخن، برنامه باید با شناخت دقیق نیازهای جامعه ساخته شود.

### ۴\_ پیش گیری از گسترش اباحی گری

#### ۴\_ پیش گیری از گسترش اباحی گری

در بحث پلورالیسم دینی، گروهی به یک هرج و مرج فکری رسیده اند و بر این باورند که هر کسی فهمی از دین دارد، همه ی فهم ها بشری است و فهم بشری نیز مقدس نیست بنابراین نه می توان انتظار زیادی از دین داشت و نه تقدسی برای آموزه های آن در نظر گرفت. اینان در پی آن هستند گونه ای اباحی گری را گسترش دهند.

باید دانست مجموعه ای از فهم ها، ضروری دین است. برای نمونه،

برداشت مجتهدی که سال ها در کتاب و سنت و عقل و تعامل آن ها در احکام دینی کار کرده است، با برداشت نویسنده ای که در این رشته، تخصصی ندارد، برابر نیست. هر دو در معارف دینی نظر داده اند و نظر هر دو ظنی است، ولی میان آن ها فاصله بسیار است. ظنی مجتهد مستند است، ولی ظنی غیر مجتهد مستند نیست. (۱)

از این رو، موضوع های دین پژوهی مانند پلورالیسم دینی که با اخلاق و باورها و ارزش ها و راه و رسم زندگی انسان ها به طور مستقیم در ارتباط است، باید به گونه ای بیان شود که برای مخاطبان عام، ساده، متقن و کامل و برای اندیش ورزان، علمی و مستدل باشد.

## ۵\_ داشتن رویکرد پویا

### ۵\_ داشتن رویکرد پویا

برنامه ریزان و روشن فکران رسانه در مسایل جدید و معارف دینی باید بر خلاف مسیحیان در غرب، رویکردی منفعلانه نداشته باشند. برخی اندیشمندان مسیحی به دلیل نگاه منفعلانه به مسایلی هم چون: خداگرایی، جاودانگی، روح، آزادی و حقوق زنان، گرفتار آفت های بی شماری شده اند. بنابراین، به دلیل هراس از عقب ماندن از جامعه های دیگر و آرای جدید، نباید مبانی دینی و انسانی را کنار گذاشت. باید از دلیل تراشی نامناسب برای معارف دینی واهمه داشت زیرا سخنی که مستدل و روشمندان بیان می شود، خدشه پذیر نیست. معارف دینی \_ انسانی را باید از متون دینی دریافت و به صورت درست، مستدل و با روشی روان شناسانه و با رهیافت جامعه

---

۱- پلورالیسم دینی، صادق لاریجانی، مرکز مطالعات حوزه ی علمیه، صص ۱۳ \_ ۱۴.

شناختی مناسب در جامعه گسترش داد. در مسایل جدید نیز باید کارشناسان علوم اسلامی به جرح و تعدیل برنامه پردازند تا ویژگی های مثبت و منفی بحث به درستی تبیین شود.

برنامه سازان باید به این دو نکته توجه کنند:

الف \_ از مطرح کردن نظریه ها و مطالب مطرود یا مورد تردید خودداری شود.

ب \_ روش ارایه یا القای مباحث پلورالیسم با خود بحث پلورالیسم تناسب داشته باشد.

با این کار، از داوری شتاب زده در تایید یا نفی بحث پیش گیری می شود. البته این سخن بدان معنا نیست که رسانه پس از نهادینه شدن یک موضوع، سخن بگوید، زیرا گاهی سخن گفتن یا نفی موضوعی که برای خود جایی باز کرده است، کاری بیهوده خواهد بود.

رسانه باید به تناسب زمان و مکان و نوع موضوع به تبیین آن پردازد، حتی گاهی رسانه باید پیش از آن که موضوعی نو و در راه، به درون جامعه راه یابد به آن پردازد تا از آغاز به صورت درست و سالم در جامعه پذیرفته شود.

هم چنین رسانه باید از بزرگ نمایی دست آوردهای نظریه ی پلورالیسم دینی پرهیز کند تا فریفتگی و خودباختگی دروغین نسبت به این نظریه در ذهن ها نقش نبندد. البته این سخن به معنای نفی دست آوردهای مثبت آن نیست.

رسانه در عین توجه به رویکردهای علمی، باید از اصل قرار دادن آن ها

و فرع قرار دادن آموزه های دینی خودداری ورزد. محتوا و نقد و بررسی در مناظره، مصاحبه یا میزگرد باید به گونه ای باشد که فرهنگ خودباوری را گسترش دهد و از تحقیر فرهنگ دینی خودی در برابر مباحث جدید دنیای غرب خودداری شود. به دیگر سخن، رسانه باید به گونه ای استدلال کند که شنونده یا بیننده دریابد این مباحث در منابع دینی ریشه دارد و در خور فرهنگ اسلامی است.

## ۶\_ توجه به غرض های سیاسی

### ۶\_ توجه به غرض های سیاسی

بحث کثرت گرایی در فهم دین یا کثرت گرایی در خود دین، مباحث مهمی هستند که باید از نظر عقلی و نقلی، بررسی شوند و ارزیابی عقلانی و وحیانی آن بسیار اهمیت دارد. با این حال، متأسفانه در سال های اخیر دیده شده است که در برخی محافل، این بحث، صبغه ی علمی خود را از دست داده و بیشتر به عنوان یک کار سیاسی درآمده است. گویا برخی بدون آگاهی از اصل بحث، آن را برای رسیدن به هدف های سیاسی خویش به کار می گیرند. باید از افراط و تفریط در بررسی پدیده های جدید خودداری کرد و اجازه دهیم این مسایل ابتدا در محفل های علمی مطرح شود و پس از تنقیح و تثبیت بحث و مشخص شدن ویژگی های مناسب از نامناسب، در جامعه گسترش یابد.

مباحث پلورالیسم دینی به ویژه در زمینه ی فهم دین، پیچیدگی ویژه ای دارد که بدون بررسی معرفت شناسان حوزه های گوناگون دینی، تبیین آن دشوار است.

## توصیه های لازم برای برنامه ریزان و برنامه سازان

### اشاره

توصیه های لازم برای برنامه ریزان و برنامه سازان

۱\_ هنگام برنامه ریزی و برنامه سازی در مباحث دین پژوهی مانند پلورالیسم دینی، تبیین درون مایه ی مناسب و پوشش هنری و فنی آن مناسب است به دقت انجام شود. بنابراین، همان گونه که نباید برنامه ای کسالت آور ساخت، باید از پخش برنامه های سبک، بی محتوا و عامیانه پرهیز کرد.

نقش گوینده و بهره گیری از شعر، گفت و گو، گزارش و میزگرد در برنامه های ترکیبی بسیار اهمیت دارد. بخش های گوناگون برنامه هم چون متن گوینده، رفتار گوینده و شرکت کنندگان در بحث، صحنه آرای، نور و صدا باید ساختاری هم آهنگ داشته باشند.

۲\_ در نقد و بررسی درون مایه ی پلورالیسم دینی بهتر است به نکته های زیر توجه کرد:

### الف\_ جدا کردن گونه ها و ساحت های بحث

الف\_ جدا کردن گونه ها و ساحت های بحث

در آغاز شایسته است ساحت های مورد بحث مشخص شود تا پراکندگی گفتار پدید نیاید و نتیجه به زودی به دست آید. پی گیری بحث در زمینه ی پلورالیسم حقانیت، نجات، رفتاری یا... تنها هنگامی ممکن است که گفت و گو یا تحلیل بر اساس داده های از پیش مشخص شده آغاز شود. پرسش ها، شبهه ها و پاسخ های بحث نیز باید در همان زمینه و برنامه ارایه شود. بنابراین، جزیی کردن بحث در آغاز برنامه بسیار ضروری است. تهیه کنندگان و گویندگان این گونه برنامه ها به ظرف زمانی مشخص شده عنایت داشته، مباحث خاص را به طور کامل و همه جانبه، طرح کنند و از واگذار کردن پاسخ و ادامه ی بحث به برنامه ی بعد خودداری ورزند.

**ب \_ توجه به نگره ی عقلانی یا وحیانی بحث**

ب \_ توجه به نگره ی عقلانی یا وحیانی بحث

روشن کردن نگره ی بحث پیش از بیان دیدگاه های گوناگون، بسیار مهم است. برای نمونه، اگر قرار است موضوع از نگاه برون دینی ارزیابی شود، تنها یا بیشتر باید صبغه ی عقلانی را در نظر داشت و اگر نگاه، درون دینی است، باید از مبانی اسلام، دلیل و گواه آورد و به صبغه ی وحیانی آن توجه کرد. در همه ی این مراحل باید از تعریض و کنایه به پیروان ادیان پرهیز شود.

**ج \_ توجه به دین پژوهان خردگرا و دین گرا**

ج \_ توجه به دین پژوهان خردگرا و دین گرا

در این گونه مباحث به ویژه در نگاه برون دینی باید از طرح اندیشه هایی که خردستیزی را تبلیغ می کنند، پرهیز شود. هم چنین اگر بحث درون دینی است، از تبلیغ اشخاص و روش هایی که به گونه ای به دین ستیزی شهره اند یا با فرهنگ اسلامی تناسبی ندارند، پرهیز شود. به دیگر سخن، رسانه باید دیدگان خویش را به سوی دین پژوهان خردگرا و دین گرا بگشاید.

**معرفی مراکز و نهادهای مربوط به موضوع****اشاره**

معرفی مراکز و نهادهای مربوط به موضوع

زیر فصل ها

پژوهش کده ی فلسفه و کلام اسلامی

پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله

**پژوهش کده ی فلسفه و کلام اسلامی**



پژوهش کده ی فلسفه و کلام اسلامی

مسئول: علی رضا آل بویه

این پژوهش کده وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی است که در زمینه های فلسفه ی اسلامی، فلسفه ی غرب، کلام اسلامی و فلسفه ی دین فعالیت می کند.

نشانی: قم \_ خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ی آمار، شماره ی ۲۳

صندوق پستی: ۳۶۸۸-۳۷۱۸۵

تلفن: ۷۷۴۴۹۲۸

**پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**

پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مسئول: علی اکبر رشاد

این پژوهش گاه در زمینه ی معرفت شناسی، حکمت و فلسفه، قرآن پژوهی، کلام و دین پژوهی، فقه و حقوق، اقتصاد و سیاست، فرهنگ و تمدن، انقلاب اسلامی و غرب شناسی فعالیت می کند. از جمله فعالیت های این مرکز در زمینه ی پلورالیسم، چاپ کتاب هایی به نام «تحلیل و نقد پلورالیسم دینی»، «قرآن و پلورالیسم» و انتشار مجله ی «کتاب نقد» (شماره ی ۴) و «قبسات» (شماره ی ۱۸) و... است.

نشانی: قم، خیابان شهدا، کوچه ی ۲۵، شماره ی ۲۷

تلفن: ۷۷۳۵۸۱۰ \_ ۷۷۳۱۹۸۳

دورنگار: ۷۷۴۵۳۱۶

مرکز آموزش تخصصی کلام

مسئول: جعفر سبحانی

این مرکز وابسته به موسسه ی تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق(ع) است که در زمینه ی عقاید و کلام فعالیت می کند. از جمله فعالیت های آن، انتشار چند کتاب و فصل نامه ی تخصصی «کلام اسلامی» است که درباره ی پلورالیسم نیز مقاله هایی به چاپ رسانده است.

نشانی: قم، بلوار امین، روبه روی ورزشگاه شهید حیدریان

تلفن: ۲۹۲۵۱۵۲

دورنگار: ۲۹۲۲۳۳۱

**مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه**

مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه

مسئول: سیدهاشم حسینی بوشهری

این مرکز که وابسته به حوزه ی علمیّه ی قم است، در زمینه ی دفاع از دین و پاسخ گویی به شبهه ها و پرسش های دینی فعالیت می کند. از آثار علمی این مرکز به «کثرت گرایی دینی»، «عقل و دین» و «قرائت های مختلف از دین» می توان اشاره کرد.

نشانی: قم، خیابان صفاییه، کوچه ی ۱۹، شماره ی ۴۹

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۴۴۶۶

تلفن: ۷۳۷۲۱۷

دورنگار: ۷۳۷۲۱۳

**مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب**

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

مسئول: سیدابوالحسن نواب

این مرکز درباره ی ادیان و مذاهب مطالعه و تحقیق می کند. انتشار فصل نامه ی «هفت آسمان» و برگردان کتاب های «به سوی الهیات ناظر به همه ادیان»، «عیسی اسطوره یا تاریخ» و «آینده ی ادیان» از فعالیت های این مرکز به شمار می آید.

نشانی: قم، ۴۵ متری صندوق، بیست متری ابوالفضل، ساختمان ارغوان، پلاک ۹۹

صندوق پستی: ۱۷۸-۳۷۱۷۵

تلفن: ۳-۲۹۱۷۹۴۱

**مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله**

مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله

مسؤول: محمدتقی مصباح یزدی

این مؤسسه در زمینه های فلسفه و حکمت، علوم قرآنی، اقتصاد، روان شناسی، تاریخ، جامعه شناسی، علوم سیاسی، ادیان، حقوق، مدیریت و علوم تربیتی فعالیت می کند. نشر کتاب و مجله هایی مانند «معرفت» از تلاش های این مؤسسه است.

نشانی: قم، بلوارامین، روبه روی راهنمایی و رانندگی، بلوار جمهوری

صندوق پستی: ۱۸۶-۳۷۱۶۵

تلفن: ۲۹۳۲۳۲۸

دورنگار: ۹۳۶۰۰۲

**معرفی کارشناس**

معرفی کارشناس

۱ \_ آیت الله عبدالله جوادی آملی

۲ \_ آیت الله محمدتقی مصباح یزدی

۳ \_ آیت الله جعفر سبحانی

۴ \_ حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی

۵ \_ حجت الاسلام و المسلمین علی ربانی گلپایگانی

۶ \_ حجت الاسلام و المسلمین محمدحسن قدردان قراملکی

۷ \_ حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر رشاد



۹ \_ حجت الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا

۱۰ \_ حجت الاسلام محمد حسین زاده

۱۱ \_ حجت الاسلام و المسلمین دکتر هادی صادقی

۱۲ \_ حجت الاسلام و المسلمین محسن غرویان

۱۳ \_ دکتر عبدالکریم سروش

۱۴ \_ دکتر حسن رحیم پور ازغدی

۱۵ \_ دکتر سیدحسین نصر

۱۶ \_ دکتر محمود بینا

۱۷ \_ دکتر عبدالرحیم گواهی

۱۸ \_ دکتر مصطفی ملکیان

۱۹ \_ دکتر محسن جوادی

۲۰ \_ دکتر شهرام پازوکی

۲۱ \_ دکتر محمد محمدرضایی

۲۲ \_ دکتر محمد لگن هاوزن

### **پرسش های کارشناسی**

پرسش های کارشناسی

۱ \_ ضرورت و اهمیت بحث پلورالیسم در زمان حاضر چیست؟

۲ \_ تعریف پلورالیسم چیست؟ گونه های آن را برشمارید؟

۳ \_ پیشینه ی پلورالیسم را در مسیحیت، اسلام و ایران شرح دهید؟

۴\_ جان هیگ در «انقلاب کپرنیکی دینی» چه نقشی ایفا می کند؟

۵\_ زمینه های پیدایش پلورالیسم دینی را برشمردید؟



- ۶\_ «بشری نبودن دین» را چگونه اثبات می کنید؟
- ۷\_ چگونه تعصب های ناروای مسیحیان، آتش تنور پلورالیسم را شعله ورتر کرد؟
- ۸\_ تاریخ گرایی، رمانتیسم و لیبرالیسم سیاسی و دینی در پلورالیسم چه نقشی داشته است؟
- ۹\_ حد و مرز، ویژگی و جنبه های گوناگون پلورالیسم را از دیدگاه جان هیک تبیین کنید؟
- ۱۰\_ چگونه می توان از جایگاه پلورالیسم در عرصه ی واقعیت و معرفت شناسی بحث کرد؟
- ۱۱\_ چگونه جان هیک از نظریه ی معرفت شناسی نومن و فنومن کانت بهره می گیرد؟
- ۱۲\_ آیا انسان می تواند به حقیقت اشیاء دست یابد؟
- ۱۳\_ آیا اختلاف های پلورالیستی حل شدنی است؟
- ۱۴\_ پلورالیسم دینی در فهم دین و خود دین را برشمرد؟
- ۱۵\_ پلورالیسم دینی هنجاری و نجات شناختی را تبیین فرمایید؟
- ۱۶\_ گونه گونی ادیان را چگونه می توان تبیین کرد؟
- ۱۷\_ انحصار گرایی دینی را تبیین، استدلال و نقد کنید؟
- ۱۸\_ تفسیر، استدلال و نقد شمول گرایی را تقریر کنید؟
- ۱۹\_ نقد شما درباره ی کثرت گرایی چیست؟
- ۲۰\_ نقدهای وارد بر مبانی رهیافتی پلورالیسم دینی جان هیک و پیروان او را بیان کنید؟

- ۲۱ \_ آیا وحی و تجربه ی دینی به یک معناست؟
- ۲۲ \_ صراط مستقیم یا صراط های مستقیم؟
- ۲۳ \_ انسان باید ایمان گرا باشد یا شریعت گرا؟ چرا؟
- ۲۴ \_ آیا عقل، برتری دین کامل، برتر و خالص را می پذیرد؟ چگونه؟
- ۲۵ \_ چگونه قاعده ی لطف بر نفی پلورالیسم دلالت می کند؟
- ۲۶ \_ آیا حقانیت و خاتمیت قرآن و اسلام، از برهان عقلی برداشت می شود؟
- ۲۷ \_ تنها معجزه ی باقی مانده از پیامبران چیست؟
- ۲۸ \_ بشری بودن کتاب مقدس را اثبات کنید؟
- ۲۹ \_ نمونه هایی از وجود تحریف در کتاب مقدس را برشمرد و استدلال تاریخی \_ پژوهشی خود را درباره ی تناقض گویی های آن بیان کنید؟
- ۳۰ \_ بشارت های عهد عتیق و عهد جدید را نسبت به آخرین پیامبر بیان کنید؟
- ۳۱ \_ چگونه جریان مباحله بر برتری شریعت آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دلالت دارد؟
- ۳۲ \_ چگونگی تقدّم عقلانی و منطقی دین متأخر را شرح دهید؟
- ۳۳ \_ تضاد ذاتی پلورالیسم چیست؟
- ۳۴ \_ آیا پذیرش پلورالیسم به معنای پذیرش شکاکیت، نسبت گرایی و اجتماع نقیضین است؟
- ۳۵ \_ چگونه پلورالیسم پایه های خود را در هم فرو می ریزد؟

- ۳۶ \_ اسلام عام و اسلام خاص چیست و ناسخ بودن اسلام به چه معناست؟
- ۳۷ \_ آیا دعوت پیامبر اسلام، جهان شمول و همگانی است؟
- ۳۸ \_ نمونه هایی از سفارش اسلام به مدارا با مخالفان دینی را بیان کنید؟
- ۳۹ \_ نمونه هایی از وجود پلورالیسم مثبت در سیره ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام علی علیه السلام را بیان کنید؟
- ۴۰ \_ نظر اسلام درباره ی قاصران و مقصّران چیست؟
- ۴۱ \_ آیا حقانیت اسلام و تشیع را در قالب آخرین انقلاب دینی (انقلاب مهدی موعود علیه السلام) می توان یافت؟
- ۴۲ \_ موضع گیری ما در برابر ادیان گذشته (قبل از تحریف) باید چگونه باشد؟
- ۴۳ \_ جایگاه تورات و انجیل در قرآن و برعکس را شرح دهید؟
- ۴۴ \_ موضع ما در برابر ادیان پس از تحریف آن ها چیست؟
- ۴۵ \_ پلورالیسم طولی در ادیان یا پلورالیسم وظیفه شناختی چیست؟
- ۴۶ \_ آیا پلورالیسم رفتاری، گونه ای از پلورالیسم معقول و مشروع است؟
- ۴۷ \_ دیدگاه برخی اندیشمندان غربی مبنی بر وجود پلورالیسم در اسلام را بیان کنید؟
- ۴۸ \_ پلورالیسم رستگاری یعنی چه و نظر اسلام چیست؟
- ۴۹ \_ پلورالیسم در حقایق را تقریر و نظر اسلام درباره ی آن را تشریح کنید؟

۵۰\_ چند برهان عقلی و نقلی بر حَقَّانیت، خاتمیت و جامعیت اسلام ارایه کنید؟

۵۱\_ چرا نجات غیر از حَقَّانیت است؟

- ۱\_ قرآن کریم، برگردان: ناصر مکارم شیرازی، الهی قمشه ای، محمدمهدی فولادوند.
- ۲\_ نهج البلاغه، برگردان: محمد دشتی، فیض الاسلام.
- ۳\_ کتاب مقدس (تورات و انجیل).
- ۴\_ آلوسی؛ تفسیر روح المعانی، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.
- ۵\_ آریان پور، عباس؛ فرهنگ کامل انگلیسی \_ فارسی، جلد ۴.
- ۶\_ الأحمدی المیانجی، علی؛ مکاتیب الرسول، طهران، مؤسسه دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۷\_ ابن اثیر؛ الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ۸\_ ابن سینا؛ الاشارات و التنبیها، قم، نشر البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۹\_ بخاری؛ صحیح بخاری، ریاض، دارالسلام، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- ۱۰\_ بی ناس، جان؛ تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
- ۱۱\_ پترسون، مایکل و دیگران؛ عقل و اعتقاد دینی، احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

- ۱۲ \_ توفیقی، حسین؛ آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چهارم، ۱۳۸۰.
- ۱۳ \_ جناتی، حسین؛ صراط مستقیم، قم، انتشارات نصاب، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۴ \_ جعفری، محمدرضا؛ فرهنگ فشرده‌ی انگلیسی \_ فارسی، تهران، نشر نو، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- ۱۵ \_ جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم و ویرایش؛ علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه. ش.
- ۱۶ \_ \_\_\_\_\_؛ شریعت در آیینه‌ی معرفت، تنظیم و ویرایش: حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۱۷ \_ جمعی از نویسندگان و مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه، جلد ۱ \_ ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹ \_ ۲۰ و ۲۱.
- ۱۸ \_ حلی (علامه)؛ کشف المراد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۶ ه. ق.
- ۱۹ \_ حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- ۲۰ \_ حسین زاده، حسین؛ مبانی معرفت دینی، محمود پاک روان، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۱ \_ حسینی طباطبایی، مصطفی؛ دعوت مسیحیان به توحید در پرتو قرآن و انجیل، ناشر: نویسنده، ۱۳۷۰.

- ۲۲ \_ حسینی دشتی، سیدمصطفی؛ معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- ۲۳ \_ خرماهی، بهاءالدین؛ قرآن پژوهی، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق.
- ۲۴ \_ خسروپناه، عبدالحسین؛ کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه ی علمیه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۵ \_ دهقان، اکبر؛ یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۲۶ \_ دریایی، محمدرسول؛ پیامبر موعود در تورات و انجیل؛ تهران، بنیاد فرهنگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۲۷ \_ ربانی گلپایگانی، علی؛ تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، قم، مؤسسه ی دانش و اندیشه ی معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۸ \_ زمخشری؛ الکشاف، جلد ۱ و ۲، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۹ \_ سروش، عبدالکریم؛ صراط های مستقیم، تهران، طلوع آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳۰ \_ سبحانی، جعفر؛ مدخل مسایل جدید در علم کلام، جلد ۲، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۳۱ \_ \_\_\_\_\_؛ مفاهیم القرآن، جلد ۳.
- ۳۲ \_ \_\_\_\_\_؛ مبانی حکومت اسلامی.
- ۳۳ \_ شیخ صدوق، ابن بابویه؛ عیون اخبارالرضا علیه السلام .

- ۳۴ \_ صادقی، هادی؛ پلورالیسم (دین، حقیقت، کثرت) قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳۵ \_ طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱، ۳، ۵ \_ ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸ \_ ۲۰، انتشارات اسلامی.
- ۳۶ \_ طبرسی؛ مجمع البیان، قم، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۶.
- ۳۷ \_ الطوسی، شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ ق.
- ۳۸ \_ عبدالباقی، محمدجواد؛ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، مطبعه دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴.
- ۳۹ \_ غروی، محسن؛ پلورالیسم دینی، انتشارات یمین، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۴۰ \_ فخر رازی؛ التفسیر الکبیر، جلد ۴، ۱۴ و ۱۶، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۴۱ \_ فیض کاشانی، علم الیقین، جلد ۲، قم، انتشارات بیدار.
- ۴۲ \_ قدردان قراملکی، محمدحسن؛ قرآن و پلورالیسم، تهران، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۴۳ \_ \_\_\_\_\_؛ کندوکاوی در سویه های پلورالیسم، کانون اندیشه ی جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۴۴ \_ قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، جلد ۱ \_ ۳، قم، مؤسسه ی در راه حق، چاپ دوم، ۱۳۷۶.



- ۴۵ \_ \_\_\_\_\_؛ اصول عقاید، جلد ۱ \_ ۵، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- ۴۶ \_ قرشی، سیدعلی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، بهار ۱۳۷۸، ه. ش.
- ۴۷ \_ کلینی، یعقوب؛ اصول کافی، جلد ۱ و ۲، سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
- ۴۸ \_ گروهی از نویسندگان؛ المعجم الوسیط، جلد ۱ و ۲، دارالدعوه.
- ۴۹ \_ گروه ترجمه ی بنیاد پژوهش های اسلامی؛ فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، ویراسته ی: بهاءالدین خرمشاهی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۵۰ \_ گواهی، عبدالرحیم؛ درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۵۱ \_ گوستاولوبون؛ تمدن اسلام و غرب، فخر داعی گیلانی، بنگاه علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴ ش.
- ۵۲ \_ لويس معلوف؛ المنجد، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۵۳ \_ لگن هاوزن، محمد؛ اسلام و کثرت گرایی دینی، نرجس جواندل، قم، مؤسسه ی فرهنگی طه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۵۴ \_ مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه؛ پلورالیسم، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه، ۱۳۸۰.
- ۵۵ \_ ملاصدرا؛ حکمت متعالیه (اسفار اربعه)، جلد ۷، بیروت، داراحیاء

التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱ م.

۵۶ \_ مجلسی؛ بحار الانوار، جلد ۱، ۵، ۹، ۱۶، ۲۱، ۶۹، طهران، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م.

۵۷ \_ مصباح یزدی، محمدتقی؛ پرسش ها و پاسخ ها، قم، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۵۸ \_ مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، جلد ۱ و ۱۴، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۵۹ \_ \_\_\_\_\_؛ کتاب جهاد.

۶۰ \_ \_\_\_\_\_؛ عدل الهی، تهران، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۹.

۶۱ \_ \_\_\_\_\_؛ مقدمه ای بر جهان بینی، قم، صدرا.

۶۲ \_ مؤدودی، ابوالاعلی؛ الاسلام فی مواجهه التحديات المعاصره.

۶۳ \_ مراغی؛ تفسیر المراغی، جلد ۲، دارالفکر.

۶۴ \_ محمدی، علی؛ شرح کشف المراد، قم.

۶۵ \_ میشل، توماس؛ کلام مسیحی، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۶۶ \_ نیکزاد، عباس؛ صراط مستقیم، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۶۷ \_ ویل دورانت؛ تاریخ تمدن، جلد ۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۶۸ \_ هوستون، اسمیت؛ مذاهب انسانی، علی اصغر حکمت.

۶۹ \_ هیک، جان؛ مباحث پلورالیسم دینی، عبدالرحیم گواهی، تهران، مؤسسه ی فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۸.

۷۰ \_ \_\_\_\_\_؛ فلسفه ی دین، بهزاد سالکی، ویراستار: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات بین المللی هدی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۷۱ \_ هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان؛ تفسیر راهنما، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۷۲ \_ هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ فرهنگ قرآن، جلد ۱، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

### (ب) مقالات:

۱ \_ بینا، محمود؛ «حکمت متعالی ادیان»، هفت آسمان، سال اول، شماره ی اول.

۲ \_ جوادی آملی، عبدالله؛ «پلورالیسم دینی»، کتاب نقد، شماره ی ۴، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

۳ \_ جعفری، محمدتقی؛ «پلورالیسم دینی»، کتاب نقد، شماره ی ۴، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

۴ \_ خرمشاهی، بهاءالدین؛ «قرآن و الهیات جهانی»، بینات، شماره ی ۱۷، قم، مؤسسه ی معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.

۵ \_ ربانی گلپایگانی، علی؛ «قرآن و پلورالیسم دینی»، رواق اندیشه، شماره ی ۵، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰.

۶\_ ربانی گلپایگانی، علی؛ «پلورالیسم یا کثرت گرایی دینی»، مجله ی تخصصی کلام اسلامی، قم، مؤسسه ی تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶.

۷\_ رشاد، علی اکبر؛ «لوازم فلسفی \_ کلامی پلورالیسم دینی»، کتاب نقد، شماره ی ۴.

۸\_ سروش، عبدالکریم؛ «صراط های مستقیم»، کیان، ش ۳۶.

۹\_ لگن هاوزن، محمد رضایی؛ «پلورالیسم معرفتی»، مجله ی قبسات، شماره ی ۱۸، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۰\_ لاریجانی، صادق، «پلورالیسم دینی»، کانون گفتمان دینی، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه، ۱۳۷۹.

۱۱\_ «پلورالیسم دینی» بازتاب اندیشه، ج ۱۱، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ قم، مؤسسه ی فرهنگی طه، چاپ اول.

۱۲\_ مصباح یزدی، محمدتقی؛ «پلورالیسم دینی (گزاره ی اول)»، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، شماره ی ۴، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

۱۳\_ میدی، فاضل؛ «پلورالیسم در اندیشه ی دینی»، نشریه ی خراسان، ۱۳۷۸.

۱۴\_ نصر، سیدحسین؛ «مبادی الطبیعی و تلقی اسلامی در مقوله ی مدارا و عدم مدارا»، کیان، هومن پناهنده، شماره ی ۴۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

